

بروتراهای جهان متحد شوید!



مسائل بین‌المللی

۶

بهمن - اسفند
سال ۱۳۶۱



فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۸ - ۳	یاد بود لئونید ایلیچ برژنف	
۲۶ - ۹	ک . چرنکو (اتحاد جماهیر شوروی) شصت سال دوستی برادرانه خلقها	
۳۸ - ۲۷	نقش مذهب در انقلاب ما	۱ . طبری (ایران)
۵۰ - ۳۹	د . استانیشف (بلغارستان) جبهه جهانی ضد جنگ واقعیات ، دشواریها ، هدفها	
۶۶ - ۵۱	چگونه باید از کاهش تشنج دفاع کرد (از مطالب سمپوزیوم بین المللی در پراگ)	-
	اطلاعاتی درباره تجارب تازه :	
۷۰ - ۶۷	مبارزه برای علنی شدن حزب	۲ . دوس سانتوس (برزیل)
۷۳ - ۷۱	چه چیزی جوانان اسپانیا را نگران میسازد	خ . پالائو
۷۶ - ۷۴	خبرهای کوتاه	-

یان بود لئونید ایلچ برژنف

د هم نوامبر سال ۱۹۸۲ لئونید ایلچ برژنف د بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، چهار بار قهرمان اتحاد شوروی و قهرمان کار و سوسیالیستی د رسن هفتاد و شش سالگی نابهنگام د رگدشت . یک شخصیت برجسته حزب کمونیست و کشور شوروی و جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، تئوریسینی بزرگ و سازماندهی پراستمداد زندگی را بدو دگفت . سراسر زندگی پر مضمون و درخشان او بدو ن کم و بیش به امراکتبر حزب لنین، منافع مردم زحمتکش و ساختمان کمونیسم حصر شده بود .

لئونید ایلچ برژنف ۱۹ د سامبر سال ۱۹۰۶ د ر شهربد نپروود زرزینسک د ر خانوادۀ کارگر صنایع تهیه فلز زاده شد . د رسن پانزده سالگی د ر کارخانه فلزکاری شروع بکار کرد و د ر جمع بزرگ و پرافتخار کارگران آنجا همانند یک کارگر آبدیده شد . د ر هفده سالگی به عضویت سازمان جوانان (کمسومول) د ر آمد و د رسال ۱۹۳۱ عضویت حزب کمونیست را پذیرفت .

پس از به پایان رساندن آموزشگاه فنی د ر استان کورسک، د ر پلوروسی و اورال بمنزله متخصص ژنوبازی بکار پرداخت . او بکار روی زمین، کار دهقانی د شواری که برای انسانها بسیار ضروری است علاقمند شد .

ل . ای . برژنف پس از بازگشت به زادگاه خود برای ادامه تحصیل وارد دانشکده متالورژی شد و د ر آنجا د ر عین حال کارهای اجتماعی و پر مسئولیتی مانند د بیر کمیته حزبی، صدر کمیته اتحادیه و سپس د بیر کمیته حزبی دانشکده را نیز انجام میداد . پس از به پایان رساندن دانشکده بکار د ر کارخانه مشغول شد، د ر زبایکال خدمت د ر ارتش را به انجام رساند و بعداً هم بکارهای دولتی و حزبی پرداخت .

ل . ای . برژنف که د رسال ۱۹۳۹ به سمت د بیر کمیته ایالتی حزب د ر د نپرویترووسک انتخاب شد کار بزرگی د رسازماندهی تولید و سائل تکنیکی جنگی انجام داد .

ل . ای . برژنف از نخستین روزهای جنگ کبیر میهنی بخدمت ارتش د ر آمد . او بمنزله

يك سرياز ، كمونيست و كارمند سياسي راهبهاي دشوار جبهه را از نووروسييك تا پراگ پشت سر نهاد . او بمنزله معاون رئيس اداره سياسي جبهه جنوب ، سپس رئيس شعبه سياسي ارتش هيچد هم ، رئيس اداره سياسي جبهه چهارم اوكرائين در تدارك و تنظيم و تحقق يك سلسله از عمليات ارتش سرخ در قفقاز ، كناره‌هاي دريای سياه ، در كريمه و اوكرائين شركت كرد و در آزاد ساختن خلقهاي كشورهاي اروپايي از اشغالگران فاشيست اشتراك ورزيد . قهرمانی بی نظیر سربازان شوروی در زمین كوچك بانام كميسار برژنف ارتباط دارد . ل . ا . ی . برژنف بمنزله كميسار هنگ مختلط در رژه پيروزي در مسكوره جبهه خود را پايان رسانيد .

ل . ا . ی . برژنف در سال ۱۹۴۶ بسمت دبيراوول كميته ايالتی حزبی زاپاروژسك و سپس دبيراوول كميته ايالتی حزب كمونيست (بلشويكها) در اوكرائين انتخاب شد . كارخانه هاي عظيم صنايع ماهمانند زاپاروژاستال ، دنپروگس ، كارخانه‌هاي فلزسازي دنپروپترووسك و نيكوپول و معادن كرويوروتيه برهبري مستقيم او احيا كرديد .

در سالهاي ۱۹۵۰-۱۹۵۲ ل . ا . ی . برژنف بسمت دبيراوول كميته مركزي حزب كمونيست ملداوي انجام وظيفه ميكند . او كار فراواني براي پيشرفت صنايع و دگرسازي سوسياليستي كشاورزي و اعتلاي فرهنگ اين جمهوري كه در آن هنگام يكي از جوان ترين جمهوريهاي متحد بود انجام داد . در سال ۱۹۵۴ ل . ا . ی . برژنف بسمت دبیر دوم و در سال ۱۹۵۵ دبيراوول حزب كمونيست كازاخستان انتخاب شد . او خود را وقت آباد كردن زمين‌هاي بكر و پايان نمود و در صفوف نخستين مبارزان در پيكار بزرگ در راه محصول فراوان غله كازاخستان قرار داشت . اينكه اين پيكار به پيروزي انجاميد و كازاخستان يكي از انبارهاي غله عمده ميهن گرديد از خدمات جاويدان ل . ا . ی . برژنف است .

در كنگره نوزدهم و كنگره‌هاي بعدی حزب ل . ا . ی . برژنف به عضویت کمیته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي انتخاب شد . او عضو مشاور پرزيديوم كميته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي ، دبیر کمیته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي (۱۹۵۶-۱۹۵۷) ، عضو پرزيديوم كميته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي (۱۹۵۷-۱۹۶۶) و از سال ۱۹۶۶ عضو فترسيانسى كميته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي بود . در سالهاي ۱۹۵۸-۱۹۶۶ او عضو پروري كميته مرکزی معاون در وضع رپوروي كميته مرکزی حزب كمونيست اتحاد شوروي در جمهوري فدراتيف شوروي سوسياليستي روسيه بود .

ل . ا . ی . برژنف نماينده شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی دوره‌های سوم - دهم ، نماينده شورای عالی جمهوري فدراتيف شوروي سوسياليستي روسيه در دوره‌های پنجم - دهم ،

نماینده شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی مداوی دوره سوم و شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی کازاخستان در دوره چهارم بود. در سالهای ۱۹۶۵-۱۹۷۷ عضو هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی بود و در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۴ و بعد از سال ۱۹۷۰ مقام صدارت هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی را داشت.

در سال ۱۹۶۴ در پلنوم اکتبر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ل. ای. برژنف به سمت دبیر اول و در سال ۱۹۶۶ به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد. پیشرفت و تحکیم روز افزون حزب کمونیست اتحاد شوروی با فعالیت خستگی ناپذیر تئوریک، سیاسی و ایدئولوژیک ل. ای. برژنف ارتباط ناگسستنی دارد. او که قاطعانه از آموزش و وصایای لنین پیروی میکرد بطور خستگی ناپذیر مواظب بود که حزب هر چه کالمتر نقش نیروی رهبری کننده و سمت دهنده جامعه شوروی، سازمان دهنده و الهام بخش خلأ قیامت سازنده توده های میلیونی و پیشگام سیاسی مردم شوروی را ایفا نماید.

ل. ای. برژنف خدمات گرانبهای در احیاء، استحکام و تکامل موازین لنینی زندگی حزبی و اصول رهبری و تحکیم رابطه حزب با توده ها انجام داده است. او بمنزله دبیر کل کمیته مرکزی کازاخستان و جمعی کمیته مرکزی و شوروی سیاسی آنرا تأمین کرد. او توجه فراوانی به تکمیل فعالیت سازمانهای حزبی جمهوریها، ایالات، ولایات و سازمانهای حزبی شهرها و بخشها و سازمانهای اولیه حزبی مبذول میداشت.

ل. ای. برژنف سهم بزرگی در تحقق برنامه های ساختمان سوسیالیستی در کشور ما ادا کرد. مصوبات کنگره های ۲۳-۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره ساختمان سوسیالیسم پیشرفته و گذار به کمونیسم اساس سیاست اقتصادی و اجتماعی حزب را تشکیل میداد. پیشرفت صنایع سوسیالیستی، سیاست ارضی و کشاورزی که برنامه مواد غذایی و خواربار یکی از بخش های مهم آنست، افزایش شمرخشی تولید و تشدید آن، تکمیل مناسبات اجتماعی و تربیت و پرورش کمونیستی زحمتکشان تمام این مسائل بوسیله حزب و کمیته مرکزی آن برهبری ل. ای. برژنف بطور خلأ قیامت تهیه و تنظیم شده است.

ل. ای. برژنف صد رکنیسیون قانون اساسی بود و در پی گزارش او، شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، پس از بحث و بررسی و توافق تمام مردم، در سال ۱۹۷۷ قانون اساسی جدید اتحاد شوروی را که تحریک تازه و نیرومندی به پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی داد تصویب کرد. فعالیت ل. ای. برژنف در مقام رئیس دولت شوروی همه جانبه و شمر بخش بود. این فعالیت به بالا رفتن اوج و اعتبار ارگانهای حاکمیت خلق و تکامل کار آنها یاری رساند.

زیربنای نیرومند مادی — تکنیکی سوسیالیسم پیشرفته با کار قهرمانانه مردم ایجاد شده است . پیوند دست آوردهای انقلاب علمی — فنی با برتریهای سوسیالیسم امکان میدهد ترقی در تمام رشته‌های اقتصاد را تأمین نمائیم . حزب دولت همواره مراقب خیرورفاه مردم و بالا رفتن سطح مادی و فرهنگی آنها هستند . ل . ای . برژنف توجه فراوانی به مسائل ترقی علمی — فنی ، افزایش بازدهی کار ، بهبود کیفیت کار و پیشرفت نیروهای تولیدی سیبری و خاور و روسخیرفضای کیهانی میذول میداشت .

ل . ای . برژنف توجه زیادی به بسط و تکامل آموزش مارکسیستی — لنینیستی بوسیلهٔ حزب و کاربرد خلاق آن داشت . او که یک مارکسیست — لنینیست استوار بود سهم شایان توجهی در تئوری کمونیسم علمی ، تهیه و تدوین آموزش مربوطه به سوسیالیسم تکامل یافته و راههای ترقی و پیشرفت آن در آینده اد کرد .

ل . ای . برژنف در طول سالهای زیادی در رأس شورای دفاع اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت و توجه مستمری به نیروهای مسلح شوروی که نگهبان کار مسالمت آمیز مردم شوروی و تکیه گاه صلح همگانی روی کره زمین میباشند ، میذول میداشت . به او عالیترین درجهٔ نظامی یعنی درجهٔ مارشال اتحاد شوروی داده شد .

ل . ای . برژنف با اتکاء به میراث لنین اوضاع بین المللی ، آرایش نیروها در عرصهٔ جهان و راههای مشخص جلوگیری از جنگ جهانی هسته ای را عمیقاً تجزیه و تحلیل مینمود . نوشته ها و آثار ل . ای . برژنف در بارهٔ مسائل جنگ و صلح حائز اهمیت اساسی برای سیاست خارجی شوروی میباشند .

ل . ای . برژنف ، این میهن پرست بزرگ انترناسیونالیستی بمعنی و مفهوم عمیق ولنینیسی این کلمه بود . او که با هزاران رشته به خلق خود پیوسته بود ، همواره سرنوشته و تمایلات سایر خلقها را درک و احساس میکرد . او در این راه که امکانات و قدرت نخستین کشور سوسیالیستی تا حد اکثر ممکن به امر صلح ، حسن تفاهم و دوستی میان خلقها و همکاری شمربخش و سود مند برای طرفین خدمت کند ، کارهای زیادی انجام داد .

صداقت و وفاداری به اندیشه‌های انترناسیونالیسم در مساعی و توجه و مراقبت مداوم ل . ای . برژنف به منظور تحکیم دوستی برادرانه و همکاری با کشورهای جامعهٔ جهانی کشورهای سوسیالیستی ، اتحاد خلل ناپذیر احزاب مارکسیستی — لنینیستی کشورهای سوسیالیستی برپایهٔ برابری حقوق ، احترام متقابل و کمک متقابل بطرز درخشانی تجسم یافت .

ل . ای . برژنف بطور خستگی ناپذیر در راه تحکیم و بسط و تکامل روابط شمربخش و همه جانبه

با کشورهای که ازستم استعماری رهائی یافته اند یا در راه سمتگیری سوسیالیستی و مبارزه در راه سوسیالیسم گام نهاده اند و با تمام خلقهای که در راه استقلال سیاسی و اقتصادی مبارزه میکنند فعالیت میکرد .

تعمیق و تکمیل روابط با احزاب کمونیست برادر سراسر جهان در مرحله نو ، پر مسئولیت و بیفرنج بسط و تکامل جنبش جهانی کمونیستی با نام ل . ای . برژنف پیوند دارد . او برای از خود گذشتگی و فداکاری برادران هم طبقه و وفاداری آنان به اندیشه های کمونیسم ارج فراوانی قائل بود .

نام ل . ای . برژنف در تاریخ بمنزله مبارزه بزرگی در راه صلح باقی خواهد ماند . او خطر جامعه آمیز جنگ در قرن هسته ای ما را عمیقاً درک میکرد ، اندیشه الهام بخش و مسیح کننده : ابتدائی ترین حق هر انسان حق زندگی است ، اندیشه ای که سراسر جهان را در نور دید از آن اوست .

حزب ماتحت رهبری ل . ای . برژنف برنامه صلحی را تهیه و تدوین کرد که در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب رسید و در کنگره های بیست و پنجم و بیست و ششم بسط و تکامل داده شد ، حزب پیشنهاد های بسیار مهم صلحجویانه ای ارائه نمود . این امر کمک میکند تا در مناسبات اجتماعی ، جو کاهش تشنج و همکاری حفظ شود و مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز و علیت تجاوز و امپریالیسم فعالانه ادامه یابد . صلح و سوسیالیسم با قوت بیشتری در فکرون ذهن میلیونها بمنزله واحدی تفکیک ناپذیر جای گرفت .

حزبیت فوق العاده ، اصولیت بلشویکی ، تواضع و انسانیت از خصوصیات ل . ای . برژنف بود . او به تمام مردم شوروی نزدیک بود و او را گرامی میداشتند .

ل . ای . برژنف بخاطر خدمات برجسته اش برای حزب کمونیست و دولت شوروی در ساختمان سوسیالیسم ، برای سهم بزرگ و ویژه خود در پیروزی مردم شوروی بر اشغالگران فاشیست آلمان در جنگ کبیر میهنی ، بخاطر فعالیت شدید و شمر بخش برای تقویت نیروی اقتصادی و دفاعی اتحاد شوروی و کار خستگی ناپذیر در مبارزه در راه صلح و امنیت خلقها چهار بار به دریافت عنوان قهرمان اتحاد شوروی و قهرمان کار سوسیالیستی مفتخر گردید .

اوید دریافت نشان " پیروزی " ، هشت نشان لنین ، دو نشان انقلاب اکتبر ، دو نشان پرچم سرخ ، نشان های هوگدان خطنیتسکی (درجه دوم) ، جنگ میهنی (درجه یک) ، ستاره سرخ و اسلحه و نشان های افتخاری اتحاد شوروی نائل شد . به او نشان طلای کارل مارکس و درجه دارنده جایزه لنین اعطا گردید .

ل . ای . برژنق بخاطر خدمتش به حزب و جنبش کارگری و آزاد بیخش ملی و مبارزه در راه صلح سه بار به گرفتن درجه قهرمان جمهوری خلق بلغارستان ، سه بار قهرمان جمهوری دموکراتیک آلمان ، قهرمان جمهوری خلق مفلستان ، قهرمان کار جمهوری خلق مفلستان ، سه بار قهرمان جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی ، قهرمان جمهوری کوبا و قهرمان کار جمهوری سوسیالیستی ویتنام مفتخر شد و به اونها نشان های عالی جمهوری خلق لهستان ، جمهوری خلق مجارستان ، جمهوری سوسیالیستی رومانی ، جمهوری فدراتیو یوگسلاوی ، جمهوری دموکراتیک خلق کره ، لاوس و بسیاری دیگر از کشورهای داده شد . او دارنده جایزه بین المللی لنین و جایزه دیمیتروف بود و بد ریافت " نشان طلای صلح " ف . ژولیوکوری نائل گردید .

کمونیسست ها ، مردم شوروی ، دوستان ما در خارج از کشور و تمام کسانی که صلح روی زمین را گرامی میدانند برای ادای احترام عمیق به خاطره رهبر برجسته حزب کمونیسست و کشور شوروی و بزرگترین شخصیت سیاسی دوران ما سر خود را خم میکنند .

شورای وزیران
اتحاد جماهیر شوروی

هیئت رئیسۀ شورای عالی
اتحاد جماهیر شوروی

کمیته مرکزی حزب کمونیسست
اتحاد شوروی

شصت سال دوستی برادرانهٔ خلقها

کنستانتین چرننکو

عضو بروی سیاسی و دبیر کمیتهٔ مرکزی

حزب کمونیست اتحاد شوروی

طی پیشرفت جامعهٔ بشری در طول قرون متمادی زندگی تعداد بیشماری مسائل کوچک و بزرگ در برابر آن مطرح ساخته است. بسیاری از آنها در جریان کار فراوان و پیگیر نسلمها و نتیجهٔ ترقی تکنیکی، علمی و اجتماعی حل گردید. اما تعداد زیادی از مسائل هم بودند که طی صد ها سال حل نشده و با اصطلاح باز باقی مانده بودند.

البته نه بدین سبب که جامعهٔ بشری و در درجهٔ اول بخش شرقی آن برای حل آنها کوششی بخرج نمیداد: بعکس برای انجام این کارها بارها دست به اقداماتی میزد. ولی هیچیک با موفقیت قرین نگردید. شرایط عینی که جامعهٔ استعمارگر بوجود آورده بود و جامعه ای که خود زائیدهٔ سیستم ستمری انسان علیه انسان بود، مانع میگرد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای حل مسائل حاد و دردناک پیشرفت اجتماعی چرخشی بنیادی بود. ل. ل. ای. برژنف میگفت: "راهی که روسیه را به سوسیالیسم هدایت کرد، شاهراه تاریخ جهان و تمام تمدن بشری است. با وجود تمام ویژگیهای شرایط روسیه، انقلاب اکتبر بیانگر گرایش های اساسی و عمدهٔ یک دوران تاریخی کامل، یعنی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم یا گذاری بود که وسیلهٔ سراسر جریان پیشرفت اجتماعی - اقتصادی در جهان آماده شده بود" (۱).

از جمله مسائل قرنهای گذشته که واقعاً هم انقلاب اکتبر حل آنها را پایه گذاری کرد مسئلهٔ بفرنجی مانند مسئلهٔ ملی یعنی یکی از دشوارترین و حیاتیترین مسائلی است که جامعهٔ بشری با آن مواجه گردیده است.

اکنون ، زمانیکه خلقهای اتحاد شوروی و همراه با آنها تمام دوستانشان شصتین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یعنی اولین کشور واحد متحد کثیرالمله در تاریخ را برگزار کردند این موضوع بویژه بخوبی آشکاراست که اهمیت جهانی — تاریخی تجربه سوسیالیسم ، تحولات بزرگ و تغییرات اجتماعی عمیق در کشور ما از این واقعیت بسیار مهم جدائی ناپذیر است که بوسیله کشورشوراها بود که اقدام دلیرانه ای برای حل و فصل مسئله ملی بعمل آمد .

در واقع بدین سبب که انقلاب اکتبر پس از حل مسئله بنیادی اجتماعی و ملی ساختن استعمار انسان بوسیله انسان ، در آن واحد مسئله ملی را نیز حل کرد ، ستم ملی را در تمام اشکال و مظاهرش نابود ساخت و برابر حقوقی واقعی ملل و اقوام کشور را تأمین کرد ، کشور ما توانست طی سالها گذشته به کشور نیرومند سوسیالیستی با اقتصاد عالی پیشرفت و فرهنگ غنی کثیرالطلبی مبدل گردد . طی این مدت ملل و اقوام کشور ما زیر پرچم حزب کمونیست لنین بشکل مجمع تاریخی تازه ای یعنی خلق شوروی متحد و یکپارچه شدند .

۱

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با کار عظیم اندیشه ای — تئوریک ، سیاسی و سازمانی حزب لنین تدارک دیده شد . کشور کثیرالمله واحد نتیجه خلافت انقلابی طبقه کارگر روسیه و توده های بسیارانبوه خلقهای است که بوسیله اکتبر بزرگ آزاد گردیدند . پیدایش اتحاد براداران جمهوری های برابر حقوق بانوع ولا دیمیرالیچ لنین ارتباطی ناگسستگی دارد . او که بنیانگذار حزب بلشویکها است مؤسس کشور کثیرالمله شوروی نیز میباشد .

نه برای انجام انقلاب پرولتری و نحل سوسیالیستی مسئله ملی راههای هموار شده ای وجود نداشت . برای دست زدن به این کار بفرنج دلیری تاریخی و قبول مسئولیت ، تیزبینی سیاسی ، درک عمیق قوانین پیشرفت جامعه و منافع و احوال و روحیه توده ها لازم بود .

حزب بلشویکها در آتش مبارزه و آزمون های سه انقلاب روسیه این صفات را در خود پرورش داد . تئوری مارکسیسم — لنینیسم که نظریه عمیق مسئله ملی را شامل میشد رهنمودی قابل اطمینان برای آن بود . و . ای . لنین در تکمیل اندیشه های ک . مارکس و ف . انگلس ارتباط ناگسستگی حل مسئله ملی با حل و فصل مسائل بنیادی انقلاب سوسیالیستی را نشان داد . لنین تأکید میکرد که " برای برطرف ساختن ستم ملی شالوده ای لازم است که آن تولید سوسیالیستی است ولی برای — شالوده سازمان دادن دموکراتیک کشور هم ضروری است " (۱)

به بیان دیگر پیروزی کار بر سرمایه شرط مقدم ضروری عینی برای تحقق حقوق ملی و منافع

خلقهاست . ولی ، از طرف دیگر از بین بردن حاکمیت سرمایه هم مستلزم وحدت انترناسیونالیستی زحمتکشان تمامیت ها و اتحاد استوار پرولتاریای تمام ملت ها با توده های د هقان تمام ملت ها در مبارزه علیه طبقات استثمارگرود ر راه برابر حقوقی واقعی خلقهاست . لنین در واقع با توجه به این نکته و با تعمیق تئوری انقلاب سوسیالیستی بطور همه جانبه مستدل ساخت که جنبش آزاد بیخش ملی بطور عینی متحد طبقه کارگر در نبرد هایش با امپریالیسم و سلطه بورژوازی است .

لنینیسم پرولتاریای روسیه و جهان را با برنامه روشن حل مسئله ملی مجهز ساخت . قبول اصل تعیین سرنوشت ملت تا حد حق آنها در تشکیل دولت جداگانه هم در شمار موارد عمده آن قرار گرفت .

معلوم است که لنین مجبور شد مصرأ و در بحث وجدل شدیدی از این برنامه دفاع کند . مارکسیست های مشهور خارجه و حتی برخی از شخصیت های حزب مادر شمار مخالفان آن بودند . دلیل عمده آنها عبارت از این بود که تحقق پیگیر اصل تعیین سرنوشت ملل گویا خلقها را از هم جدا میکند ، به ایجاد کشورهای کوچک و کوچکتر منجر میشود و بدین ترتیب در راه وحدت انترناسیونالیستی طبقه کارگرموانعی ایجاد میکند و موقعیت آنها را سست مینماید .

لنین بی اساسی کامل چنین برخوردی را نمایان ساخت ، او نشان داد که مسئله ملی در عین اینکه دارای اهمیت فراوان است ، ولی خارج از حیطه مناسبات طبقاتی و مبارزه طبقاتی وجود ندارد . این هم بدان معنی است که در آخرین تحلیل حل آن با اشتراک منافع طبقاتی زحمتکشان تعیین میگرد . تمایل و علاقه آنها به نزدیکی انترناسیونالیستی و اتحاد ، در صورتیکه با اساس کامل درک کنند که نمایندگان ملی هستند که حقوقشان در هیچ جا پایمال نشده ، چندی با افزایش مییابد . بهمین سبب پرولتاریای انقلابی با نشاندادن پیگیری خود در دفاع از حقوق ملی و منافع خلقها تکامل جامعه را نهد در جهت تشکیل سازمانهای دولتی کوچک کوچک فزاینده ، بلکه عکس ، در جهت ایجاد " چنان اتحادی را هنمائی میکند که هیچ نوع اعمال زور از طرف ملتی نسبت به ملت دیگر ارا نند هد ، اتحادی که بر پایه اعتماد کامل و درک روشن وحدت برادرانه با سرتوافق کاملان او طلبانها بگذاری شد باشد " (۱) .

در قتلعی اصول اساسی و پیشبینی های گنجانده شده در آموزش لنین در باره مسئله ملی در کوتاهترین مدت از لحاظ تاریخی بطور قناعت بخشی تأیید گردیدند .

هنگامیکه فقط اندکی پیش از پنج سال تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را از انقلاب کبیرا کتبر جدا میساخت درگرسازی جامعه که انقلاب سوسیالیستی اکتبر آغاز آن بود در خصلت مناسبات میان ملت ها بقیاس سراسر امپراطوری سابق روسیه فوراً تأثیر کرد . سیاست

استعماری — امپریالیستی که تزاریسیم د نیال میگردود ولت موقت بورژوازی همنمیتوانست از آن دل برکنند ، مانند سایه د ربرابر آفتاب محو میگردید . سیستم ستم ملی که تزاریسیم ایجاد کرده بود شکسته و از هم پاشیده شد .

دست آورد های انقلاب اکتبر برای جنبش وحدت آفرین انترناسیونالیستی خلقهای کشور مانیروی محرکه قوی بود . در آن زمان بود که اندیشه ها و نقشه های گوناگون و اغلب بسیار متضاد ی مربوط به راههای ایجاد کشور واحد کثیرالمله سوسیالیستی مطرح میشد . ولی اصل فدالیسیم سوسیالیستی که لنین پیشنهاد کرده بود غلبه کرد . این اصل که بطور ارگانیک به مرکزیت د موکرات پیوسته بود شالوده برنامه وحدت دولتی جمهوری های شوروی لنین قرار داده شد . حکمت ود وربینی این برنامه آنجا ظاهر شد که حقوق حاکمیت جمهوری های متحد حفظ گردید و تضمین قاطعی بدست آوردند ود رضمن بطور گسترده از تمام مزایای کشور بزرگی هم که اقتصاد کشور را بر اساس برنامه ای واحد و مسود همگان اداره میکند استفاد کرده کردند . این نه بمعنی جمع کردن ساده نیروها د ر یکجا ، بلکه بمعنی ضرب کردن آنها بود .

در دسامبر سال ۱۹۲۲ نمایندگان جمهوریهای شوروی مستقلی که تا آنوقت اتحاد جماهیر را بوجود آورده بودند ، یعنی نمایندگان فدراسیون روسیه ، اوکرائین ، بلوروسی و فدراسیون ماوراء قفقاز د رکنگه ای د ر مسکو گرد آمدند و اعلام داشتند : " . . . ما نمایندگان این جمهوریها بر اساس اختیاراتی که بماده شده تصویب میکنیم قرارداد ای که د ر بار تشکیل " اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است با مضاء برسد " (۱) .

میزان ارزش و اهمیت این عمل تاریخی را برای پیدایش مناسبات ملی برادرانه ، برای بسط و تکامل سازمان دولتی سوسیالیستی و ساختن جامعه نونمیتوان معین کرد . ولی ، البته هنوز راه د رازود شواری از اعلام اصول انترناسیونالیستی تا جافعل پوشاندن به آنها ود ر عرصه مناسبات بین ملت ها غلبه کامل بر میراثی که از جامعه استثماری برای ما بجا مانده بود در پیش داشتیم .

فاکت های غیر قابل بحث وجود اختلافات عظیم د ر سطح پیشرفت اقتصاد ی آنها و تفاوت های جدی د ر میزان آشنائی و برخورداری از فرهنگ معاصر بطور بارز د ر نقطه مقابل برابری حقوق جمهوریهای متحد ، ملل و اقوام یعنی د ر نقطه مقابل آنچه که د ر قرارداد تثبیت شده بود قرارداد است د موکراتیسم سوسیالیستی اصولاً با این خصیصه از د موکراتیسم بورژوازی متمایز میگردد که به

۱ — از تند نویس گزارش به نخستین کنگره شورا های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی . مسکو ، ۱۹۲۲ ، ضمیمه ۱ ، صفحه ۴ .

شناسائی صورتی حقوق شهروندان و خلقها اکتفا نمیکند . د موکراتیسم سوسیالیستی طلب میکند که برابر حقوقی بصورت مفهوم حقوقی مجردی باقی نماند و شامل مضمون حیاتی مشخصی گردد . این امر در برابر حزب ما و کشور کثیرالمله متحدی که رهبری میکند یک سلسله مسائل بزرگ و دشواری را قرار داد که برای حل آنها طبق رهنمود های لنین عمل کرد ند که به کمونیست ها میآموخت " د مسئله ملی هم نه اصول تجریدی و صورتی ، بلکه . . . توجه دقیق به وضع تاریخی - مشخص و مقدم بر هر چیز وضع اقتصادی را در رأس مسائل قرار دهند " (۱) .

حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن تهیه و تنظیم مشی خود برای صنعتی کردن کشور و جمعیتی کردن کشاورزی و بروشنی د رک میکرد که سیاست اقتصادی آن میباید علاوه بر تأمین افزایش نیروهای تولیدی و منجر شدن به استقرار کامل سوسیالیسم د ر تمام عرصه های زندگی ، به استحکام د دستی خلقها نیز کمک کند . گذشت زمان نشان داد که مشی که حزب د ر پیش گرفته بود د تمام جهات درست بود .

د و تغییر بنیادی ناشی از دگرگونی های ژرف اقتصادی برای بسط و تکامل مناسبات ملی د ر کشور ما اهمیت فراوان داشتند . یکی اینکه اشکال جمعی اداره امور اقتصادی د ر شهر و روستا به برطرف ساختن زمینه ای که نظریات و احوال و روحیه ملتگرایانه را حفظ و تقویت میکرد یاری رساند . زیرا بگفته لنین ثبات و پایداری " عمیق ترین او هام و خرافات خرده بورژوازی یعنی : او هام مربوط به اگوئیسم ملی و تنگ نظری ملی " (۲) د ر واقع وابسته به صورت بندی اقتصادی عقب مانده ، کوتاه بینانه و خرده کلائی بود . د یگر اینکه پروسه صنعتی شدن بطور مستمر د رجعت کاهش و برطرف ساختن نابرابری های اقتصادی میان جمهوریهای متحد و سرزمین هائی که از لحاظ ترکیب طبیعی اهالی متفاوت بودند سیر میکرد .

کمک جمهوری فد راتیف شوروی سوسیالیستی و خلق روس به ملل و اقوام براد ر نقش عظیم و بی نظیری د ر پیشرفت اقتصادی و د ر ضمن پیشرفت سیاسی و اجتماعی آنها ایفا کرد . خلق روس بدون توجه به فد اکا رپها و محرومیت های خود د رعین اینکه مشکلات غیر قابل تصویری را تحمل کرد ه بود به د یگر خلقهای کشور د حفظ دست آورد های انقلابیشان کمکهای بی شائبه ای میدول داشت و سهم بسیار ارزنده ای د ر برطرف ساختن عقب ماندگی مناطق د وراز مرکز سابق اد ا کرد . این اقدام قهرمانانه انترناسیونالیستی برای همیشه د ر خاطر تمام خلقهای میهن ما باقی خواهد ماند .

۱ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۱ ، صفحه ۱۶۲ .

۲ - همانجا ، جلد ۴۱ ، صفحه ۱۶۸ .

در کار بفرنج پیشرفت و تکامل فرهنگ هم مردم شوروی و سازمان دهندگان حزبی و مبلغین و روشنفکران انقلابی و دموکرات که از میان آنان برخاسته بودند و زبان روسی که از طرف تمام خلقهای شوروی بطور داوطلبانه بمنزله زبان بین المللی ارتباط و معاشرت آنها انتخاب شده بود نقش فوق العاده شمر بخشی ایفاء کردند .

" من زبان روسی را فقط برای اینکه لنین بدان سخن میگفت یاد میگرفتم " . در این سخنان ولا دیمیر مایاکسکی شاعر بزرگ شوروی اندیشه ای نهفته است که برای درک پروسه تشکیل مناسبات ملی در اتحاد جماهیر شوروی اهمیت اصولی دارد . روابط دوستانه و همکاری برادرانه نه میان خلقها بطور کلی ، بلکه میان خلقهای برقرار میشد که سیمای اجتماعی معینی پیدا کرده بودند و یاپیدا میکردند و فرهنگ آنها با مضمون ایدئولوژیک معینی سیراب میشد . مثلاً مفهوم " روس " که در فکرونه اهلالی محلی ، بطور مثال آسیای میانه یا ماوراء قفقاز پیش از انقلاب گاهی بایک کارمند منفور تزاری ارتباط داد همیشه ، پس از اکتبر معنی و مفهوم تازه ای بخود گرفت . در پشت این کلمه حالا کارگران پتربورگ ، بلشویکهای روسیه و لنین قرار داشتند .

نظری بمتاریخ همیشه سود مند است . در باره تاریخ حل مسئله ملی در اتحاد جماهیر شوروی باید گفت حزب مابدان همواره بمنزله منبع تجارب غنی مراجعه میکنند که در براتیک کونی خود و تهیه و تنظیم استراتژی آیند میتواند با اطمینان خاطر بدان تکیه کند . در این مورد حزب ماد قیقا از این توصیه لنین پیروی میکنند که در باره خود میگفت او " از این نقطه نظر که فردا ایپس فردا برای سیاست ما چه چیزی لازم میآید " (۱) همیشه به گذشته باز میگردد .

البته در تجربه ما خیلی چیزها با ویژگیهای دورانهای گذشته و جمع آمدن شرایطی تکرار نشدنی در ارتباط است . ولی مضمون اصلی آن راکه برای ما بسیار جالب است جزئیات تعیین نمیکند . در این جا این سؤال پیش میآید که راستی آیا فقط برای ما جالب است ؟ مسائل مناسبات میان ملتها امروز هم در ردیف حادترین و مبرمترین مسائل است . این مسائل در کشورهای بورژوازی بشکل فوق العاده حاد میطرح میباشند و در آن کشورها اختلافات و مناقشات در زمینه ملی یا نژادی بی دریی به درگیریهای خونینی مبدل میگردد . اختلافات و درگیریهای جدی اجتماعی - سیاسی در کشورهای سرمایه داری در اطراف سرنوشت کارگران خارجی (مهاجر) روی میدهد . در ده سال پس از فروپاشی سیستم استعماری مناسبات بین المللی هنوز هم تحت تأثیر زهر آلود نابرابری واقعی کشورهای در حال رشد و کشورهای امپریالیستی و سیاست ضد انسانی و تجاوزکارانه کشورهای

اخیراست وفارت وچپاول امپریالیستی درخاور نزدیک گواه این مدعا میباشد . جنبش های آزاد بیخوش خلقهائی که میکوشند تثبیت حقوق ملی خود را بانوسازی انقلابی اشکال زندگی اجتماعی درهم آمیزند رشد وگسترش مییابد .

بطوریکه میدانیم استفاده ازتجارب دیگران امری ظریف و خلاق است وساد مگردن مسائل در اینجابهیچوجه مجاز نیست . البته ، هیچکس براین عقیده نیست که برای حل و فصل تمام مسائل ضروری معاصر ر عرصه مناسبات ملی ، در تاریخ برقراری و پیشرفت اتحاد جماهیر شوروی میتوان نسخه هائی بدست آورد . اما ، این واقعیت بجای خود باقی است که حل و فصل واقعی و بنیادی مسئله ملی که مولود سرمایه داری است ، فعلاً در هیچ جای دیگری ، غیر از شرایط سوسیالیسم موجود ، بدست نیامده است .

حل مسئله ملی که از گذشته برای کشوریها ماندۀ عملاً ، مقدم بر هر چیز ، به معنی تأمین برابری واقعی تمام ملل واقوام کشورما و برطرف ساختن کامل عقب ماندگی مناطق دروازمركز و ملی بود .

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سرعت زیادی به پیشرفت اقتصادی کشور بطور کلی و هر یک از جمهوریها بطور جداگانه داد . اگر در سال ۱۹۲۲ سهم اتحاد شوروی در محصول صنعتی جهانی تقریباً یک درصد بود اکنون ، ۲۰ درصد است و در کشور ما اینک محصول صنعتی بیش از اندازه ای که در سال ۱۹۵۰ در تمام جهان تولید میشد ، تولید میگردد . رشد اقتصادی مناطق دروازمركز ملی سابق شگفت آور است ؛ بطور مثال حجم تولیدات صنعتی ، طی همان مدت در جمهوری شوروی از کمستان ۴۲۸ بار ، در جمهوری شوروی کازاخستان ۹۲۸ بار و در جمهوری شوروی ارمنستان ۱۰۳۶ بار افزایش یافته است . البته اقتصاد فقط در مناطق عقب مانده سابق با آهنگی سریع رشد کرده است . در این زمینه شکوفائی اقتصاد ملی جمهوریهای کرانه بالتیک هم که بطوریکه میدانیم در سال ۱۹۴۰ داخل در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی گردیده اند ، خود نمونه مشخصی است . تولیدات صنعتی استونی ۵۰ بار ، لیتوانی ۴۷ بار و لتونی ۶۳ بار افزایش یافته است . اقتصاد فدراسیون روسیه هم کاملاً دگرگون شده است ؛ در اینجا صنایع پر قدرتی بوجود آورده شده است که واجد تمام رشته های صنایع معاصر است و در مدتی کمتر از یک روز بیش از اندازه ای محصول تولید میکند که در تمام سال ۱۹۲۲ تولید شده بود .

پیشرفت و غنا و برخی از موارد احیای فرهنگ های ملی هم در ارتباط ناگمستنی با اعتلای اقتصاد سوسیالیستی جریان داشت . حزب تمام تدابیر لازم را برای ایجاد فضای مناسبی که در آن دنیا ی معنوی خلقها طبق سنن ملی و اشکال خلاق و ویژه بخود بروز نماید ، اتخاذ میکند . در عمل

در بسیاری از مناطق بناچار میبایست از بر طرف کردن بیسواد ی آغاز میشد . در این خلاقیات فرهنگی در عصر سوسیالیسم امکان میدهد که بطور مثال فاکت های از این قبیل را ارزیابی کنیم : طبیعی دوران حاکمیت شوروی برای زبان های که خط و کتابت نداشتند ، الفبا^۱ بیشتر از تعداد ای ایجاد شد که در طول تاریخ سراسر اروپا رگدشته ایجاد گردیده بود .

ایجاد دگرگونی های بنیادی سوسیالیستی در جامعه ، ضمن از بین بردن پایه های عینی مناقشات و اختلافات ملی و اوام و خرافات ملی گرایانه ، در عین حال مواضع اجتماعی و ارجح و اعتبار ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر را بمنزله پیگیرترین حامل عینی انترناسیونالیسم بمیزان بسیار زیادی استحکام بخشید . یکپارچگی و وحدت خلقهای اتحاد شوروی فقط با اتکا^۲ به اشتراک منافع طبقاتی واحد های ملی مختلف پرولتاریا و زحمتکشانش استوار گردید و مستحکم شد . نه فقط تجاوز هیترلی بلکه ایدئولوژی ضد انسانی فاشیسم هم با برخورد بهمین یکپارچگی اخلاقی - سیاسی بیاسپرزهی شکست ناپذیر رهم شکسته شد . در نتیجه مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی برد شغنی مهیب غلبه کردند و جامعه بشری را از ناسیونالیسم و آتشه نجات دادند .

جامعه پیشرفته سوسیالیستی در پرتو تشریک مساعی تمام زحمتکشانش و همه خلقهای اتحاد شوروی ساخته شده است . در این مرحله است که پروسه^۳ تعمیق وحدت اجتماعی و سیاسی - ایدئولوژیک مردم شوروی دایعه تازه ای کسب میکند و آن مشارکت اجتماعی و بین المللی اصولاً طراز نوین است که در چهارچوب آن در کشورها تشکل ساختار بدون طبقات جامعه انجام میگردد . پیدایش و بسط و تکامل آنرا ما بحق بمنزله نتیجه^۴ تعمیم یافته دگرگونیهای بنیادی مناسبات ملی در شرایط سوسیالیسم و معنای^۵ مهمترین شاخص بلوغ اجتماعی و اقتصادی آن بشمار میآوریم . این امر در عین حال گام بلندی به پیش در راه تحقق هدف برنامه ای مایعنی ساختن کمونیسم است .

۲

پیشروی بسوی کمونیسم کاری است که نیازمند سازمان یافتگی عالی ، انضباط آگاهانه ، ابتکار ، برخورد خلاق به کارها و تمرکز فراوان نیروها است .

آهنگ پیشرفت مناسبات ملی در شرایط سوسیالیسم پیشرفته هم مسائل و وظائف بسیاری را در برابر ما مطرح میکند . زیرا ، حل و فصل کامل مسئله ملی بشکلی که از گذشته برای ما باقی مانده بود ، بمعنی آن نیست که مسئله ملی در اتحاد شوروی از دستور روز خارج شد و در سیاست حزب در نظر گرفته نمیشود .

وظائف کنونی و صرم سیاست ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مرحله کنونی و راههای حل آنها را بیست و ششمین کنگره حزب تعیین نمود .

همانطور که ل . ای . برژنف تأکید کرد مقدم بر هر چیز صحبت بر سر افزایش قدرت مادی و معنوی هر جمهوری و در عین حال حد اکثر استفاده از آن برای پیشرفت موزون سراسر کشور است . افزایش صغوف ، اعتلای سطح ایدئولوژیک و مهارت حرفه ای تمام واحدهای ملی طبقه کارگر شوروی یعنی نیروی عمده جامعه ما و استحکام هر چه بیشتر اتحاد خلل ناپذیر آن با کشاورزان کلخوزی و روشنفران را ما وظیفه درجه اول بشمار می آوریم . تدابیری بمنظور تکمیل آمادگی ارتش عظیم متخصصین واجد تخصص عالی که اکنون هر جمهوری در اختیار دارد و استفاده از آن اتخاذ گردیده و جامعه عمل می پوشد و در جریان این کار به بروز احوال و روحیه محلی گرایانه راه داده نمی شود . منابع کار تمام جمهوریهای ما بطور هدفمند برای انجام وظایف بزرگ کشوری مانند ایجاد وسائل استفاده از ثروت های سیبری ، خاور و شمال ، منطقه راه آهن سراسری با یکال - آمور و پیشرفت مناطق فاقد خاک سیاه جذب میگرد .

برنامه مواد غذایی که در پلنوم ماه مه (سال ۱۹۸۲) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به تصویب رسید دارای اهمیت فراوان اقتصادی و اجتماعی است . اجرای این برنامه بلاواسطه با خواست برنامه ای بنیادین حزب یعنی بالا بردن سطح رفاه و آسایش مردم ارتباط دارد . با بسیاری از این وظایف مادی و وظایف مادی و رساله های اخیر بطور جدی رویور شده ایم . در این وظایف دیالکتیک رشد و تکامل سوسیالیسم پیشرفته بروشنی بازتاب پیدا میکند . درکترین جامعه سوسیالیستی پیشرفته که بوسیله حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر تهیه و تدوین گردیده در جهت نفوذ عمیق در این دیالکتیک و قانونمندی پیدایش و تشکل صورت بندی کمونیستی جامعه و حل و فصل مسائلی بفرنج و نوآوریهای است که زندگی پیش می آورد و در عین حال ما را از زیبایی های سطحی واقعیت و دیدن بجلو حفظ و حراست میکند .

امکانات فراوان و شمرخشی که کاربرد این نظریه در عرصه مناسبات ملی فراهم می آید ، تمام و کمال در اسناد و مدارک بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و تصویب نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی " درباره شصتمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در آثار سخنرانی های ل . ای . برژنف و در سخنان او در جلسات باشکوه و رتاشکند و پاکواشکار گردیدند . اینها اسناد مارکسیسم - لنینیسم خلاق است . آنها حاوی راه حل مسئله تناسب میان دگرگایش عمده در پیشرفت ملت ها در سوسیالیسم (مسئله ای که گاهی بحث و مذاکرات زیادی هم ایجاد میکند) یعنی پیشرفت همه جانبه و شکوفائی آنها از یکسوی دیگر است و ما از سوزی دیگری میباشند .

فقط در صورت برخوردی کاملاً مکانیکی (و باید گفت شوروی شناسان غربی که در تحریف

مناسبات ملی در اتحاد شوروی تخصص پیدا کرده اند درست همینطور برخورد میکنند (میتوان گفت که گویاترقی ملت‌ها بطور اجتناب ناپذیر وحدت جامعه شوروی را متزلزل ساخته و درآینده ناگزیر باعث ازهم پاشیدگی اتحاد شوروی میگردد .

ولی منظره واقعی کاملاً چیز دیگری است . اینک پیشرفت سریع ملل شوروی در زمینه استوار و موکراتیک و انترناسیونالیستی و برپایه برابری واقعی آنها امکان پذیر گردیده و ادامه دارد . مصالح همین پیشرفت است که خود ملت‌ها را به وحدت نیروها و تمرکز منابعشان برمی انگیزد . همانطور که ل . ای . برژنف به بیانی نفی‌ساز گفت : " برابری ایجاد اعتماد میکند و اعتماد تفاهم متقابل و همکاری هرچه نزدیکتری در تمام عرصه های ایجادگری کمونیستی بوجود میآورد " (۱) .

طرف دیگر مسئله را هم باید در نظر داشت . برای مثال بمعرضه اقتصادی توجه میکنیم . پیشرفت موزون و متعادل و شمرخشی اقتصاد شوروی اینک تلفیق پرورش و عوامل را امکان پذیر میسازد : یکی ارتباط و پیوند ابتکارات گسترده جمهوریهای متحد و خود مختار و ایالات و نواحی خود مختار و دیگری برنامه ریزی متمرکز و مانورهای اقتصادی با مجموعه نیروها و وسائل موجود بمقیاس سراسر کشور . البته ، این تلفیق بخودی خود دست نمیدهد : یافتن چنین تلفیقی در هر مورد مشخص از وظایف سیاست عملی (پراتیک) است .

در نخستین سالهای حاکمیت شوروی ، هنگامیکه صحبت بر سر این بود که هر چه ممکن است زود تر مناطق د وراز مرکز ملی روسیه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی تا سطح پیشرفت مرکز آن بالا برده شود ، آنچه که جنبه کاملاً مالی و بازرگانی داشت اغلب در رجه دوم اهمیت قرار می گرفت . ما را بدین امر اصول انترناسیونالیستی لنینی میساختند . اکنون هم حزب ما در جریان پیشبرد وسط و تکامل مناسبات ملی همان اصول را قاطعانه رهنمون خود قرار میدهد . در ضمن ، اینک که بالا بردن شمرخشی تمام حلقه های اقتصاد سراسر کشور اهمیت فوق العاده ای کسب میکند ، هنگامیکه آیندۀ آن بمیزان تعیین کنندۀ ای وابسته به تحقق مجموعه برنامه های بمقیاس های گسترده است ، امکان داریم توجه خیلی بیشتری به جنبه کاملاً اقتصادی موضوع مبدل داریم . اتحاد جماهیر شوروی يك مجموعه متحد اقتصاد خلقی است . ما هنگام برنامه ریزی و تحقق سیاست اقتصاد ای پس واقعی را اساس کار قرار میدهیم . بطوریکه پراتیک گواهی میدهد از این جریان هم سراسر اتحاد شوروی وهم يك يك جمهوریهای که در ترکیب آن هستند بطوریکسان سود میبرند .

از تمام آنچه گفته شد این نتیجه بسیار مهم بدست میآید که : کمونیست های شوروی باره نمود قرارداد ان آموزش مارکسیسم - لنینیسم ، همواره از این نظریه دفاع کرده و میکنند که پیشروی در راه ساختن جامعه نوپند ریح به نزدیکی هر چه کاملتر ملت‌ها منجر میگردد . لنین نوشت : " هدف

سوسیالیسم نه فقط از زمین بردن پراکندگی جامعه بشری در کشورهای کوچک کوچک و هرگونه انزوا وجد افتادگی ملت ها ، نه فقط نزد يك ساختن ملت ها ، بلکه اختلاط و اتصال آنهاست (۱) .
در همین حال تشدید و تسریع خود سرانه پروسه قانونمند برطرف شدن اختلافات ملی و تلاش بمنظور تسریع مصنوعی آن با روح لنینیسم و سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی منافات دارد .

حزب ضمن تعمیق پروسه مترقی انترناسیونالیزه نمودن تمام عرصه های زندگی جامعه شوروی ، ابراز توجه و مراقبت همه جانبه نسبت به منافع ملی و نیازمندیهای خلقها و توجه به این موضوع را که میان آنها در امور کوچک و بزرگ اصول دواطلبانه بودن و موازین همکاری برادرانه مراعات گردد لازم و ضروری میدانند .

نه فقط اقتصاد شوروی که در باره آن سخن گفتیم ، بلکه سایر عرصه های فعالیت اجتماعی مردم شوروی ، سازمان دولتی و مآلیم سیاستم سیاسی که شوراهای نمایندگان خلقها پایه و اساس آنها تشکیل میدهند به درجه عالی انترناسیونالیزاسیون رسیده اند . حزب کمونیست اتحاد شوروی برای استحکام و پیشرفت کشور کثیرالمله شوروی اهمیت فراوان قائل است . هم در مرحله تاریخی کنونی ، هم در آینده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بهترین شکل ممکن د ولت و وحدت و یکپارچگی ملل و اقوام شوروی برای دست یافتن به هدفهای برنامه ای ما است . در همین حال ما ساختارهای ملی - دولتی را که ایجاد گردیده چیزی خشک و منجمد و تغییرناپذیر شما رنمیآوریم . بسبب تشدید خصمت تمام خلقی دولت ما و افزایش انترناسیونالیزاسیون همه جانبه زندگی

اقتصادی - اجتماعی و معنوی استحکام مبادی اتحادی و فعالیت های دستگاه دولتی قانونمندانه جریان مییابد . حزب بموازات این ، ضمن تکمیل مداوم سیستم سیاسی جامعه شوروی مراقب استفاده حداکثر حقوق گسترده و امکانات تمام جمهوریهای متحد و خود مختار و ایالات و نواحی و اشتراك هرچه فعالانه تر زحماتشان تمامیت هاد رکارا رگانهای حاکمیت و اداره امور کشور نیز هست .

قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۷۷ به تصویب رسیده سرسرمشحون از انترناسیونالیسم پیگیر است . این قانون اساسی جامعه را هم از کوه نظری محلی گرایانه و ملی و هم از برخورد سطحی و بی اعتنائی به منافع ملتها و اقوام حفظ میکند .

ملی قانون هنگامی به راه رسم واقعی زندگی مبدل میگردد که بمآگاهی اجتماعی و درك و پشتیبانی اخلاقی توده ها متکی باشد . بهمین سبب است که حزب کمونیست اتحاد شوروی پرورش و تربیت میهن پرستانه و انترناسیونالیستی زحماتشان را بخش مهم و تفکیکناپذیر کاراید فولوژیک

خود بشمار می‌آورد . تبلیغات حزبی ما و سراسر شیوه زندگی ما احترام به شایستگی ملی هر شهروند اتحاد شوروی را می‌آموزند و مردم شوروی را با روحیه عشق به میهن بزرگ واحد ما ، همبستگی برادرانه با زحمتکشان سایر کشورها و خلقهائی که در راه صلح و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند پرورش میدهند .

یکی از ننگ آلودترین صفحات تاریخ قرن بیستم تشدید خصومت و تنفر نژادی ملی است ، که زائیده سرمایه داری میباشد . حد فاصل دقیق و روشنی در اینجود و جهان بود و نظام اجتماعی را از یکدیگر جدا میکند : در کشورها هیچوقت انسان خود را ، فقط بدین سبب که به این یا آن ملیت تعلق دارد و پارتی پوشتش چنین یا چنان است منفور و مطرود احساس نمیکند . هرگونه تحقیر شایستگی ملی در کشورمانه فقط منافعی با اخلاق بلکه غیر قانونی است . هر نوع گذشته و امتیازی به ملتگرایی و هرگونه ترغیب و تشویق فخر فروشی و خود پسندی ملی از بیخ و بن با و صایای لندن و سن حزب کمونیست اتحاد شوروی مغایرت دارد .

دوستی لنینی خلقهای اتحاد جماهیر شوروی در پخته دشوارترین آزمون ها آیدیده شده است . نیروی این چنین دوستی که ما میدانیم در آنست که بدون خدشه در کردن ویژگیهای ملی متحد میسازد و در هر یک از خلقها نیروئی بی پایان و اطمینان کامل به آیدیده بوجود می‌آورد .

حزب دست آورد های تئوری علمی را در اختیار مردم میدهد ، این امر در آنها امکان میدهد عمیق تر و دقیقتر درک کنند که مزمیان غرور ملی قانونی و بزرگ کردن بیش از حد آن که خطر فراروشی تا ملتگرایی را در بردارد در کجا است . در بیست و ششمین کنگره حزب قید گردیده که : " حزب کمونیست اتحاد شوروی علیه پدیده هائی مانند شوینیسم و ملت گرایی و علیه هرگونه انحرافات ملت گرایانه مبارزه کرده و قاطعانه مبارزه خواهد کرد " (۱) .

سخنان و اندیشه های حزب که حامل افکار میهن پرستانه و انترناسیونالیسم برای توده ها است بدان سبب با استقبال بیشتری از طرف آنان مواجه میگردد که فعالیت ایدئولوژیک در ارتباط ناگسستنی با کار سازمانی انجام میگردد . مسائل مربوط به مناسبات میان ملتها هر چه استوار تر وارد در دایره مسائلی میگردد که مورد توجه کمیته های حزبی در سطوح مختلف است . کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی آنها را بدین سمت هدایت میکند . ضرورت در نظر گرفتن ترکیب کثیرالمله اهالی جمهوریهها ، ایالات و دایره موسسات هم محرک آنها است . ارتباط متقابل بسیار نزدیک و تماس های مداوم زحمتکشان ملیتهای مختلف در کار روزندگی بایکدیگر برابری برابری مساوی های حزبی ، سندیکیائی و کمسومول و همچنین در برابر ارگان های اقتصادی کشور مسائل زیادی را مطرح میکند که بعقیده ما برای حل و فصل آنها باید با مسئولیت ویژه و روش و دلسوزی ویژه ای برخورد

کرد .

یکی از مهم‌ترین حلقه‌های کار حزبی در این عرصه هم انتخاب ، استقرار و تربیت و پرورش کادرهاست . کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیته‌های حزبی بطور مستمر جنبه‌های ملی سیاست انتخاب و استقرار کادرها را در مد نظر دارند و مراقب این هستند که نمایندگان لازم تمام ملت‌هایی را که در جمهوری‌ها زندگی میکنند در ارگان‌های حزبی و دولتی تأمین نمایند . زیرا اینک در جمهوری‌های ملی ما اهالی غیرمحل تقریباً ۵ میلیون نفر را درحد و دیک پنجم سکنه کشور را تشکیل میدهند .

کمیته‌های حزبی میکنند تمام اقدامات لازم را بعمل آورند تا خصوصیات سیاسی و کارگری هر کارگر و کارمند مبتکر و مصلحی به هدفمندترین وجهی مورد استفاده قرار گیرد . آنها متوجه و مراقب این هستند که نیازمندی‌های ویژه تمام گروه‌های ملی در رشته‌های زبان ، فرهنگ و آموزش‌دگی بموقع و تمام و کمال برآورده شود . در حل و فصل این قبیل مسائل ، وسائل آزمون شده ای مانند اصول علمی رهبری ، سبک کارلینی و سیاست‌لنین در مسئله کادرها بطور اطمینان بخشی بما کمک میکنند . در شرایط کنونی همانند گذشته ، نقش حزب در امر استحکام هر چه بیشتر و وحدت برادرانه و همکاری خلقها ، در حفظ جوئی سالم که جامعه شوروی در آن به کار روزندگی ادامه میدهد و در امر ایجاد سطح فرهنگی عالی ارتباط و مناسبات میان ملت‌ها ، نقشی بی‌مانند است . تجربه ما بشکل قناعت بخشی تأیید میکند که تمام ملت‌ها و اقوام را فقط حزب کمونیست که بیانگر پیگیر منافع طبقه کارگر و زحمتکشان همه ملت‌ها است ، میتواند متحد و یکپارچه سازد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی از هنگام پیدایش خود پرچم انترناسیونالیسم پرولتری یعنی پرچم وحدت منافع و هدف‌های زحمتکشان و اراده و کردار آنها را برافراشته نگه داشته است . حزب با کار مشترک نمایندگان ملت‌های مختلف در سازمان‌های واحد حزبی و با یکپارچگی انترناسیونالیستی صفوف خود به خلقها نمونه‌حل و فصل پرولتری و سوسیالیستی مسئله ملی را عرضه داشته است . حزب توانست خلقها را در اتحادی خلل‌ناپذیر برین سبب متحد کند که خود تجسم زنده رفاهت حزبی همگراست . حزب کمونیست اتحاد شوروی بمنزله تکیه گاه واقعی انترناسیونالیسم در عمل و نیروی رهبری کننده و وسعت دهنده جامعه کثیرالمطلب شوروی در حال حاضر بیش از ۱۰ ملت و قوم را در صفوف خود متحد میکند . لنین بزرگ حزب کمونیست را چنین میپنداشت و اینطور بوجود آورد . این حزب امروز اینطور است و در آینده هم همینطور خواهد بود .

اصول انترناسیونالیسم ، طی تمام شصت سال موجودیت اتحاد جماهیر شوروی هم پایه

و اساس فعاليت آن در عرصه بين المللی است .

در ارتباط با اين موضوع ، البته سؤالی در باره خود مفهوم " انترناسيوناليسم " و مضمون چند جانبه آن مطرح ميگردد . حزب ما با پيروي از آموزش مارکسيستي — لينينيستي جنبه های دموکراتيک عام و طبقاتی انترناسيوناليسم را از يکديگر متمایز ساخته و ارتباط متقابل ديالکتیکی آنها را در نظر ميگيرد .

اينکد پيراي تمام خلقهای جهان و طبقه مشترکی قرار دارد که اهميت آنرا برای سرنوشت جامعه بشری نمیتوان ارزیابی کرد . اين وظیفه ، جلوگیری از جنگ جهانی و فاجعه جنگ هسته ایست . استقرار صلح استوار روی زمین هدفی است که کوششهای اصلی سياست خارجی شوروی در جهت دست یافتن بدان است . پيشنهادهای سازنده و ابتکاراتی که طی ماههای آخري زندگی خود ل . ای . برژنف از طرف دولت شوروی و دولت شوروی در راه جستجوی طرق بر طرف ساختن خطر جنگ ، حفظ و تبسط و تکامل کاهش تشنج ، مهار کردن مسابقه تسليحاتی و سالم سازی کلی سيستم مناسبات بين المللی بخرج ميدهند .

مشي سياست خارجی اتحاد شوروی در محافل گسترده سياسی و اجتماعی جهان با تفاهم و پشتيبانی روبرو ميشود . اين عامل بسيار مهم بالا بردن ثمر بخشی سياست صلح و ستانه ما است . حزب کمونيست اتحاد شوروی برای اين موضوع که مسافل بين المللی حل و فصل گردد (و نه فقط در چهار چوب مذاکرات بين دولتها ، نه فقط از طريق فعاليت ديپلماتها) اهميت فراوانی قائل است . سياست جهانی ، همانطور که لنين بارها تاکيد کرده است بايد کار توده های مردم بمقياس بين المللی باشد . حزب ما باره نمود قرار دادن اين اصل بطور مداوم از وحدت بين المللی تمام نيروهای اجتماعی — سياسی که آماده و مستعد آن هستند که سهم خود را برای استواری صلح ادا نمايند ، پشتيبانی کرده است .

انترناسيوناليسم که پاسخگوی منافع اصلی و دموکراتيک عام خلقها يعنی حفظ صلح در روی زمین است ، کاملاً با مضمون طبقاتی استراتژی جهانی حزب کمونيست اتحاد شوروی يعنی انترناسيوناليسم پرولتری ، همیستگی با کشورهای سوسياليستي برادر و نيروهای انقلابی ، ضد امپرياليسم و رهايی بخش مطابقت میکند .

کمونيستهای شوروی برای تعلق کشور خویش به جامعه بين المللی کشورهای سوسياليستي ارزش فراوانی قائل ميشانند . اين جامعه بين المللی تجسم یکی از اشکال مشخص تبسط و تکامل انترناسيوناليزه شدن طبقاتی زحمتکشان و جنبش روباغتلاي سوسياليسم است . اشتراك در اين

جامعه برای هریک از اعضا^۱ آرزو غائی را در بر دارد که از انجام آنها هریک از کشورهای — برادر بطور جدی آگاهانه و همفکرها با هم سود میبرند . شورای تعاون اقتصادی و سازمان پیمان ورشو که سهم وزینی در ترقی اقتصادی کشورهای عضو تأمین امنیت کشورهای برادر را میکنند برایین پایه عمل میکنند .

نوع تازه روابط و مناسبات میان خلقها که ویژه سوسیالیسم است ، برای نخستین بار در جریان بسط و تکامل اتحاد شوروی بمنزله مناسبات دوستی و همکاری میان تمام ملت ها و اقوامی که در کشور واحد متحدی بسر میبرند آشکار گردید . جامعه کشورهای سوسیالیستی پراتیک اجتماعی را با تجربه برقراری مناسبات دوستی و همکاری میان خلقها بر پایه روابط بین کشورهای ساخت . نمیتوان شباهت و ارتباط میان این پدیده ها را که مشخص کننده اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی میباشد ندید ، اگرچه ، البته تفاوت های موجود میان آنها نیز کاملاً آشکار است .

حق حاکمیت کشورهای که این جامعه آنها را متحد ساخته با هیچ چیزی محدود نشود و هیچوجه عقید نگردیده است . ساختمان سوسیالیستی در سترنج خود خلقهای کشورهای برادر است و هر موفقیتی در این زمینه فقط بوسیله کار فراوان تمام اهالی هر کشوری بدست میآید . دقیقاً همینطور هم هیچیک از آنها در صورت مرتکب شدن اشتباهی در سیاست و یا عدم موفقیت در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی نمیتواند مسئولیت را بعهده کس دیگری اندازند . در عین حال اشتراک منافع طبقاتی و انترناسیونالیسم طبقاتی که خلقهای برادر را بیکدیگر پیوند میدهد امکانات آنان را در پیشروی بسوی مراحل تازه ای از ترقی اقتصادی ، اجتماعی ، و سیاسی و در مرتفع ساختن دشواری هایی که پدید میآید بمیزان چشمگیری افزایش میدهد .

حزب ما همواره علیه بیروحی و بی معنی ساختن مفهوم " انترناسیونالیسم " علیه پوشاندن لبه تیز ضد سرمایه داری و خصمت رژیمده و فعالان آن ، علیه تبدیل آن به پوشش خوش نمایی برای مانورهای فرصت طلبانه میان نیروهای طبقاتی بود و خواهد بود . انترناسیونالیسم بمعنای کمارکس ، انگلس و لنین می فهمیدند و حزب کمونیست اتحاد شوروی آشکارا اعلام میکند عبارت از موضع گیری اصولی است که با دیدن بد نبال منافع آنها هیچ نوع گذشتی به احوال و روحیه ملتگرایانه در یکجانبی گنجد و مستلزم آن است که در صورت لزوم بخاطر همبستگی مقدس با برادران هم طبقه آماده قبول محرومیت هایی باشیم . لنین نوشت : " حاکمیت شوروی در یکتاتوری جهانی پرولتاریا و انقلاب جهانی را مافوق هر نوع از خودگذشتگی ملی ، هر قدر هم آن گذشت ها سنگین باشند قرار داد " (۱) . حزب کمونیست اتحاد شوروی هم وفاداری خود را به این وصایای لنین با رها

باشیات رساند .

حزب کمونیست اتحاد شوروی خود را جزه‌لا ینفک جنبش کمونیستی جهانی میدانند . یک کمونیست های شوروی وظیفه انترناسیونالیستی خود را در این می بینند که در افزایش نفوذ ایدئولوژی و سیاسی آن و بالا بردن ارج و اعتبار اخلاقی و تحکیم وحدت آن فعالانه سهمی باشند . مقدم بر هر چیز نیاز در نظر گرفتن این ضرورت که یکبار دیگر روشن و آشکاره جهانیان باید گفت که : کمونیست ها همان نیروی انترناسیونالیستی هستند که بطور پیگیر علیه جنگ میباشند ، اینک این موضوع بویژه دارای اهمیت است .

همستگی بین المللی کمونیست ها بر پایه اصولی بنا میگردد که احترام واجب و حتی بسه استقلال هر یک از احزاب ، یکی از آنهاست . این امر طبقاً مستلزم برخوردی دقیق و سنجیده بسه ویژگیهای مشی استراتژیک و تاکتیکی است که این یا آن حزب طبق شرایط مشخص فعالیت و مبارزاتش تهیه و تنظیم مینماید . از دیدگاه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، البته بطور دیگری هم نمیتواند باشد برخوردی دیگر بدین امر انحراف از وسایلی لنین میبود . پیروی از سیاستی که اصول کلی تئوری علمی انقلابی مطابقت کند و در عین حال ویژگیهای محل را هم مورد توجه قرار دهد رهنمود حقیقی آن است . در این اواخر در جهان گفتگوی زیادی در اطراف تزی که تبلیغات بورژوازی بمیان انداخته در گرفته است . طبق این تزگیها سوسیالیسم را نباید با " مدل شوروی " آن یکسان گرفت ، زیرا در اتحاد شوروی ساختمان سوسیالیسم در شرایط ویژه ای انجام یافته است که هر نوع استفاده از تجربه آن در هر کشور دیگری را غیر ممکن و نامطلوب میسازد .

در باره این موضوع چه میتوان گفت ؟

اولاً همانطور که در تصویب نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در باره شصتیمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی تأکید شده است " اتحاد شوروی هیچگونه الگویی را برای " مدل " ساختمان دولتی را که ویژگی های این یا آن کشور را مورد توجه قرار ندهد ، به کسی تحمیل نمیکند (۱) . ثانیاً ، اگر صحبت از ویژگیهایی در میان باشد ، این ویژگیها در مردم ما ، در ضمن باید گفت و در خلقهای دیگر هم ، البته ، کم نیست . برای نمونه مثلاً همان ترکیب کثیرالمله اهالی را برداریم . در جهان تقریباً ۱۶۰ کشور مستقل وجود دارد و فقط اندکی از آنها ، بامعنی واقعی کلمه تک و توکی از آنها از این لحاظ با اتحاد شوروی قابل مقایسه هستند . در این صورت برای ارزیابی اهمیت بین المللی تجربه شوروی چنتیجه ای بدست میآید ؟ از قرار معلوم چیزی درست در نقطه مقابل و متضاد آنچه که منقدان " مدل شوروی " برای اثبات آن تلاش میکنند .

۱ - در باره شصتیمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی . تصویب نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بتاريخ ۱۹ فوریه سال ۱۹۸۲ ، مسکو ، صفحات ۲۴ - ۲۵ .

درواقع هم در کشور ما است که در جریان استقرار نظام اجتماعی تازه برای نخستین بار عملاً نشان داده شد و اثبات گردید که هیچ الگو و قالبی برای ساختمان سوسیالیسم بدر نمیخورد .

فدرالیسم سوسیالیستی و مرکزیت و موکراتیک یعنی اصول خود مختاری ملی شوروی در تاریخ جامعه ما هیچگاه مفاهیم ، باصطلاح ، صوری نبوده است . ویژگیهای پیشرفت ملل و اقوام مختلف بصوی سوسیالیسم هم ، از جمله مویده آن اصول است . بطور مثال در آسیای میانه و کازاخستان سیستم سیاسی نظام نورد و ران معینی شوراهای آبها و کوچ نشینان را هم که فعالیتشان بی اندازه به شرایط زیست و زندگی و همچنین سنن اهالی محلی نزدیک بود ، در بر میگرفت .

در یک سلسله از مناطق ملی شمال خلیلی در وروخاورد ورمطبع قبیله ای هم نقش معین نمود را ایفاء کردند . کوتاه سخن ، کماتیکه ما یلند در باره " مدل شوروی " تعبیر و تفسیر کنند ، در نظر گرفتن این نکته زحمتی برایشان فراهم نمیکند که ساختمان سوسیالیستی در کشور ما بر پایه شمای ابداعی انجام نشد ، بلکه چند گونگی فراوان اشکال و شیوه های دگر سازی مناسبات اجتماعی را طبق ویژگیهای نواحی مختلف کشور و با توجه به سنن ملی و اراده خلقتها که آشکارا بیان شد مجسم ساخت .

ولی ، جنبه دیگر مسئله عبارت از این است که تمام خلقهای کشور ما به سوسیالیسم رسیدند و لا غیر ، یعنی جامعه ای موجود آوردند که در تمام موارد ، صرف نظر از شرایط محلی و ویژگیهای ملی دارای اساس های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است که از لحاظ ماهیت و مضمون خود یکسان میباشند . تاریخ نشان داد که راههای دیگری به سوسیالیسم با کناز زدن قانونمندیهای عامی که مارکسیسم - لنینیسم کشف کرده (و با تجربه اتحاد شوروی ، کشورهای سوسیالیسم موجود ، پراتیک انترناسیونال مبارزه انقلابی و ایجادگری سوسیالیستی مورد تأیید قرار گرفته اند) وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد ، همانطور که بدون در نظر گرفتن همه جانبه ویژگیهای ملی هر کشوری هم نمیتواند وجود داشته باشد .

صلح و همکاری میان خلقها . این آرمانی است یا واقعیت است ؟ اگر به این پرسش با توجه به وضع کلی در سراسر جهان معاصر برخورد کنیم ، پاسخ بخودی خود این خواهد بود که ، هنوز این آرزو و آید آلی است . ولی شصتین سالگرد تاریخ اتحاد جماهیر شوروی و تجربه بین المللی سوسیالیسم آشکارا نشان میدهند که این آید آل انجام شدنی است . اما تبديل این آید آل به يك واقعیت جهانی وظیفه دشواری است .

آنچه به کشور ما ، به کشور شوروی مربوط میشود باید گفت ، همانطور که در پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که مناسبت در گذشت نابهنگام لئونید ایلچ برژنفس تشکیل یافت قید شد ، در آینده نیز مشی بیست و ششمین کنگره حزب ، مشی برنامه صلح برای سالها

هشتاد را ادامه خواهد داد . کاهش تشنج ، خلع سلاح ، برطرف ساختن درگیریها و مناقشات ، از بین بردن خطر جنگ هسته ای ، اینها وظایفی هستند که ، بطوریکه در پلنوم یادآوری شد ، ما در برابر خود قرار میدهیم . ما خواستار امنیت قابل اطمینان برای خودمان ، برای دوستانمان و برای تمام خلقهای جهان هستیم .

یو . و . آندروپوف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن سخنرانی خود در پلنوم گفت ما دارای چنان نیروئی هستیم که بمادر شوارترین لحظات کمک کرده و کمک میکند و که بما امکان میدهد بفرنج ترین وظایف را بانجام رسانیم . این نیرو ، وحدت صفوف حزب ما است ، این نیرو درایت و خرد جمعی حزب ما است ، این نیرو وحدت حزب و مردم است .

وحدت حزب و خلق در اتفاق آرائی از نو بروز کرد که مردم شوروی با آن از قرار پلنوم درباره تأیید تداوم مشی داخلی و خارجی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی استقبال کردند . پرچمی که اکتبر برافراشت یعنی پرچم صلح و دوستی خلقها همواره راهنمای اطمینان بخش ما در همه کارهای ما و در تمام اعمال ما باقی خواهد ماند .

نقش مذهب در انقلاب ما

احسان طبری

عضویت سیاسی و دبیر کمیته
مرکزی حزب توده ایران

در جریان نبرد های اجتماعی دهه های اخیر در کشورهای " جهان سوم " و در جریان مشخص مذهب از یکدیگر فاصله گرفت :

- ۱ - مذهب سنتی و محافظه کارانه که آنرا بطور عمد ه روحانیت بزرگ (که غالباً در نظام اقتصادی و طبقاتی موجود وضع ممتاز داشته و دارد) رهبری میکند . این مذهب همیشه در تاریخ کوشیده و هنوز نیز میکوشد که هرگونه تعبیر سیاسی و اجتماعی از احکام دین را مردود و آنرا " کفر " و باطل بشمرد و مدعی شود که دین و پنداران کاری به امور نیوی ندارند و اجرا " آداب مذهبی از اجرا " وظائف اجتماعی و میهنی مهمتر است و باید نسبت به نظام ضد انسانی سرمایه داری سر سازگاری نشان دهند و در قبال آن بمثابة مشیت الهی و تقدیر ازلی سر تسلیم و تقویض فرود آورند .
- ۲ - مذهب انقلابی که همیشه در تاریخ وجود داشته و به تعبیر مارکس " آه مخلوق ستم دیده " علیه " ناهنجاریهای واقعی " این جهان بوده است (۱) . چنانکه انگلس تصریح میکند ، این مذهب بارها خواه در جهان باستان ، خواه در قرون وسطی ، در جنبش های اجتماعی پرچم ایدئولوژیک بایبندی جنبشها قرار گرفته است ، زیرا انسان در عمل فردی یا اجتماعی خود نیازمند جهان بینی است و در آن دورانها مذهب چنین جهان بینی را جزی بود . همچنین یادآور شویم که انگلس این نوع الحاد مذهبی در دوران ماقبل سرمایه داری را بمنزله " عامی - انقلابی " که حتی مورد کینه و نفرت ملحدان ، ———— و روزوائی نیز میباشد " (۲) . متمایز میساخت .

۱ - رجوع کنید به ک . مارکس و ف . انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱ ، صفحه ۴۱۵ .

۲ - همانجا ، جلد ۲۱ ، صفحه ۲۹۴ .

د رجوامع آسیائی هئوزینش مذ هبی يك بینش بسیار نیرومند است . عده ای از روحانیون اعم از بزرگ یا کوچک ، ولی علاقمند به سرنوشت خلق و میهن خود ، در این کشورها اعلام داشتند که نبرد پیمبران و پیشوایان مذ هبی هدفی داشته است و هرگز بسود فراعنه ، قیصرها ، رای ها و پادشاهان نبود ، بلکه پیوسته بر ضد ستمکاران و غارتگران اجتماعی متوجه بوده است . آنها گفتند مذ هبی که خود را به بینشی صرفاعبادی ، د و راز مسائل حاد زمان ما و " بیطرف " نسبت به این مسائل بدل کند ، و در قبال سود ورزی ، ستمگری ، انگلی و جنگ افروزی راه سکوت را در پیش گیرد از جوهر واقعی خود منحرف شده است .

تجربه جنبش های آزاد بیخس و از جمله تجربه چند ی پیش گواه بر این است که در کشورها که پیش از مذ هبی ، بینش عمده آید ثلوی ، در دسترس و در خورد فهم توده ها ست مبارزه اجتماعی و ملی — آزاد بیخس . میتواند در چارچوب بینش مذ هبی مردم وزیر شعارهای مذ هبی ظهور کند . طبیعی است که این امر مشروط به علل مشخص اجتماعی — تاریخی است .

ممکن است این سؤال مطرح شود که : چگونه پس از ۱۹۰۴ سال که از پیدایش اسلام میگذرد ، پس از دهها آزمایش کوچک و بزرگ که طی تاریخ برای کاربرد عقاید مذ هبی و از آنجمله اسلامی بمثابه پرچم نبرد انجام گرفته ، گرایشی که در ایران اسلام نقلایی نامید میشود در آخر دهه ۲۰ سده بیستم توانست نقشی چنین مؤثر در پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی در کشور ما ایفا کند ؟ پاسخ این سؤال را باید در همان مشخصات دوران و امکاناتی که برای جنبش های آزاد بیخس

و ضد امپریالیستی بوجود آورده جستجو کرد . توده های محروم از خواب و رخوت قرون وسطائی بد آمده برای نبرد با ستمگران خودی و بیگانه بها خاسته اند . اینک صلح و استقلال و آزادی و رهائی از بهره کشی از " تخیل " های د و ربیرون آمده و بشکل شعرا واقعی در دستور روز قرار گرفته است . ایدآلهای اجتماعی نهفته در مذهب در پرتو این دوران جلا و عمل کرد نوی یافته اند و نیروی آید و ثلوی یک مؤثری مبدل گردیده اند .

امپریالیسم و ارتجاع میکوشند که جنبش های مترقی و انقلابی را و از جمله آنها را که زیر شعار های اسلامی عمل میکنند ، با بهرحمی و خدعه گری ویژه خود سرکوب کنند یا آنها را در ورن تهی سازند و در راستای ستیزه با کمونیسم و پیشرفت اجتماعی سیر دهند . امپریالیسم برای بدین مقصد افزارهای ویژه خود از جمله سازمانهای نیرومند و ثروتمند مذ هبی را دارد که تحت نظارت روحانیت ارتجاعی است . محافظان کما که برخی از کشورهای اسلامی کوشش وسیعی بکار میبرند ، تا مذ هب را وسیله تحکیم قدرت امپریالیسم و بهره کشان محلی کنند . نیروهای ضد انقلابی و مخالفان

دگرگوئیهای بنیادی دموکراتیک خود را زیرشعار " جهاد در راه اسلام " مخفی میکنند .

بدینسان در عصر مائتقر اجتماعی - سیاسی مذهب و از جمله اسلام بهیچوجه در همه موارد یکسان نیست . ولی تأکید بر این نکته حائز اهمیت است که مذهب در برخی از کشورها بمثابة پایه ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی عمل میکند و در برخی از موارد بمنزله جهان بینی نیروهای انقلابی یا از اجزاء مشکله آست . این را نمیتوان نفی کرد که اسلام به بسط و تکامل جنبش توده های میلیونی مذهبی که در راه آزادی خود از قید استبداد ، ستمگری و زورگویی و فشار بیگانه مبارزه میکردند یاری رساند . ما شاهد نقش مؤثری میباشیم که نیروهای مذهبی در انقلاب ایران و همچنین بهنگام رویداد های جندی پیش در " مسجد الاقصی " در فلسطین اشغالی و مانند اینها ایفاء میکنند . بسخن دیگر مضمون روند پیشرفت تاریخی اینک بشکل مذهب نیز جلوه گرفته است . برای مارکسیست ها کاملاً طبیعی است که انقلاب رهایی بخش متناسب با شرایط زمان و مکان اشکال مختلفی بخود میگیرد . تجربه نشان میدهد که انقلابهایی که پس از جنگ جهانی دوم رویداده ، نه فقط از جهت نیروهای محرک ، شیوه های عمل ، آهنگ تکامل و سیراتی وایدئولوژی آنها ، بلکه از لحاظ خصلت نیروهایی که در رأس جنبش توده ای قرار گرفته اند منظره بسیار متنوعی را نشان میدهند و ما را از تفکیر قالبی در این مورد بر حذر میدارند و به بررسی بیشتر " دانش انقلاب " الهام میدهند .

د ر واقع از هر باره جالب است که نقش ایدئولوژیک و بسیج کننده ای که مذهب اغلب در جنبشهای انقلابی گذشته تاریخی د و ریفاء کرده است باردیگر با سمت نویی و در شرایط معاصر جلوه گرفته است . به تجربه ایران نظر اندازیم .

د رسال ۱۳۵۷ مبارزات طولانی مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی ایران به نقطه اوج رسید و به پیروزی منجر گردید . این انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی ، ضد استبدادی و مردمی زیرشعارهای اسلامی و به رهبری یکی از معروفترین روحانیون ایران ، امام خمینی انجام گرفت . برجسته ترین ویژگیهای این انقلاب که با هم پیوند نزدیک دارند ، بشرح زیرین است :

— در این انقلاب توده های زحمتکش شهروده در مقیاس کم نظیری شرکت دارند ؛

— این توده های زحمتکش مبر خود را بر انقلاب میزنند و برغم نیروهای هوادار سرمایه داری و مدافع امتیازات طبقاتی ، ضرورت انجام چنان تحول اجتماعی را مطرح میکنند که در قالب نظام سرمایه داری نمیتواند ؛ این امر عکس العمل حامیان سرمایه داری و امتیازات طبقاتی را بر میانگیزد ؛

— انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی و ویژه عمیقاً ضد امریکائی است ؛

— انقلاب ایدئولوژی اسلامی دارد .

اگر این ویژگیها یکجا و بصورت یک مجموعه در ارتباط با تحولات عمومی امروز جهان و تاریخ

مبارزات مردم ایران در رنژ گرفته نشود ، چه بسا ممکن است که جوانبمعمینی از انقلاب ایران ناشناخته بماند و یا نادرست تمبیر شود .

در هم آمیختگی ارگانیک ویژگیهای انقلاب ایران که در بالا نام بردیم در جریان خود انقلاب نمایان گردید . نخستین تظاهرات ضد رژیم شاه ، که آغازگر انقلاب بود ، در بهمن ماه ۱۳۵۶ انجام گرفت . این تظاهرات راطلبه های مدرسه مذهبی قم ، در اعتراض به نوشته های روزنامه های درباری که به امام خمینی توهین کرده بودند ، سازمان دادند . پس از آن مردم تبریز به حمایت از مبارزین قم برخاستند و سپس شهرهای دیگر هات بد نیال آمدند .

این نبرد مداوم خیابانی یکسال طول کشید ، تا در ۲۲ بهمن ۵۷ بموفقیت انجامید . در این نبرد یکساله روز بروز توده های وسیعتری از مردم شهروده به مبارزه جلب شدند . ترکیب طبقاتی تظاهرات بطور روز افزونی بسود توده های زحمتکش (پلب ها) تغییر یافت و بر تعداد تظاهر کنندگان بطور مداوم افزوده شد . در برخی از روزها در راه پیمائی های خیابانی میلیونها نفر زن و مرد و کودک در آن واحد در تظاهرات شرکت میکردند . تظاهرات آنها شهرهای بزرگ و کوچک بلکه بسیاری از د و ر افتاده ترین هات را فرا می گرفت . چنین مشارکت فعال و متمهد توده های زحمتکش در یک جنبش انقلابی در کشور ما بی سابقه است .

بهمان نسبت که شرکت توده های زحمتکش در انقلاب وسیع تر و مطمئن تر میشد ، شعارهای تظاهرات نیز بیشترین گ مردمی بخود می گرفت . در آغاز انقلاب شعارها بیشتر خصلت ضد استبدادی و آزاد ی خواهانه (در چارچوب دموکراسی بورژوازی) داشت . زیر این شعارها بخشی از سرمایه داری ایران و بویژه بازار نیز بمیدان می آمد ، به امید اینکه رهبری جنبش را بدست گیرد و آنرا در چارچوب تحولات سیاسی نیم بند و سازشکارانه محدود سازد . اما توده های زحمتکش به نسبت رشد جنبش انقلابی ، بیش از پیش خواسته های اجتماعی خود را مطرح می ساختند و انقلاب بطور روز افزونی محتوی اجتماعی غنی تر و عمیق تری بخود می گرفت .

چنانکه میدانیم ایران در سالهای ۳۲ - ۱۳۳۰ شاهد یک جنبش ضد امپریالیستی علیه انحصارات نفتی و برای ملی کردن صنعت نفت بود که بانام رهبران دکتر محمد مصدق شهرت دارد . این جنبش با کودتای " سیا " ساخته ۲۸ مرداد سرکوب شد .

در انقلاب بهمن ۵۷ از کودتای ۲۸ مرداد ۲۵ سال میگذشت . ولی مردمی که با رژیم محمد رضا شاهی برآمده از این کودتا و عواقب بسیار شوم آن دست بگریبان بودند خاطره جنبش ناموفق گذشته را فراموش نکرده بودند و تجربه و درس آنرا در تمام مبارزات خود بیاد داشتند . در میان تجربه های ۲۸ مرداد ، سه درس برجسته تر از همه بود :

یکی اینکه نهضت ملی شدن نفت برهبری مصدق مبارزه ضد امپریالیستی را از تحول اجتماعی جدا میکرد و میکوشید بدون دست زدن به ترکیب نظام اجتماعی و با حفظ امتیازات بزرگ مالکین و کلان سرمایه داران و حتی با شرکت آنها جنبش را به پیروزی برساند، امری که در زمان ما مطلقاً غیرمقدور است و شکست حتی را در پطن خود دارد. توده مردم محروم و نمایندگان آگاه آنها که هم تجربه شکست مصدق را پشت سر داشتند و هم شاهد رشد سرمایه داری وابسته و عواقب شوم آن در آخرین سالهای حکومت شاه بودند، حاضر نمیشدند که ماهیت اجتماعی رژیم شاه را از وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی آن به امپریالیسم جدا کنند. در تظاهرات خیابانی حمله به بانکها و مؤسسات بزرگ سرمایه داری وابسته از امور جاری بود.

دوم اینکه نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران ضمن مخالفت با امپریالیسم انگلستان به پشتیبانی ایالات متحده آمریکا امیدوار بودند و اینک پرازه ۲ سال میکوشیدند انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را نیز در همان مسیر "دوستی" و "بازسازی با آمریکا" سوق دهند. اما توده های مردم پورهبران واقعی آنها، بویژه امام خمینی، این بار آگاهتر از آن بودند که به این دام گرفتار آیند. جنبش انقلابی که در آغاز بصورت ضد استبدادی شروع شد بلافاصله خصلت عمیق ضد امپریالیستی و قبل از همه ضد امریکائی بخود گرفت.

سوم اینکه، جنبش ملی شدن نفت نتوانست اتحاد همه نیروهای انقلابی آرزو را تأمین کند. بطور عمده بر اثر همین تفرقه نیروهای انقلابی بود که جنبش دچار شکست شد. مردم ایران این تجربه را در جلو چشم داشتند و برای حفظ وحدت صفوف خود در برابر رژیم شاه از دل و جان میکوشیدند و هیچ نوع تفرقه افکنی را - بهر اسمی که باشد - نمی پذیرفتند. آن اتحادی که در نیروهای انقلابی و میان مردم ایران در انقلاب ۲۲ بهمن وجود داشت، جامعه ماهرگز بخود ندیده است. چهارمین ویژگی، چه بسا مهمترین ویژگی، انقلاب ایران، آیدئولوژی اسلامی آن است. دلالی که پیدایش این ویژگی را سبب شده، متعدد و خارج از بحث کنونی ما است. اما این واقعیتی است که این جنبش انقلابی، چنانکه گفتیم از شهر مذہبی قم، از یک مدرسه مذہبی و برای اعتراض به اهانتی که به امام خمینی شده بود آغاز گردید و تا به امروز هم این مقام مذہبی رهبر بلا منازع توده مردم انقلابی است.

همین خصلت مذہبی - اسلامی انقلاب است که گاه موجب میشود جوانب ویژگیهای دیگر انقلاب و محتوای عمیق اجتماعی - سیاسی آن در پرده بماند و در عین حال همین خصلت است که برای نوسانها و عقبگردها و انحرافات هازمینه میسازد. پیگیری دقیق و آگاهانه حوادث لازم است تا از میان بفرنجی هابتوان خط اصلی حرکت را دریافت.

نظری به حوادث چهارساله گذشته انقلاب میتواند به درک مسئله کمک کند . طی این چهارسال نبرد طبقاتی شدیدی در درون جنبش انقلابی ایران جریان داشته که بطورگمگمت پذیر یی با واکنش نسبت به توطئه های امپریالیستی که حدت بی سابقه ای کسب کرد ، جوش خورده است .

سرمایه داری لیبرال ایران ، که به امید محدود کردن جنبش انقلابی و مهار کردن آن در چهارچوب منافع خویش در جنبش شرکت کرده بود ، پراز پیروزی انقلاب ، در لباس اسلامی ، بخش قابل ملاحظه ای از قدرت حاکمه را بدست گرفت . " دولت موقت اسلامی " بطور عمد ه از نمایندگان سرمایه داری لیبرال که هوادار همکاری نزدیک و یکجانبه با امپریالیسم امریکا بودند تشکیل میشد و دشواری انقلاب اسلامی نیز ، لا اقل از نظر کمی ، نمایندگان مدافع سرمایه بخش مهمی را تشکیل میدادند . دستگاه دولتی شاه که کوشش میشد خرد نشود در خدمت اینان قرار میگرفت . کسانی که در حکومت بودند (از بزرگان گرفته تا قطب زاده و بنی صدر) سوابق طولانی مذهبی داشتند و بعنوان " مسلمانان مؤمن " در ایران شناخته بودند . اما تقریباً افرادی تشکیل دولت موقت ، نبرد میان اسلام بزرگان ها و اسلام خمینی آغاز شد . بزرگان اعلام داشت که سه سه بار نه بار غلط کرده است که انقلاب کرده . ولی امام خمینی تصریح کرد که انقلاب بتازه آغاز شده و هنوز در اول راه است و باید ادامه یابد .

طی چهارساله که از پیروزی انقلاب میگذرد بسیاری از گروههای سیاسی و برجسته ترین وابستگان به امپریالیسم و نمایندگان سرمایه داری لیبرال سازشکار و تسلیم طلب یکی پراز دیگری افشاء و از صحنه طرد شده اند . بزرگان ، بنی صدر ، مدنی ، نزیه ، قطب زاده (۱) ، سسران جبهه ملی از نوع سنجابی و بسیاری دیگر ، از بالاترین مقامات دولتی بریز کشیده شده اند . بسیاری از مراجع بزرگ مذهبی شیعه که آشکارو پنهان ، مستقیم و غیر مستقیم به مخالفت با خمینی برخاسته اند زیر ضربه قرار گرفته اند ، کسی مانند کاظم شریعتمداری که بیش از سی سال یکی از بزرگترین مراجع مذهبی شیعه بود ، بجرم شرکت در توطئه علیه امام خمینی و انقلاب ، از طرف توده های میلیونی مردم محکوم شده است .

آنچه در این چهارسال گذشته ، در محتوای خود ، یک نبرد طبقاتی کلاسیک است ، که در همه انقلابهای شبیه انقلاب ایران جریان داشته است : نبرد میان صاحبان امتیاز و توده های محروم ، نبرد میان سازشکاران لیبرال و انقلابیون دموکرات ، هر چند که این نبرد شکل مذهبی بخود گرفته است .

۱ - قطب زاده بجرم شرکت در یک توطئه ضد دولت بمرگ محکوم و تیرباران شد .

از نکات بسیار جالب و قابل تأمل این نبرد طبقاتی ، انعکاس روشن آنست در ایدئولوژی اسلامی انقلاب .

تمام جناح های شرکت کننده در نبرد بر سر قدرت ، خود را " بهترین " مسلمانها و " تنها حافظ " اسلام معرفی میکنند . بازرگان ، بنی صدر ، قطب زاده ، شریعتمداری و دیگران ، هر یک مدعی آن بودند که بهترین حامل و مدافع اسلام و حتی " ثنورسین " انقلاب اسلامی هستند و اسلام را بهتر از هر کس دیگری فهمیده اند . موافقین و مخالفین انقلاب ایران در کشورهای اسلامی نیز هر یک مخالفت یا موافقت خود را با انقلاب در ایدئولوژی اسلام بیان میکنند . در نتیجه تعبیرهای گوناگون از اسلام پدید می آید و اصطلاحات نوین وارد فرهنگ سیاسی - مذهبی میشود : " اسلام امریکائی " ، " اسلام ملک خالد " ، " اسلام سادات " ، " اسلام ضیاء الحق " و " روحانی نماها " بسیاری از مسلمانان ایران در مقابل همه اینها " اسلام خمینی " را قرار میدهند .

در این تعبیرهای گوناگون از اسلام ، مهمترین مقولات اجتماعی مورد ارزیابی قرار میگیرد ، از قبیل مالکیت ، استثمار ، ماهیت طبقاتی دولت و غیره . هم اکنون موضوع مالکیت ، شکل وحد و آن از جمله در نمازهای جمعه مطرح است . اسلام سرمایه داری و فئودال ها آیه می آورند که اسلام حدی برای مالکیت قائل نیست . آنها از " انقلاب اسلامی " انتقاد دارند در ایران به مالکیت زمینداران بزرگ و سرمایه دارها تجاوز نکنند . اسلام زحمتکشان دلیل می آورد که مالکیت غارتگرانه کلان سرمایه داری و فئودالی ضد اسلام است و باید لغو گردد . " انقلاب اسلامی " بگفته آنها رسالت دارد عدالت اجتماعی را برقرار سازد .

اما خمینی بطور عمده از توده های زحمتکش و محروم دفاع میکند و معتقد است که آنان " وارثین خدا " در زمینند و " انقلاب اسلامی " حکومت اسلامی از آن آنان است . توده های وسیع میلیونی شهروروستا این اسلام را میپذیرند و از امام خمینی در قبال فئودال ها و سرمایه داران ، از اسلام انقلابی در برابر اسلام سازشکار و خادام امپریالیسم حمایت میکنند .

ولی روشن است که همه حوادث سرراست و آرام نمیگذرد . علاوه بر تحریکات و توطئه های پنهان و آشکار امپریالیسم بسرکردگی امریکاکه سبب پیچیدگیها و دشواریها و نوسانات فراوانی میشود ، ایدئولوژی مذهبی خود نیز خواه ناخواه مسائلی پدید میآورد . مثلاً گاه در سنگین ترین نبردهای طبقاتی - سیاسی عده ای آگاهانه و عده ای ناآگاهانه مسئله حجاب زنان را به مسئله عمده بدل میکنند و یا به بهانه مخالفت با ایدئولوژی " الحادی " میکوشند تا سمت اصلی مبارزه را از امپریالیسم و سرمایه داری ، علیه احزاب مترقی و کشورهای سوسیالیستی تغییر دهند و با تحویک تعصب مذهبی جو سیاسی کشور را سنگین و سنگین تر کنند .

در این میان گروههای فاشیسم گرائی که ظاهراً اسلامی بخود داده اند ، خطر بالقوه ای هستند .
 تعصب مذهبی زمینمعینی برای ادامه کار این گروهها فراهم میکند . و از آنجا که در انقلاب ایران
 هنوز سازمان سیاسی پر قدرت و قابل اعتمادی ، که توده ها رهبری آنرا بپذیرند موجود ندارد ، شانس
 معینی برای این گروههای فاشیسم گرا پدید میآید که در لحظات احتمالی سردرگم توده ها ، از
 فرصت استفاده کنند .

عمق انقلاب ایران ، ویژگی اسلامی آن و نبرد طبقاتی شدیدی که در درون جریان
 دارد ، بفرنجی های فراوانی را سبب شده که درك جوانب گوناگون آنرا دشوار میسازد . گروههای
 چپ نما و چپ رو ، برخی محافظ روشنفکری بظا هرچپ انقلابی و در واقع بورژوازی از درك آنچه در
 کشور میگذرد عاجز مانده اند . آنها بنا همواره با " ارتجاع مذهبی " عملاً در سنگرمذهب ارتجاعی و در
 کنار بازرگان ها و در کنار امریکا قرار گرفتند . ولی مارکسیست های اصیل ایران تحلیل درست و ^{علمی}
 از جریان انقلاب دارند و مشی درستی پیشه کردند که ناشی از درك غیر جزئی و غیر قالبی قوانین تکامل
 جامعه در شرایط ویژه کشورهای آزاد شده است .

در این کشورها و از جمله در کشورمان نوعی پدیده اجتماعی — تاریخی بروز کرد . در اینجا هنوز
 ساختهای پیش از سرمایه داری در جامعه ریشه دار است . سرمایه داری ، بویژه از طریق استعمار
 و نو استعمار ، در درون این جامعه " نشاء " میشود . در این شرایط ، سرمایه داری وابسته و اقتصاد
 و فرهنگی که با خود همراه میآورد در نوعی " محصوریت اجتماعی " بسر میبرند و قدرت فراگیری ندارند
 بوسیله گل جامعه جذب نمیشوند ، زیرا اولاً محصول طبیعی خود جامعه نیستند و ثانیاً از لحاظ بسیاری
 مختصات خود احساس کین و دشمنی جامعه را برمی انگیزند .

مطلب اینجا است که بورژوازی اروپا از همان زمان انقلاب فرانسه امکان یافت که رو بنای سیاسی
 و حقوقی خود را مستقل از مذهب و کلیسا بتدریج با خواسته های خود جور سازد . ولی در کشورهای
 " جهان سوم " و از آن جمله در ایران وضع طور دیگری است . اینجا بورژوازی وابسته بد نهال فرهنگ
 و ام گرفته از سرمایه داری امپریالیستی رفت و آنرا غالباً بشکل تقلیدی و سطحی به کشور منتقل ساخت .
 ولی علاوه بر اکثریت مطلق زحمتکشان شهروروستا ، بخشی از بورژوازی سنتی (بازار) و خورده
 بورژوازی نیز کماکان به رو بنای مذهبی و آنچه در کشور ما " معارف اسلامی " می نامند دل بسته ماند .
 در قشرهای عامه مردم (۱) نیز مذهب بشکل همیشگی خود به حیات خویش ادامه داد . بخش

۱ — با وجود رشد کثیف و کیفی طبقه کارگر در ایران هنوز هم قشرهای زحمتکش شهروروستا بسیاری از
 مشخصات عامه قرون وسطایی را در شیوه اندیشه و رفتار خود حفظ کرده اند .

کوچکی از بورژوازی بازار حتی قوانین مالیاتی دولتی را نادیده می‌گرفت و موافق فقه اسلامی مالیاتهای مذهبی خود را به روحانیت می پرداخت .

نقش مهم امام خمینی در آن بود که وی اعلام داشت اسلام چنانکه هست و چنانکه در قرآن تعلیم داده شده اجرای وظائف اجتماعی را برای مسلمانان بر وظائف عبادی و مراسم (رتوال) مقدم ساخته و لذا اکسانیکه اسلام را از سیاست دورنگاه می‌دارند ، اسلام را با نفهمیده اند یاد آن مغلطه می‌کنند . امام خمینی آن آیات قرآن و آن احکام اسلام را که متوجه استقرار " قسط " یعنی عدالت اجتماعی بسود " مستضعفین " و بزبان " مستکبرین " است و همچنین مسئله " جهاد " علیه ظلم و استبداد و تجاوز و مسئله ایثار و شهادت در راه حق را برجسته ساخت و عملاً توانست توده‌ها را بسوی پویائی و پایداری بزرگی سوق دهد و مذهب را از عامل تخدیر بطور کلی بحامل انگیزش بدل کند .

خط اسلام انقلابی " با اسلام سنتی " تفاوت بارز دارد . دارای امکانات بسیاری برای پیروزی شدن است . طرفداران این خط امیدوارند که بینش اسلامی را از این راه دارای جاذبه اجتماعی نوی سازند و آنرا به اهرمی برای ایجاد تحول در تمام جهان اسلامی مبدل کنند . آینده نشان خواهد داد که بینش " اسلام انقلابی " خود را چگونه بر نیازمندیهای مادی و معنوی جامعه ای که تشنه استقلال ، آزادی ، عدالت و پیشرفت است ، تطبیق میدهد .

حزب توده ایران از تمام گرایش‌های مثبت در این جریان صادقانه پشتیبانی میکند و در عین حال با صراحت نظریات خود را از راه انتقاد سازنده خود و ستانه بیان میدارد . عملاً هر جا که میسر باشد ، در کار و مبارزه با از خود گذشتگی شرکت می‌ورزد و صداقت خود را به آمار نهایی خلقی صرف نظر از شکل بروز آن نشان میدهد . روشن است که ضد انقلاب و عناصر قشری با تمام نیرو در این تلاش کمونیست‌ها خرابکاری میکنند و ما بلند آنها را از روش اصلی خود منحرف سازند ، ولی موفق نمیشوند . در این جریان بیداری و سیاسی شدن توده‌های شهر و روستا علی‌رغم توطئه‌های ترمزکننده امپریالیسم و ضد انقلاب در گسترش و افزایش است . در باره آینده انقلاب ، بنظر ما میتوان گفت ، رشد آن در پهنای و ژرفایمیزان زیادی وابسته به تحقق پیشنهادات حزب مادر و عرصه دگرگونیهای بنیادی اجتماعی - اقتصادی و مبارزه ضد امپریالیستی است . تغییر روزافزون تناسب نیروها در عرصه جهانی بزبان امپریالیسم و جنگ میتواند عامل مساعدی برای تسریع نضج انقلابی ایران و ژرفتر آن باشد . ما با تکیه سمت تکامل جهان و بیداری هر چه بیشتر توده‌ها به آینده با خوشبینی مینگریم .

در گرد همآئی با عظمت کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی ، در گزارش اصلی ، انقلاب

ایران بزرگترین حادثه سالهای اخیر توصیف شده و در عین حال "بفرنج و متناقض بودن" روند این انقلاب که دارای سرشت ضد امپریالیستی است تصریح گردیده است (۱) .

ماد ریخس های دیگر این نوشته از دیدگاه حزب توده ایران ، علل این بفرنج و متناقض بودن و مظاهر مشخص آنرا نشان داده ایم و اینک ما لیم در زمینه این نکته توضیحات دیگری را اضافه کنیم و آرایش نیروها را در درون مسلمانان ایران مورد بررسی قرار دهیم .

در میان مسلمانان ایران همگونی واقعی از جهت درک مسائل ، سمت عمل و نیت درونی ، بععل تعلق آنها به طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی و داشتن منافع مختلف و گاه متضاد اجتماعی وجود ندارد . البته هرگونه تقسیم بندی دارای نقائصی است ، ولی برای روشن شدن خوانندگان میتوان تقریباً این تقسیم بندی را ارائه کرد :

— عناصر تماماً ضد انقلابی که خود را پیروشانند پیشه های اسلامی قرار داده اند و هدف آنها "تصرف درازدرون" و مسخ کردن انقلاب است . مسلمانان انقلابی گاه به اینها نام "عوامل نفوذی دشمن" داده اند و تاکنون برخی از آنها که مقامات مهمی را داشته اند ، افشاء و طرد گردیده اند .

— افراد قشری "دگماتیک" مذهبی که مدافع نظام سرمایه داری و مالکیت بزرگ زمین و اشکال دیگر بهره کشی هستند و مالکیت بزرگ زمین و بهره کشی سرمایه داری را با اصول اسلام و احکام فقه سازگاری میابند .

— افراد فراوانی از خرد و بورژوازی شهروده که بینش مذهبی را در چارچوب سنتی و قشری آن درک میکنند ، هنوز هم کم و بیش طرفدار انقلاب اند ، ولی میتوانند از طرف گروههای پیشگفته اغوا شوند .

— مسلمانان انقلابی که از لحاظ مسائل اقتصادی ، مردمی و مترقی می اندیشند و برآنند که اگر انقلاب اسلامی دست باصلاحات اساسی بسود مردم نرسد نخواهد توانست اعتماد آنها را برای خود نگهدارد ، لذا از چنین اقداماتی پشتیبانی میکنند و با هواداران بهره کشی در مقابلمانند ولی از لحاظ سیاسی دارای گرایشهای انحصارگرا و طرد و محدود کردن نیروهای صدیق دیگر انقلابی هستند .

— مسلمانان انقلابی که تنها از لحاظ مسائل اقتصادی در جهت مردمی و مترقی قرار دارند بلکه از لحاظ سیاسی نیز انحصارطلبی و سکتاریسم را رد میکنند و برآنند که انقلاب ایران بدون اتحاد

۱ — رجوع کنید به اسناد و مدارک کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی ، مسکو ۱۹۸۱ ، صفحه ۱۳۰ .

وسیع همفئروه‌های اصیل انقلابی اعم از مسلمان و گروه‌های سیاسی مترقی دیگر و از آنجمله —
 مارکسیست‌های صدیق پشتیبان انقلاب، قادر نخواهد بود مواضع خود را علیه امپریالیسم و ضد
 انقلاب تحکیم‌کنند و راه را بسوی جلو بگشایند .

ولی عناصر چپ‌گرای ایران که با ارتجاع سیاهی کفنا هر دو در یک صف قرار گرفته‌اند از
 عهد فآین تحلیل‌عاجزند، لذا بنا بر یک اصطلاح فارسی " همراهی یک‌جوب میرانند " و اصولاً امکان‌نقش
 مترقی و انقلابی بینش‌مذهبی را در عرصه‌مانکرند و آنرا سرایاتنها یک بینش‌ارتجاعی و قرون وسطائی
 واید‌غولوی " خرد و بورژوازی عقب‌مانده سنتی " و متعایل به فاشیسم و عام‌گرائی ارتجاعی و ضد
 خارجی می‌نامند . آنها " اثبات‌میکنند " که چیزی بنام " بینش‌انقلابی اسلامی " وجود ندارد و
 نمیتواند وجود داشته باشد و مذ‌هب و نقش آن سرایا ارتجاعی و ضد خلقی است و تجربیاً ایران گویا
 شکست‌آتران‌شان داده است . این " چپ‌گرایان " ضرورت سرنگونی قهرآمیز نظامی جمهوری
 اسلامی را تبلیغ میکنند و در زیرچتر همین برخورد چپ‌گرایانه بسیاری از عناصر صادق، ولی جوان و
 کم‌تجربه ضد امپریالیست را بسوی خود جلب کرده‌اند .

" چپ‌ها " به راست‌ها می‌که می‌خواهند و می‌خواهند جهان بینی مارکسیستی — لنینیستی
 را دشمن سوگند خورده اسلام و دشمن اصلی انقلاب جلوه دهند (برخلاف هواداران راستین
 امام که امریکارا " شیطان بزرگ " و دشمن اصلی می‌نامند) دستمایه و پهنانه میدهند . و لسی
 حزب توده ایران هیچ وجه مشترکی با گروه‌کهای " چپ‌گرا " و نظریاتی که تبلیغ میکنند ندارد .
 روش حزب توده ایران پشتیبانی از انقلاب است . برای راستها گویا " کمونیست " های گلی و تجربیدی
 مطرح هستند که همگی دشمن اسلامند . بطور عمده راست‌های قشری هستند که شعارهای
 علیه سوسیالیسم جهانی و حزب توده ایران اشاعه میدهند . آنها سوسیالیسم علمی را موضوع اصلی
 مبارزه می‌شمرند و استدلال میکنند که سمت اصلی سیاست باید کمونیسم ستیزی باشد و طرفداران بینش
 کمونیستی را بمنزله خطرناک‌ترین " آتیه‌نیست‌ها " باید طرد کرد .

طبیعی است که وظیفه مارکسیست — لنینیست‌های اصیل در چنین شرایطی بسیار فرنج
 و ماوراء دشوار است . قدرت درك خلاق، تمرکز، صبر فراوان، احتراز از شکوه‌گری، درك اینکه
 رشد انقلاب بدون شرکت قشرهای بینابینی ممکن نیست، درك اینکه قشرهای بینابینی ممکن نیست
 بدون معتقدات و " پیشداوریهای " خود، در انقلاب شرکت کنند، درك اینکه امپریالیسم و ضد
 انقلاب مواضع و منافع خود را (آنهم درجائی مانند ایران) باین سادگی ها و باین زودبهاره‌انمیکند
 همه اینها لازمه انقلابی مارکسیست — لنینیست بودن در شرایط مشخص مورد بحث ما است . اعضای
 حزب ما باید بتوانند از خود نضج فکری و استحکام کارا کتر انقلابی و تجارب سیاسی و مقاومت در قیال

مفسطه و افترا نشان دهند . شاید این " وضع خاص " در نقاط دیگری که انقلاب بایینش‌های عرفی تر انجام میگردد وجود نداشته باشد ولی امکان تکرار برخی ویژگیها وجود دارد .

پس احتراز از برخورد جزئی (دکماتیک) ، احتراز از سکتاریسم و ذهن‌گرائی (سوبژکتیویسم) و ابراز غیرتو " مبین پرستی (پاتریوتیسم) سازمانی " بزیان منافع عامه و جنبش و انقلاب است ، حضور رهبر حائز که توده‌ها هستند ، درک کردن ویژگیها و توجه به ارزیابی درست تجربه انقلاب کشور ما و درک پیچیدگی‌ها و بی‌فرنجی‌ها و تضاد هایش ، بمثابة فصل پرغنائی از انقلاب در جهان امروز است . صحبت بر سر انجام مهمترین وظیفه تمام‌گردانهای نیروهای انقلابی ایران یعنی استحکام وحدت و پایان بخشیدن به اختلافات است . حزب توده ایران توجه جدی باین مسائل دارد .

ضمناً مشکلات تنها از سوی ضدانقلاب ، قشرهای راست ، گرایش‌های " چپ " ، امپریالیسم و اعمال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی نیست . خود نیروهای صدیق مسلمان نیز که مایلند و اطمینان جهان و ایران پس از انقلاب بر آنچنانکه هستند رک کنند و آنرا فراگیرند هنوز در امر و ولتنداری تازه کارند . مدتها وقت لازم است تا آنها در این زمینه کسب تجربه کنند و دوستان و دشمنان انقلاب را در داخل و خارج کشور بشناسند . در شرایط هجوم قطع نشونده دشمن در همه جبهه‌ها ، این کار ساده‌ای نیست . کشورهای سوسیالیستی و آزاد شده ، احزاب انقلابی کارگری و دیگر سازمانهای مترقی در برابر توطئه‌های مداوم امپریالیستی به انقلاب ایران یاری رسانند و هم‌پیمانانند . در ضمن از طرف پژوهندگان گاهی برخی تضادها و ارزیابی‌هایی ابراز میشود که بعقیده مانا شای از درک سطحی مسئله است . بدین سبب است که ما با علم باینکه تجربه ما دارای ویژگیهایی است که شاید در نقطه‌ای دیگر تکرار نشود ، سودمند دانستیم که این تجربه را در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در میان گذاریم یعنی آنچه را که از تجربه انقلاب آموخته ایم با دوستان جنبش انقلابی مردم ایران در مراسم جهان مطرح سازیم .

جبهه جهانی ضد جنگ واقعیات، دشواریها، هدفها

دیمتر استانیشف

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
بلغارستان

مسائل مربوط بمبارزه علیه جنگهای اشغالگرانه ومبارزه در راه صلح از همان آغاز پیدایش در مرکز توجه جنبش کمونیستی و کارگری جهانی قرار دارد. ک. مارکس بنیانگذار آموزش ما خاطر نشان ساخت که " اتحاد کارگران تمام کشورها بالاخره تمام جنگها را ریشهکن خواهد کرد ". اونوشته که :
" جامعه نوئی پدید میآید که پرئمیپ بین العلی آن صلح خواهد بود، زیرا در آن هر خلتی یک حکمفرمای واحد خواهد داشت و آن کار است ! " (۱) .

تا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر یعنی زمانیکه امپریالیسم بلامنازع برجامعه بشری حکومت میکرد دسترسی به صلح استوار و پایدار عملاً غیر ممکن بود یاد قیق تر بطوریکه و. ای. لنین تأکید کرد " دریک سلسله از کشورها بدین انقلاب پرولتری دسترسی بدان ممکن نبود " (۲) . او یاد آور میشد که " فقط انقلاب پرولتری، کمونیستی میتواند جامعه بشری را ازین بستی که امپریالیسم و جنگهای امپریالیستی بوجود آورده برهاند " (۳) و فقط " پرولتاریا میتواند جامعه بشری را از دشت های جنگ خلاصی بخشد و نعمت صلح استوار را بدان بدهد " (۴) .

ارتباط ناگسستنی سوسیالیسم و صلح که از ماهیت این نظام اجتماعی ناشی میشود بوسیله سراسر تاریخ نخستین کشور سوسیالیستی از لحظه پیدایش آن با ثبات رسیده است. در همان فرمان صلح که نخستین اقدام حکومت شوروی بود فراخوانی دایر بر استقرار صلح عادلانه و دموکراتیک وجود

- ۱ - ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۱۷، صفحه ۵ .
- ۲ - و. ای. لنین . مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۱، صفحه ۵۵ .
- ۳ - همانجا، جلد ۳۸، صفحه ۱۰۷ .
- ۴ - همانجا، جلد ۳۱، صفحه ۱۶۱ .

داشت . رهبر اکثریت بهنگام اعلام این فرمان در دو زمین کنگره شوراهاى نمایندگان کارگران و سربازان سراسر روسیه مسئله صلح را بمنزله " مسئله حاد . . . ، نقطه ضعف دوران معاصر " (١) تعریف و توصیف نمود .

در زمینه گسترده تری لنین به این نتیجه رسید که دورانی که " کشورهاى سوسیالیستى و سرمایه داری در کنار هم وجود خواهند داشت " (٢) از لحاظ تاریخی اجتناب ناپذیر است و مناسبات میان آنها باید بر پایه اصل همزیستى در صلح یا همزیستى مسالمت آمیز برقرار گردد . مجموعه سیاست خارجی اتحاد شوروی در فاصله بین دو جنگ جهانی بر پایه این اصل بنا نهاده شده بود . این اصل در پیشنهادات مشخص شوروی در باره خلع سلاح ، انعقاد قرارداد هاى در باره عدم تجاوز و ابتکارات دیگری از این نوع بازتاب یافت .

جنبش کمونیستى و کارگرى بین المللى و تمام نیروهاى آزاد یخواه ، مترقى و صلحدوست از سیاست صلح ، همکاری و حسن تفاهم میان خلقها فعالانه دفاع کرده و از آن پشتیبانى بعمل آوردند . این سیاست را احزاب انترناسیونال کمونیستى که بطور خستگی ناپذیر در راه ایجاد جبهه گسترده ضد جنگ مبارزه میکردند با تفاق آرا پذیرفتند . چنانکه گ . دیمیتروف گفت چنین جبهه هاى کره زمین را باشبکه ای از سازمانهاى دوستانه صلح (٣) احاطه میکرد و محافل بسیار گسترده اجتماعى را در صفوف خود جامیداد .

ولى تناسب نیروها در جهان در آندوران اجازه نمیداد که سیاست همزیستى مسالمت آمیز تثبیت گردد ، از جنگ جهانی اجتناب شود و از تجاوز هیترلى جلوگیری بعمل آید . پیش از آنکه سازمان ملل متحد که بعد از سرکوب فاشیسم ایجاد گردید در اساسنامه خود این سخنان فراموش نشدنى را بنویسد : " ما خلقهاى ملل متحد عزم راسخ داریم نسلهاى آینده را از بلاى ای جنگ نجات دهیم . . . " (٤) دهها میلیون انسان بهلاکت رسیدند .

مواد اساسى اساسنامه سازمان ملل متحد حاوی قبول بین المللى واقعى عادلانه و حیاتی بودن اصل همزیستى مسالمت آمیز است که بوسیله لنین مدلل گردید . ولى برای حفظ صلح همگانی تغییر بنیادى تناسب نیروها بسود صلح ، دموکراسى و سوسیالیسم در دوران پس از جنگ بیش از پذیرش صوری این پرنسپ قاطع و تعیین کننده بود ، زیرا مىدانیم محافل امپریالیستى عملاً آنرا نقض میکنند . برای حفظ صلح همگانی نیروی مادى و معنوى عظیمى لازم بود .

١ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ٣٥ ، صفحه ١٣ .

٢ - همانجا ، جلد ٣٩ ، صفحه ١٩٧ .

٣ - گ . دیمیتروف ، مجموعه آثار ، جلد ١٠ ، صوفیه ١٦٥٤ ، صفحه ٢٥٢ - ٢٥٣ .

٤ - اساسنامه سازمان ملل متحد . سازمان ملل متحد از دیدگاه فاکتها و ارقام ، مسکو ، ١٩٦٥ ، صفحه

پیدایش و استحکام سیستم سوسیالیستی جهانی، افزایش قدرت اقتصادی و دفاعی کشورهای سوسیالیسم موجود، مبارزه طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری در راه زندگی بهتر و صلح آمیز، پیروزیهای جنبش آزاد بیخشی ملی و فروریاشی سیستم استعماری امپریالیسم نیروی مادی را تأمین کردند. ولی نیروی معنوی در علاقه توده های مردم به صلح، در سیاست صلح و همکاری ثابت و پیگیری که از طرف اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی دنبال میشود و طرفداران نوینوی در تمام قاره ها پیدا میکند نهفته است.

مجموع این واقعیات برای نخستین بار در تاریخ جامعه بشری امکان واقعی برای جلوگیری از جنگ و نجات جامعه بشری از بار مسابقه تسلیحاتی بوجود آوردند.

کمونیست ها با اکتفا به چند شرط عمده " فلسفه صلح " خود را که پایه تئوریک مشی سیاست خارجی جامعه کشورهای ما طبقه کارگر جهانی است، تهیه و تدوین میکنند. این اندیشه کسه سوسیالیسم در سیاست جهانی دارای نقش قاطع و تعیین کننده است، هسته اصلی این فلسفه و درک لنینی خصلت و گرایشهای تخیرواتی است که در زندگی کنونی سیاره ما پدید آمده است. سوسیالیسم برای نخستین بار جامعه ای بوجود آورد که در آن طبقات و گروههای اجتماعی که در جنگهای اشغالگرانه و تولید سلاح ذینفع باشند وجود ندارد. هدف اساسی جامعه نوتوجه و مراقبت نسبت به انسان و تأمین حداکثر شرایط مطلوب و مساعد برای رشد سریع رفاه و آسایش مادی و غنای زندگی معنوی تمام زحمتکشان است. درست بهمین سبب سیاست صلح، کاهش تشنج و خلع سلاح، سیاستی که کشورهای سوسیالیستی دنبال میکنند، از پشتیبانی کامل خلقهای این کشورها برخوردار است. نیروی آنها در همین است.

در عین حال هم آهنگی سیاست صلح با منافع بنیادی جامعه بشری تعیین کننده نیروی عظیم تأثیر آن بمقیاس جهانی است. کشورهای سازمان پیمان ورشورافرا تمندان و بطور پیگیر برای جلوگیری از جنگ و تحکیم صلح در اروپا و سراسر جهان کوشش میکنند. درک هر چه کاملتر سیاست اصولی و صلح و ستانه مداوم کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از طرف گسترده ترین محافل جوامع کشورهای سرمایه داری شرط مقدماتی مهم تحقق آنست.

" فلسفه صلح " کمونیست ها، علاوه بر این، از پذیرش ارتباط ناگسسته مبارزه در راه صلح با مبارزه در راه ترقی اجتماعی و بیکار رضا امپریالیستی سرچشمه میگیرد. این ارتباط را کمونیست ها وضع نکرده اند، بلکه بطور عینی و واقعی و بنابه قانونمندیهایی پیشرفت تاریخی موجود است. در دوران پس از جنگ زحمتکشان کشورهای سرمایه داری، همیزان زیادی هم در نتیجه فعالیت احزاب کمونیست موفقیت های اجتماعی عظیمی بدست آوردند. در شرایط صلح جهانی،

هرچند در اینجا و آنجا درگیریهایی محلی بوقوع پیوست ، پروسه استعمارزدایی بمقیاس سیّاره ما روی داد . تصادفی نیست که سالهای ۷۰ که با کاهش تشنج اوضاع بین المللی مشخص گردیدند دوران موفقیت‌های تازه مبارزه آزاد بیخشم ملی بودند .

مهمترین اصل " فلسفه صلح " کمونیست ها همچنین در نظر داشتن این نکته است که مبارزه در راه صلح از لحاظ خصلت خود وسعت مبارزه واحداست . اقدامات نیروهای طرفدار صلح ، صرفنظر از ترکیب اجتماعی ، موضعگیری سیاسی و معتقدات فلسفی و مذهبی و اعتقادات ایدئولوژیک دیگر فقط هنگامی میتواند مؤثر باشد که علیه حامین خطر جنگ هسته ای ، علیه گروه بندیهای امپریالیستی ، رجال دولتی و سیاسی ، تولیدکنندگان اسلحه و محافل میلیتاریستی باشد که جامعه بشری را بخاطر منافع خود به لبه پرتگاه فاجعه هسته ای می اندازند . این نکته بمعقیده و اندیشه توده‌هایی مبدل میگردد که در جنبش توده ای ضد جنگ معاصر در کشورهای سرمایه داری اشتراک میورزند . کوشش برای قرارداد ان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در یک ردیف یا یکمان جلوه دادن مسئولیت " در بولک " در مسئله خطر جنگ مرتباً طرفداران خود را از دست میدهد .

با اینهمه لازم میآید که این حقیقت را بنویسید آورشویم که خطر جنگ را فقط یک سیستم یعنی سیستم سرمایه داری و فقط یک سیاست یعنی سیاست نیروهای تجار و کارامپریالیستی بوجود میآورند . در برخی از محافل هنوز این عقیده وجود دارد که ریشه جنگ بیشتر در روریاوئی و بیگانه‌بگوهای ناتو و سازمان پیمان و رشواست تا در سرشت امپریالیسم . پراتیک سالهای گذشته بطور قناعت بخشی نشان داد که تضاد های اجتماعی - طبقاتی در سیستم مانعی در راه همزیستی مسالمت آمیز نیست . بطوریکه میدانیم اصول همزیستی مسالمت آمیزکاری به ماهیت طبقاتی حاکمیت در هیچ کشوری ندارد و همین سبب برای طرفین قابل قبول است . از سوی دیگر این تضاد های آشتی ناپذیر را اصولاً جنگ بر طرف نمیکند ، آنها را فقط انقلاب اجتماعی طبقه کارگر که بطور عینی در اعماق سرمایه داری به ثمر میرسد و آنهم درد ورنمای تاریخی معینی میتواند بر طرف سازد . بالاخره باید گفت پیکار سیستم های اجتماعی - سیاسی بهیچوجه منبع و یا علت پروسه های انقلابی در کشورهای جداگانه نیست . انقلاب زائیده شرایط عینی در این یا آن کشور است و فقط هنگامی پیروز میگردد که این شرایط وجود داشته باشد . بهمین علت مقصد انستون کمونیست ها در " صد و انقلاب " همانقدر بی معنی و مفهوم است که دیدن " دست مسکوف " در آنجا که توده های مردم مبارزه علیه استثمار امپریالیستی و در راه آزادی و استقلال می پردازند .

این روزها مشی روریاوئی با سوسیالیسم موجود و تسریع در امر مسابقه تسلیحاتی که دولت ریگان از آغاز سالهای ۸۰ آنرا خط اساسی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ساخته است به تشنج در

مناسبات بین الطلی ما بهمید هد و آنرا تشدید میکند . این مشی زیر لافاه تبلیغات دامنه داری نظیری اعمال میگردد که هدف از آن متقاعد ساختن مردم در کشورهای سرمایه داری به این است که گویا اتحاد شوروی " برابری هسته ای " را برهم زده است و ناتو عملت وجود " خطر نظامی شوروی " ناچار است به افزایش هزینه های نظامی که برای زمان صلح به سابقه است تن در دهد . ایالات متحده آمریکا در نظر دارد طی پنج سال آینده مقدار هنگفتی بمیزان هر ۱ تریلیون دلار ، یعنی تقریباً همانقدر که کشورهای ناتو در ساله گذشته صرف تسلیحات کرده اند ، برای تسلیحات به مصرف رساند . آمریکا که بشدت دست اندر کار افزایش ومد ریزه کردن تسلیحات خود میباشد کنگرهای بهرژیمهای دیکتاتوری و میلیتاریستی را هم که مقاصد تجاوزکارانه خویش نسبت به همسایگان را پنهان نمیکند افزایش میدهد .

زاین هم بطور فعال به مسابقه تسلیحاتی می پیوندند . در نقشه های تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا جای مخصوصی برای چین در نظر گرفته شده است که با سیاست سیطره جویانه خود نه فقط کشورهای شبه جزیره هند و چین بلکه سراسر جنوب شرقی آسیا و شبه قاره هند وستان را هم تهدید میکند . سلسله جنگهای " محلی " در نقاط مختلف کره زمین که امپریالیسم جهانی آنها را شعله ور ساخته و با کمک های مالی آن ادامه دارند و همچنین کوشش امپریالیسم جهانی بمنظور صدور ضد انقلاب به و خاست اوضاع بین الطلی می افزایشد .

تل انبار شدن وسایل نابودی جمعی و از جمله ایجاد انواع تازه سلاحهای نابودی جمعی که کنترل و محدود ساختن آنها طبق توافق قبلی فوق العاده دشوار و حتی غیر ممکن میگردد برای صلح خطری مخصوص بخود است . خلقهای اروپا و سایر قسمت های جهان را بویژه این موضوع نگران میکند که ایالات متحده آمریکا قصد دارد در اروپای غربی موشکهای با برد متوسط تازه ای مستقر سازد و نیز در استراتژی جنگی خود تغییراتی را پیش بینی کرده است که هدف از آن تدارک جنگ هستهای " محدود " است .

تدارک جنگ هسته ای زیر پوشش این سخنان بی معنی انجام میگردد که هدف تدارکات جنگی گویا حفظ صلح است . " از تمام جزئیات سیاست سالوسانه دوران ما هیچکدام باندازه این فلاکت بهاریا آورده که حاکی است : " اگر طالب صلحی ، برای جنگ آماده شو " . این حقیقت بزرگ که اساساً با این جنبه خود مشخص میگردد که دروغ بزرگی در آن نهان است ندای رزمجویانه ایست که تمام اروپا را به اسلحه فرامیخواند . . . " (۱) . براساسی اینطور بنظر میرسد که مارکس این سخنان را نه صد و چند سال پیش بلکه امروز نوشته است تا وضعی را ترسیم کند که نیروهای تجاوزکارایالات متحده آمریکا و ناتو میکوشند در اروپا بوجود آورند .

اماد واقع سازمان دهندگان سابقه تسلیحاتی کنونی اینقدرها موفق به مخفی کردن هدف حقیقی خود که هیچ وجه مشترکی با حفظ صلح ندارد، نمی‌شوند. امریالیسم امریکا بوسیله سابقه تسلیحاتی مقدم بر هر چیز رتلاش آن است که شرایط استقرار کامیت خود بر جهان را تأمین کند، کشورهای سوسیالیستی را از لحاظ اقتصادی تضعیف نماید و آهنگ رشد آنها را کاهش دهد.

تصادف نیست که سیاست جنگی آن با کوشش منظور و اخلاقیات خشن در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی و فشارهای خشونت آمیز بر متحدین ایالات متحده امریکا همراه است، تا آنها همکاری اقتصادی با جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه با اتحاد شوروی را محدود کنند.

چندی پیش پرزیدنت ریگان از تریبون پارلمان انگلستان "جنگ صلیبی" (۱) نویسی علیه کمونیسم اعلام کرد. بدین مناسبت رفیق ت. ژیکوف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان و صد رشورای دولتی جمهوری خلق بلغارستان گفت: "واقعیات بطور قناعت بخشی نشان میدهند که امریالیسم ایالات متحده امریکا در حقیقت هم اکنون به جنگ صلیبی بمقیاس‌های بسیار گسترده تری مشغول است و نه فقط علیه سوسیالیسم، بلکه علیه متحدین خود، علیه کشورهای در حال رشد علیه طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران، زنان و جوانان تمام جهان و همچنین علیه منافع حیاتی مردم کشور خود می‌جنگد، یکی علیه همگان" (۲).

اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی برای تأمین صلح اقدامات بسیاری بعمل آورده و می‌آورند. کمونیست‌های بلغارستان کاملاً از ارزیابی که بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بعمل آورده پشتیبانی میکنند: "... اینک برای هیچیک از خلقها مسئله ای جدی و ترومهم تر از حفظ صلح و تأمین ابتدائی ترین حق هر یک از انسانها یعنی حق زندگی وجود ندارد" (۳). به علت خصیصه ویژه جنگ هسته ای ممکن مبارزه در راه صلح هم خصلت دیگری پیدا کرده و مقیاس گسترده ای یافته که در گذشته سابقه نداشته است. بطوریکه ت. ژیکوف اظهار داشت، اینک وظیفه حفظ صلح "بالا ترا از اختلافهای طبقاتی ایدئولوژیک، سیاسی و غیره قرار دارد" (۴).

۱ - اشاره به جنگهای مخرب و فارتگرانه دو بیست ساله میان اروپای غربی و خاورمیانه و نزدیک است. انگیزه اصلی آنها برقراری سلطه پاپ روم و شاهان استیلادگر بر منابع طبیعی و ثروتها و راههای بازرگانی خاورزمین بود. مترجم

۲ - روزنامه "رابوتنیچسکو دلو"، ۱۸ ژوئن ۱۹۸۲.

۳ - ل. ای. برژنف، هامشی لنینی، جلد ۸، مسکو، ۱۹۸۱، صفحه ۶۳۵.

۴ - ت. ژیکوف، بااراده و کوشش تمام خلقها مبارزه بگیرد راه صلح استوار و عادلانه، صوفیه

ابتکارات و پیشنهادهای مشخص اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در مورد مسئله خلع سلاح و برطرف ساختن خطر جنگ هسته ای واقعاً بسیار راست . کشورها سوسیالیستی در نتیجه سیاست ماهرانه ، پیگیر و اصولی و موضع بانمرشی که سازش بحساب منافع خلقها را منتفی میکند ولی راه حلهای قابل قبولی برای طرفین را شامل میگردد توانستند به برخی از این پیشنهادات در مناسبات خود با کشورهای سرمایه داری جامه عمل بپوشانند . ولی به آنچه تاکنون بدست آمد نباید بیش از اندازه بهاداد . قراردادهای مربوط به عدم اشاعه سلاح هسته ای متوقف ساختن يك قسمت از آزمایشات هسته ای ، استفاده مسالمت آمیز از فضای کیهانی ، سالت ۱ و سالت ۲ و غیره پیشرفت و تکمیل برخی از وسائل نابودی جمعی را درآینده محدود میکنند ولی این هنوز بمعنی خلع سلاح نیست . کاهش واقعی تسلیحات و نیروهای مسلح ، هنوز هم مسئله حال و آینده نزدیک است .

برنامه صلح سالهای ۸۰ که در ریاست و ششمین کنفره حزب کمونیست اتحاد شوروی — به تصویب رسید و سایر احزاب برادران کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی (و از جمله حزب کمونیست بلغارستان در دوازدهمین کنفره خود) آنرا بعنوان برنامه خویش پذیرفتند و همچنین ابتکارات صلح تازه ای که طی ماههای اخیر . ای . برژنف پیشنهاد کرد برای حل مسئله کاهش واقعی تسلیحات و نیروهای مسلح پایه متین و استواری است . اکنون ، یعنی هنگامیکه اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا از نوپشت میز مذاکرات نشسته اند ، اتحاد شوروی پیشنهاد کرد تسلیحات استراتژیک هر دو کشور در وضع موجود از لحاظ کمی و کیفی ثابت نگه داشته شود . پیشنهاد های دیگری نیز برای حل و فصل مسائل سلاح هسته ای با برد متوسط در اروپا ارائه نمود و حتی به قرار متوقف ساختن یکجانبه استقرار آن در آینده در بخش اروپائی اتحاد شوروی صحه گذاشت . کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی آماده اند در هر لحظه در روین موافقت نامه کاهش سطح تسلیحات و نیروهای مسلح در اروپای مرکزی را به امضاء رسانند — آنها برنامه خود را در دوین اجلاسیه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مخصوص خلع سلاح مطرح کردند . تعهد اتحاد شوروی به اینکه در برکار بردن سلاح هسته ای پیشدستی نخواهد کرد ، تعهدی که در پیام ل . ای . برژنف برای اجلاسیه فوق گنجانده شده بود از رویدادهائی بود که حائز اهمیت بسیار است .

در ضمن کشورهای سوسیالیستی برای به ثمر رسیدن موفقیت آمیز مذاکرات مادرید برپایه سند نهائی هلسینکی ، پیشرفت هرچه بیشتر همکاری اقتصادی ، علمی — تکنیکی و فرهنگی میان کشورهای ، که دارای نظامهای اجتماعی متضاد هستند و منظم و محفوظ پروسه کاهش تنش کوشش کرده و خواهند کرد . برهنگان معلوم است که برای رسیدن به توافق متقابل کوشش و علاقه هر دو طرف لازم است :

ضرب المثل " تونل را از طرف حفرت میکند " در اینجا هم صدق میکند . مهم این نیست که در پشت میزی بذاکره و بحث بنشینند ، مهم این است که باچه " کوله باری " ، باچه مقاصد ی پشت آن میز بنشینند . در آغاز مذاکرات چنین بفرنج وجدی مانند مذاکرات تازه ژنومیان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا و آنهم در چنین اوضاع بفرنج بین المللی ، منطقی است که رزوهائی برای سازش نگه داشته شود . ولی ، بسختی میتوان باور کرد که واشنگتن جدأ قصد دارد برپایه پیشنهاداتی نظیر " راهحل در حد صفر " ریگان که نه کمونه زیاد خلع سلاح یکجانبه اتحاد شوروی را پیش میکشد ، به توافقی برسد . بهمین سبب نه فقط در کشورهای سوسیالیستی ، بلکه تقریباً در تمام کشورهای سرمایه داری و از جمله ایالات متحده آمریکا بحق در صداقت طرف امریکائی اظهار شک و تردید میکنند . این امکان را هم بعید نمیدانند که ایالات متحده به پیشاپیش تصمیم به عقیم کردن مذاکرات گرفته است و قصد دارد گناه عدم موفقیت در مذاکرات را بعهده شوروی بگذارد تا استقرار سلاح موشکی - هسته ای تازه در اروپای غربی را در نظر مردم موجه جلوه دهد .

انگلس بموقع خود نوشت : " هر افزایش نیروهای مسلح یک کشور دیگران را به همین کار برمی انگیزد . . . همه این به بهای سرسام آوری تمام میشود . خلقها زیر بار هزینههای نظامی در میمانند " (۱) . این سخن درست امروزه صادق است . کشورهای سوسیالیستی در مصرف رساندن وسایل برای نیازهای حیاتی ساختمان صلح آمیز و بالا بردن رفاه و آسایش خلقهای خود زیاده پند هستند نه در صرف هزینه برای مقاصد نظامی . ولی نباید در این تردیدی داشت که جامعه کشورهای برادر قادر است از امنیت خود دفاع کند و صلح همگانی را حتی به بهای کندی معین در پیشرفت خود ، اگر آنرا بدین کار مجبور سازند ، حراست نماید . اکنون ، دفاع از میهن سوسیالیستی ، بیش از هر زمان دیگری در گذشته ، در همین حال دفاع از صلح همگانی و تمام ارزشهای تمدن است . صرف مبالغ سرسام آوری برای مقاصد نظامی با رستگینی همهدوش خلقهای کشورهای در حال رشدی میگردد که در نتیجه سیاست امپریالیستی دامن زدن به درگیریهای " محلی " و صد و صد انقلاب ناگزیر باید به بودجه های نظامی خود بیفزایند . ارتباط مستقیم سابق تسلیحاتی با تشدید و خاموشی مسائل اقتصادی روشن است . جنبش عدم تعهد خواستار قطع مباحثه تسلیحاتی و اختصاص وسایل و اعتباراتی که آزاد میشود به بسط و تکامل اقتصاد است . اکثر کشورهای غیر متعهد بلا واسطه به مبارزه در راه صلح در سراسر جهان ، ایجاد مناطق فاقد سلاح هسته ای و غیر نظامی کردن برخی از قاره ها و نواحی بطور کامل می پیوندند . خواست برقراری نظام اقتصادی بین المللی تازه که دارای خصلتی ضد امپریالیستی و آزاد بیخشم ملی است با این مبارزه در راه صلح در هم می آمیزد .

هزینههای گزاف نظامی جامعه بشری را از مسائل ضروری حیاتی برای حل و فصل مسائل

جهانی مانند مسئله محیط زیست ، مسئله انرژی و مواد غذایی ، مسئله تکثیر نفوس و یا برای برطرف ساختن عقبماندگی اقتصادی و فرهنگی يك سلسله از کشورها محروم میکند .

مسابقه تسلیحاتی یکی از علل اساسی پروسه شدید توری است که کشورهای سرمایه داری را دربرگرفته است . میلیتاریزه کردن اقتصاد همراه با سطح بالای بیکاری ، رکود در رشته های اساسی و عمده صنایع اروپای غربی ، تعرفه های بسیار زیاد گمرکی برای يك سلسله از کالا های اساسی صادرات کشورهای با بازار مشترک اروپا و ژاپن که چندی پیش از طرف ایالات متحده آمریکا معمول گردیده تضاد های موجود میان سمعک زاصلی امپریالیسم جهانی را تشدید میکند . محافل معاملاتی سیاسی کشورهای اروپای غربی و ژاپن می بینند که مشی که ایالات متحده آمریکا به آنها تحمیل کرده نه فقط به منافع اقتصادی آنها زیان وارد میکند ، بلکه آنها را به تابعیت کامل از ایالات متحده هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ اقتصادی نیز تهدید مینماید . بهمین سبب است که مقاومت علیه این مشی در کشورهای سرمایه داری نه فقط میان محافل اجتماعی بلکه در سطح کشور افزایش مییابد . برخی از شخصیت های دولتی و اجتماعی واقع بین در مقامات رهبری کشورهای سرمایه داری با این نتیجه گیری که کشورهای سوسیالیستی مدتهاست بدان رسیده اند توافق دارند: غیر از همزیستی مسالمت آمیز و همکاری میان خلفا راه دیگری وجود ندارد ، راه خروج از این بن بست در آغاز مذاکرات بر سر مسائل مورد اختلاف و احیای روح کاهش تنشج است .

مسابقه تسلیحاتی در وضع توده های انبوه زحمتکش کشورهای سرمایه داری هم تأثیر بسیار نامطلوبی می بخشد . در این کشورها هیچوقت بین محافل بسیار نا همگون درک چنین روشنی از ارتباط بلا واسطه هزینه های تسلیحاتی با بدتر شدن مداوم وضع اقتصادی زحمتکشان ، قطع کمک معاش های اجتماعی ، بر باد رفتن دست آورد ها و تنزل سطح زندگی وجود نداشته است . چنین درکی همراه با بیوهراس واقعی ناشی از سیاست جنون آمیز امپریالیستی تدارک جنگ همسته ای پایه و اساس جنبش توده ای ضد جنگ کنونی را تشکیل میدهد .

جنبش دفاع از صلح دارای سنن استواری است . بدون وارد شدن در بحث تاریخی مفصل اقدامات گسترده علیه فاشیسم و جنگ در دوران بین دو جنگ جهانی و پیروژه در سالهای ۳۰ را با نقش فوق العاده فعالی که انترناسیونال کمونیستی پس از هفتمین کنگره خود بمنزله الهام دهنده و سازمان دهنده آنها ایفا کرد یاد آور میشویم . در همان هنگام گ . دیمیتروف و سایر رهبران احزاب کمونیست وظیفه ایجاد جبهه توده ای طبقه کارگر ، زحمتکشان شهروده ، بخشی از روشنفکران بورژوازی و عناصر چپ بورژوازی را مطرح ساختند . ولی فقط جزئی از این وظیفه که از لحاظ اهمیت خود وظیفه ای تاریخی بود جامه عمل پوشید . علت آن نه يك اشتباه تاکتیکی مبارزان راه صلح ، بلکه واکنش گسترده

ومتفق الرأى دولت‌های سرمایه داری و سیاستمداران و ولترمداران بورژوازی بود که رهبری امور را به دست داشتند. آنها برای منافع طبقه خود و در عطف بدست آوردن حد اکثر منفعت اقدامات تدارک‌آلمان هیتلری و سایر کشورهای " محور " برای جنگ جهانی را در اندیشه تقسیم مجدد جهان، در درجه اول بحساب اتحاد شوروی، تشویق و ترغیب میکردند.

در دوران بعد از جنگ تجمع کمیت عظیمی سلاح هسته ای بطور دیاکتیکی کیفیت جنگ محتمل آینده را از ریشه تغییر داد. در صورت وقوع آن از قرار معلوم جبهه های سنتی، خطوط اصلی و فرعی آتروپشت جبهه نسبتاً بی خطر دیگر وجود نخواهد داشت. همه جا بگرا سبب پذیر میگردد. نمایندگان واقع بین بیزنس کلان هم که مسئله حیات فیزیکی (جسمی - مترجم) خودشان و اخلاف و اولادشان برایشان بشکل حادثی مطرح میگردد نیز همین نتیجه را پیشبینی میکنند.

این عوامل و یک سلسله عوامل دیگر خصلت جنبش ضد جنگ معاصر را که دامنه بی نظیری یافته از بیخ و بن تغییر داده اند. رزمندگی، قاطعیت و تداوم در انجام اقدامات مثبت بمنظور کاهش خطر جنگ هسته ای و از بین بردن تدریجی آن از خطوط تعیین کننده این خصلت است. حالا دیگر سخن فقط بر سر نفی مسابقه تسلیحاتی نیست، صحبت بر سر اقدامات مجدانه و مشخص در جهت از بین بردن کامل خطر جنگ هسته ایست که ایالات متحده و ناتو ایجاد میکنند. در این جنبش افرادی که به طبقات و گروههای بسیار مختلف تعلق دارند، دارای موقعیت اجتماعی و سطح معلومات گوناگون هستند و نظریات و تعلقات حزبیشان متفاوت است و همچنین نمایندگان بسیاری از ادیان بطور گسترده و بمیل و اراده خود، البته بر مبنای برابری حقوق اشترک میکنند.

در اکثر کشورهای سرمایه داری جنبش ضد جنگ، جنبشی واقعاً خلقی میشود و در سیاست کشور بمیزان شایان توجهی تأثیر میکند. این جنبش گوا منقش روز افزون توده های مردم در تاریخ است و هیئت های حاکمه بناچار باید آنرا بحساب بیاورند. این جنبش بمیزان چشمگیری جنبش جوانان است که بحق بر این عقیده میباشند که خوشبختی فردی، بدون صلح قابل دسترسی نیست.

سازمانهای زنان، سندیکاها، نمایندگان پارلمان و پارلمان ها بطوریکجا هر چه جدی تر به این مبارزه می پیوندند. کنفرانس جهانی " شخصیت های مذهبی جهان علیه خطر هسته ای " که چندین پیش در مسکو برگزار شد نشان دهنده روشن و آشکار نقش فعالی است که افراد مذهبی در اعتراض ضد جنگ ایفا میکنند. بسیاری از سوسیالیست ها و سوسیال - دموکرات ها هم، بویژه پس از آنکه انترناسیونال سوسیالیستی در کنگره سیزدهم در ژنوا را سناد خود قید کرد که هدف نهایی انترناسیونال سوسیالیستی مانند گذشته خلع سلاح همگانی است، فعالانه به این جنبش می پیوندند. عده ای از شخصیت های احزاب لیبرال و محافظه کار هم، اغلب برخلاف سیاست رسمی رهبری خود از خلع سلاح هسته ای

پشتیبانی میکنند . حتی برخی از سران نظامی سابق ناتو هم بآنها پیوندند . این واقعیت را برای نمونه یادآور میشویم که اگر د رسال گذشته در اعتراضات ضد جنگ صد ها هزار نفر اشتراک ورزیدند ، در نیمه اول سال جاری تعداد شرکت کنندگان در این قبیل اعتراضات به میلیونها نفر رسید .

هرگونه تلاشی برای ایجاد جدائی و نفاق در جنبش ضد جنگ معاصر با عدم موفقیت روبرو میشود ، زیرا این جنبش تمام اقشار اهالی را بمعنی واقعی کلمه در بر گرفته و تمام انسانهای شرافتمند را شامل میگردد . به سازمانهای ضد جنگ مرتباً افزوده میشود ، آنها بطور جداگانه و با با هم بسرون از مرزهای کشورها و در قاره های مختلف فعالیت میکنند . اینک جبهه جهانی مبارزه در راه صلح ، علیه خطر جنگ هسته ای جایگزین جبهه خلق گسترده سالهای ۳۰ علیه جنگ و فاشیسم میگردد . اشکال فعالیت هم فرق میکند : از جمع آوری امضا^۱ زیر طومارها خطاب به دولت ها تا میتینگ های عظیم ، از فعالیت دسته جمعی دانشمندان و پزشکان علیه سلاح هسته ای تا راه پیمائی های بین - المللی با اشتراک صد ها هزارتن . یکی از این راه پیمائی ها ، یعنی " مارش صلح ۸۲ " فوق العاده موفقیت آمیز بود .

اینکه کمونیست ها فعالترین شرکت کنندگان جنبش بوده ای ضد جنگ هستند امری کاملاً طبیعی است . آنها در این جنبش تحقق هدف های راضی بیننده که شرکت کنندگان در دیدار احزاب کمونیست و کارگری اروپا در پاریس (سال ۱۹۸۰) مشترکاً بیان کردند یعنی آمادگی برای دیالوگ و مذاکره در باره مسائل صلح و خلع سلاح و اتحاد برای انجام اقدامات مشترک با همه نیروهای صلح دوست . کمونیست ها همواره آنجا بوده اند که توده ها ، و اکنون هم آنها عظیمترین نیرو در مبارزه برای نجات تمدن میباشند ، زیرا صلح برای آنها والا ترین نعمت جامعه بشری است . نقش کمونیست ها در این مبارزه نه در آنجا که برای " لیدر شدن " تلاشی بکار میرود ، بلکه در پیگیریترین و آگاهانه ترین شرکت ها در جنبش ضد جنگ بروز میکند .

برخورد جدید کمونیست ها به مسائل دوران معاصر دفاع از صلح وابسته بدین است که —
 جلوگیری از فاجعه هسته ای وظیفه تمام جامعه بشری است و در انجام این وظیفه بسیاری دیگران نیز ^۱هوا
 اجتماعی و سیاسی سهم خود را ادا کرده و ادا خواهند کرد . همانطور که ت . ژبوکف در کنفرانس
 تئوریک بین المللی که بمناسبت صد مین سالگرد تولد گئورگی دی میتروف در صوفیه برگزار شد (۱)
 یادآوری کرد " روشن است که ما زمان انتظار دارند که نمرش و خلاقیت نشان دهیم ، بتوانیم بشیوه لنی —
 و بشیوه دی میتروف سازش ها استفاده کنیم ، متحدین و بویژه جوانان یعنی این بخش از جامعه بشری
 را که بیش از همه در صلح نینفع است بمسوی خود جلب کرده و متحد سازیم . هیچ چیز نباید مانع این
 شو د که در مبارزه در راه صلح و علیه خطر جنگ هسته ای تمام احزاب ، سازمانها ، جنبش ها و افراد ی

کس درك ميکنند جنگ هسته ای چه خطر بزرگی برای جامعه بشری میبود جایی برای خود بیابند و نقش لازم را ایفا کنند . . . در مبارزه برای صلح جایی برای رقابت و منفرد ساختن این یا آن بخش از نیروهای سیاسی وجود ندارد " (۱) .

این کنفرانس تئوریک بین المللی بطورکاملاً منطقی توجه اصلی راه مسئله صلح و جنگ میذول داشت . زیرا حفظ صلح مهمترین مسئله از مسائل دوران معاصر و وظیفه عمدتاً نیروهای مترقی است . زیرا نام شخصیت برجسته جنبش کمونیستی و کارگری بلغارستان و جهان گ . دیمیتروف با مبارزه علیه جنگ و امپریالیسم ارتباطی بسیار نزدیک دارد . زیرا حزب کمونیست بلغارستان از لحظه تأسیس بطور پیگیر با جنگهای امپریالیستی مخالفت ورزیده و در راه صلح استوار و تهاجم متقابل میان خلقها مبارزه کرده است ، زیرا بلغارستان سوسیالیستی کمونی یکی از مهمترین عوامل ثبات در بالکان است ؛ بلغارستان فعالانه به تبدیل این منطقه به منطقه خالی از سلاح هسته ای و همزیستی مسالمت آمیز و همکاری و حسن همجواری کمک میکند .

شرکت کنندگان در کنفرانس صوفیه در باره سمت های مبارزه مشترک علیه خطر جنگ هسته ای تبادل نظر بعمل آوردند . آنها از درک روزافزون این نکته از طرف مردم که مبارزه در راه صلح را بدون کمونیست ها و بطریق اولی علیاً آنها نمیتوان انجام داد اظهار خوشنودی کردند . اکثریت طرفداران صلح درك ميکنند که تکیه گاه عمدتاً امنیت خلقها اتحاد شوروی است و مساعی جنبشهای ضد جنگ در صورتی میتواند ثمر بخش باشد که آنها دشمن رانه در سیاسی کسی که نیرومند است ، بلکه در چهره کسی که از قدرت خود برای تجاوز ، جنگ و ماجراجویی استفاده میکند ، یعنی در چهره امپریالیسم بازشناسند . شرکت کنندگان در این مجمع به این نتیجه رسیدند که : در این مبارزه برای تمام قشرها ، احزاب ، سازمانها ، گروهها و برای تمام کسانی که امر صلح را گرامی میدانند جایی وجود دارد .

طی سالهای اخیر در بلغارستان يك سلسله اقدامات بزرگ بین المللی که با وظائف اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک و صلحدوست ارتباط بسیار نزدیکی دارند انجام یافته است . تمام آنها ادامه سنتی ثمر بخش و سهم کوچک حزب مادر مشترک جلوگیری از خطر جنگ هسته ای بوده اند . در تمام این مجامع موضوع اساسی سخنرانی های ت . ژیکوف مبارزه در راه صلح بوده است .

مذاکرات کمونی در ژنوو میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا ، اقدامات گسترده ویژه خلق سلاح که از طرف دو صین اجلاسیه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده و یک سلسله عوامل نظیر دیگر برای نیروهای گسترده ضد جنگ امکانات مطلوبی فراهم آورند که روی بقیه در صفحه ۷۳

چگونه باید از کاهش تشنج دفاع کرد

ثلث آخر سالهای ۷۰ و اوائل دهه ۸۰ شاهد تجدید فعالیت ارتجاعی ترین و جنگ طلب ترین نیروهای امپریالیسم بودند، آنها به عقیم گذاردن کاهش تشنج و تشدید وخامت اوضاع بین المللی دل بسته اند. سیر حوادث هشتاد امید هد که: خطر رد رگیری هسته ای، که در زینمه دوم قرن بیستم کره مارا تهدید میکرد نه فقط از بین نرفته بلکه به واقعیت تبدیل شده است.

آیا امکان جلوگیری از لغزش به لبه پرتگاه جنگ وجود دارد؟

کاهش تشنج چه شانسی در اوضاع بیفرنج کنونی، که شاید در راهی سرنوشت سازی در تاریخ باشد، دارد؟ چگونه میتوان هواداران رویارویی را به عقب نشینی مجبور ساخت؟

این مسائل در سمپوزیوم بین المللی که از طرف هیئت تحریریه مجله همراه با شورای جهانی صلح برگزار گردید مورد بحث و مذاکره قرار گرفت.

در کار این سمپوزیوم افراد زیر شرکت داشتند:

از طرف مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" هگ، گیرگینوف، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، هگ، کواتفسکی، نماینده حزب کمونیست آلمان، در شورای هیئت تحریریه مجله، ر. باوشر، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان، ک. روحی، عضو کمیته اجرائیه مرکزی حزب مترقی خلق گویان، س. میترا، عضو شورای ملی حزب کمونیست هند، ا. مالیک، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، ج. فیلیپس، عضو مشاور کمیته اجرائیه مرکزی حزب کمونیست کانادا، ر. والد، س. پیوو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، ر. کولوره، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست شری لانکا، و. سیمه، عضو شورای هیئت تحریریه مجله (از آفریقای جنوبی)، ا. سلیم، عضو کمیسیون اقتصاد، کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان، ج. اووست، عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا.

از طرف شورای جهانی صلح، ج. بنسون، صد ر کمیته صلح استرالیا، دبیر سندیکای ملوانان استرالیا، لیوریست، ه. دی. کریسمانسکی، رئیس انستیتوی جامعه شناسی دانشگاه مونستر (جمهوری فدرال آلمان)، ای. و. خالا هتی، سرپرست هیئت تحریریه کمیته صلح فنلاند، عضو حزب سانتریست، ه. لموند، عضو مجلس عوام، صد ر هیئت رئیسه جمعیت صلح بریتانیا، معاون صدر

شورای جهانی صلح ، عضو حزب کارگر هج ، روزتو ، پروفیسور (گواتالا) ، حسین ، دبیر شورای جهانی صلح (اردن) ، سلامه نمایندہ مجلس ، عضو کمیٹہ ملی صلح سوربہ از شخصیت ہای سندیکا ئی ، عضو حزب بحث ، طاہراوف ، پروفیسور دبیر شورای جهانی صلح (اتحاد شوروی) ، س ، تالوت ، نویسندہ از ایالات متحدہ امریکا .

ما خلاصہ ای از جہات اساسی بحث و مذاکرہ ای را کہ انجام شد منتشر می کنیم . اظهارات شرکت کنندگان در سمپوزیوم بر حسب موضوع ہای مورد بحث تنظیم شدہ و بہ اختصار آمدہ است .

از صلح میتوان دفاع کرد

رسانہ ہای گروہی امپریالیستی باتمام وسائل این فکر را بہ خلقہاتلقین میکنند کہ کاهش تشنج بین المللی کہ در اروپا آغاز شد فقط یک " فاصلہ تصادفی " بود و وریوروش نظامی میان سرمایہ داری و سوسیالیسم " اجتناب ناپذیر " است . بدین ترتیب آنہا بیہودہ میکوشند ثابت کنند کہ مبارزہ برای صلح گویای معنی و بیفایدہ است ، زیرا ، چنانکہ مؤلفین سند کذائی سانتافہ باصراحت بیشرمانہ ای اظهار کردند " حالت جنگ از خصائص جامعہ بشری است " (۱) . شرکت کنندگان در سمپوزیوم ضمن افشای ماہیت ضد بشری چنین نظریاتی کہ ہدف آنہا توجیہ امیال و نقشہهای تجاوز کارانہ امپریالیسم است توجہ فراوانی بہ عوامل معنی کہ بہ حفظ صلح در شرایط کونی کمک میکند مبذول داشتند .

ر . بائوئر ، کہ بحث را آغاز کرد ، یاد آور شد کہ پنج ہزارویانصد سال تاریخ جامعہ بشری شاهد ۱۵۰۰۰ جنگ بودہ است . ولی آیا میشود براین اساس بہ این نتیجہ رسید کہ جنگ " خصیصہ طبیعی بشریت است ؟ " ہرگز . آرزوی صلح از ازل خاص انسانہا بودہ است .

میان نویسندگان ، فلاسفہ دانشمندان و دولتمردان درگذشتہ بسیار بودہ اند کسانی کہ طرفدار حذف خونریزی از زندگی جامعہ بودہ اند . اما باوجود سلطہ نامحدود جوامع مبتنی بر استثمار دست یافتن بہ این ہدف غیرممکن بود . ازیکسو تا پیدایش تئوری مارکسیستی برای افشای سرشت جنگ ہای غارتگرانہ هیچ اساس علمی وجود نداشت و از طرف دیگر پای علملی برای آشکار ساختن قانوننشدی قیام ہای مسلحانہ علیہمہزنوع سرکوبی وستم و درآزادی ملی نبود . تودہای مردم در مقابل تبلیغات میلیتاریستی و شوونیستی کہ در خدمت سیاست اشغالگرانہ بود بدون دفاع بودند . طرفداران صلح از هیچ امکان مادی برای جلوگیری از درگیری ہای نظامی برخوردار نبودند .

۱ - سند سانتافہ کہ بوسیلہ مشاوران سیاسی ر . ریگان تهیه شدہ گزارش محرمانہ ایست کہ ہدفہای سیاست خارجی کونی ایالات متحدہ امریکا را تعیین و مستدل میسازد . برای اطلاع بیشتر رجوع کنید بہ : ر . آریسمندی : بارد یگریک دیوانگن بمقیاس جهانی . مجلہ " مسائل بین المللی " شمارہ ۴ سال ۱۳۶۰ . ہیئت تحریرہ

اینک در نیمه دوم قرن بیستم ، وضع کاملاً چیز دیگری است . طی ۶۵ سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر نقشهٔ سیاسی جهان بطوری عوض شد ، که باور نکردنی است . سوسیالیسم به سیستم جهانی مبدل گردید ، که در پروسه های بین المللی همه جانبه تأثیر میکند . سرمایه داری هرچه عمیق تر به بحران اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی فروبرود . دهها کشور نواستقلال که روی خرابه های امپراطوری استعماری پدید آمد ، اند باصدائی هرچه راستر موجودیت خود را اعلام میکنند .

در نتیجهٔ این تغییرات تاریخی ، برای اولین بار ، برای امر صلح شرایط عینی مساعدی ایجاد شده است . با اتکاء بر این شرایط میتوان به امیال توسعه طلبانهٔ امپریالیسم لگام زد ، در جهت مناسبات همزیستی مصالحت آمیز میان کشورهای بانظامهای اجتماعی متفاوت گام نهاد و خطر آتش سوزی جهانی را عقب انداخته و در آینهٔ جنگ را کاملاً از زندگی خلقها محو کرد .

م . سالامه تذکر داد که تبدیل سوسیالیسم به یک نظام جهانی این امکان را بوجود آورد که به درگیریهای خونین بین المللی خاتمه داد ، شود . سوسیالیسم موفق شد با تلاشهای عظیم خود تناسب نظامی سیاسی نیروها در جهان را تغییر داد ، و تعادل تقریبی استراتژیک با کشورهای سرمایه داری ایجاد کند . این امر به جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی امکان داد نه تنها از جنگ جهانی نوکه امپریالیسم بشریت را در دهه های اخیر بارها بسوی آن کشاند ، است جلوگیری کند ، بلکه درگیری های منطقه ای را محدود ساخته و در بعضی موارد با حفظ منافع خلقهای مورد تهاجم آتش درگیری را فرونشاند .

و . سه مه تأکید کرد که ضمن بررسی و مذاکرهٔ دورنمای پیشرفت اوضاع بین المللی همچنین باید سهم دهها کشور نواستقلال و آزاد شده را هم در مبارزه برای صلح مورد توجه قرار دهیم . موضعگیری اکثریت قاطع آنها را درک این نکته تعیین میکند که میان سعی آنها برای تأمین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی و دفاع از صلح همگانی ارتباط متقابل وجود دارد . شرکت این کشورها در جنبش غیرمتعهد ها فعالیت مشترک و هدفمند آنها را برای جلوگیری از جنگ جهانی و مقابله با اقدامات تجاوزکارانه نواستعمارده امکان پذیر میسازد .

در جریان سمپوزیوم ، این مسئله نیز مورد بررسی قرار گرفت که ، عوامل اقتصادی چگونه بر مناسبات سیاسی میان دول تأثیر میگذرانند . جیمز اووست ، خاطر نشان ساخت که اگر صحبت از ایالات متحده و در میان باشد منافع اقتصادی در محل و فصل مسائل مناسبات بین المللی بطور محسوس تأثیر میکنند . مثال برای این موضوع عکس العمل مراکز مختلف انحصاری در مقابل "اقتصاد ریگانی" است . از آنجائیکه این پدیده از لحاظ ماهیت خود در جهت تغییر و تبدیل بودجه دولتی بسود میلیتاریزه کردن کشور است افزایش تورم و بیکاری را تسریع میکند و این نیز پایه های مالی و اقتصادی کشور را متزلزل ساخته و قدرت ایالات متحده و در بازارهای جهانی را تضعیف میکند . این مسئله در آن دسته از محافل مالی

و صنعتی که با معاملات جنگی رابطه مستقیم ندارند و در عقلائی بودن مشی که در جهت توسعه طلبی نظامی و سیاسی است شک و تردید ایجاد میکند .

این مشی در دولتها و بعضی کشورهای متحد امریکا نیز ناراضی بوجود میآورد ، زیرا میلیتاریزاسیون بی حد و محصری که توسط واشنگتن به اقتصاد آنها تحمیل میگردد وضعیت خود بخود دشوار اقتصادی این کشورها را خرابتر کرده و بی ثباتی اجتماعی آنها را تشدید میکند . این ناراضی بیپایه زمانی به روشنی بروز کرد که کاخ سفید کوشش مینمود کشورهای ناتورا به محاصره اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، یعنی به کاری بکشاند که مقاصد ماجراجویانه را تعقیب میکرد و از لحاظ نتایج خود زیان بخش بود .

شرکت کنندگان در بحث با یادآوری نیاز عینی به همکاری همه جانبه و با سود متقابل میان کشورهای دارای نظامهای اجتماعی متفاوت تأکید کردند که یک چنین همکاری تنها در شرایط تنش زدائی میسر است . این اقدام شرایطی ایجاد میکند که در آن محافلی از سرمایه داری جهانی که در همکاری اقتصادی دینفعند به انجام اقدامات سیاسی جلب گردند که هدف از آن کاهش و خامت اوضاع بین المللی است . بدیگر سخن گسترش مناسبات اقتصادی میان کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی پایه مسادی همزیستی مسالمت آمیز را ایجاد میکند (۱) .

ت - ظاهراً و گفت به دست اندرکاران تجاوز باید مکانیسم حقوقی را یادآوری کرد که پس از جنگ دوم جهانی برای مجازات کسانی ایجاد شد که آنها تدارک دیده و دامن زده بودند . اساسنامه دادگاه بین المللی نظامی نورنبرگ که بعدها از طرف سازمان ملل متحد بعنوان زیربنای حقوقی بین المللی به تصویب رسید ، تدارک و انجام جنگهای تجاوزکارانه و قتل عام خلقها را بوضوح به ضوان سنگین ترین جنایت علیه بشریت ارزیابی میکند . این اصل حقوقی که برپایه د رسهای تلخ پی آمدهای تجاوز بوجود آمده در شرایط کوش اهمیت و تازگی خاصی کسب میکند . این اصل با در نظر گرفتن ویژگیهای اوضاع کوش و از جمله در اعلامیه مربوط به جلوگیری از فاجعه هسته ای که در سی و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ابتکار اتحاد شوروی تصویب گردید ، تکامل می یابد .

طبق یکی از مواد آن عمل د ولتمردانی که تصمیم بگیرند در استفاده از سلاح هسته ای پیشدستی کنند جنایت جنگی بشمار میرود .

اکنون دولتهای اتحاد شوروی ، جمهوری اوکرائین شوروی سوسیالیستی و جمهوری بلوروسسی

۱ - امتناع کشورهای عمده اروپای غربی و همچنین ژاپن در تابستان سال ۱۹۸۲ از گردن نهادن به دستورات " دیکتات " واشنگتن و ملغی ساختن موافقتنامه های آنان با اتحاد شوروی مربوط به تحویل ماشین آلات به اتحاد شوروی برای ساختمان و بهره برداری از لوله گاز در قبیل دریافت گاز طبیعی میتواند نمونه نفعات بخشی برای چنین وابستگی متقابلی باشد . هیئت تحریریه .

شوروی سوسیالیستی پیشنهاد میکنند ، که این نورم بسیار مهم را در مجموعه قوانین مربوط به جنسایت علیه صلح و امنیت جامعه بشری که از طرف کمیسیون حقوق بین المللی سازمان ملل متحد تهیه میشود بگنجانند . در این مجموعه قوانین تعریف " جنسایت علیه صلح و امنیت بشریت " آورده خواهد شد و محتوی آن مشخصاً توضیح داده میشود و اصل مسئولیت فردی در مقابل ارتکاب این چنین جنایتی تثبیت میگردد .

بسیاری از شرکت کنندگان در سمپوزیوم با اطمینان کامل ابراز داشتند که با وجود اوضاع بفرنجی و انفجار آمیز بین المللی کنونی نتیجه گیری که ۲۵ سال پیش جنبش کمونیستی بدان دست یافت و بر عدم وجود اجتناب ناپذیری جنگ جهانی دلالت میکرد اعتبار خود را کاملاً حفظ کرده است . عوامل عمده عینی که به جلوگیری از درگیری مسلحانه جهانی کمک کرده اند ، همچنان عبارتند از :

— توان سیاسی ، اقتصادی و دفاعی سوسیالیسم جهانی که در خدمت صلح قرار داده شده است ؛
 — افزایش نفوذ طبقه کارگر و تشدید مبارزه آن علیه فعال مایشایی انحصارها و در راه صلح ؛
 — تحکیم اتحاد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان در راه توسعه همکاری میان کمونیستها ، سوسیالیست ها و سوسیال دمکراتها ، در مبارزه علیه خطر جنگ و برای دفاع از منافع مردم زحمتکش ؛
 — نفع و علاقه عمیق کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین که در جنبش کشورهای غیر متعهد متشکل شده و نقش هرچه بیشتری در سیاست جهانی ایفا میکنند به حفظ صلح و تحکیم کاهش تشنج ؛
 — تضاد های موجود میان محافل حاکمه کشورهای سرمایه داری در رابطه با مسائل جنگ و صلح ، میان طرفداران سیاست " از موضع قدرت " و شخصیت های واقع بینی که عواقب فاجعه آمیز جنگ موشکی هسته ای را درک میکنند ؛

— وابستگی متقابل روز افزون اقتصاد ی ، علمی - فنی و کولوژیک تمام کشورها به یکدیگر که نیازمند همکاری برابر حقوق و همه جانبه میان آنان است .
 — اطلاع کامل افکار عمومی جهان از عواقب جنگی که در آن سلاحهای امحاء جمعی بکار برد میشود از یکسو و تجارب ده های گذشته که تاثیر نیک کاهش تشنج در شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی توده های مردم را نمایان ساخته از سوی دیگر .

اتحاد و عمل ، بمثابة شرایط حتمی

در عین حال در بحث و مذاکره تأکید میشد که وجود شرایط عینی که امکان میدهند از حمله و هجوم نیروهای جنگ طلب جلوگیری شود و کاهش تشنج حفظ گردید ، و تکامل یابد بخودی خود سالم سازی و بهبود مناسبات بین المللی را تضمین نمی کنند . نتیجه مبارزه بخاطر صلح ، تا حدود زیادی وابسته

به ایجاد شرایط نه‌نی لازمه‌ای آن، یعنی وابسته به فعالیت و اقدامات هدفمند جنبش‌های ضد جنگ و به اتحاد آنها هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی است. ولی تأمین چنین اتحادی کار آسانی نیست؛ زیرا امپریالیسم کوشش میکند نیروهای صلح طلب را در نقطه مقابل یکدیگر قرار دهد و در درجه اول کمونیست‌ها را منزوی سازد.

ج. اووست اظهار داشت که در ایالات متحده آمریکا از "عوارض بیماری ویتنام" ناشی از تجارب خونین تجاوز امپریالیستی به هند و چین بسیار صحبت میشود. در ضمن تبلیغات میلیتاریستی می‌خواهد افکار عمومی را قانع کند که تأثیرات روانی شکست ویتنام و احوال و روحیه اشاعه یافته ضد جنگ چیزی بیش از یک بیماری سری "نیست که گه‌ب‌ساعت خواهد گذشت. اما در واقع در این فاکت که چنین "عوارض" پدید آمده و هنوز هم ادامه دارد نمیتوان نشانه کوشش‌های مردم برای جلوگیری از ماجراجوشی‌های جنگی تازه را ندید.

اگرچه در جنبش صلح آمریکا آشکارا عناصری از حرکتی خود بخودی دیده میشود گرایش مهمی نیز در آن در حال تبلور است؛ این جنبش اینک ریشه‌های عمیقی در درون طبقه کارگر میدواند. جنبش توانسته است توجه افکار عمومی را بطور گسترده به خود جلب کند. شورای صلح آمریکا که فقط چند سال است وجود دارد (وابسته به شورای جهانی صلح نیز هست) توانسته است در ۴۰ شهر شعبه‌های خود را تشکیل دهد. بیش از ۵۰ سازمان ملی دیگر که از صلح دفاع میکنند نیز بشدت فعالیت میکنند. بسیاری از آنها به ائتلاف ضد میلیتاریستی (برای یک سیاست داخلی و خارجی نه‌نی) پیوسته‌اند. سیاستمداران، دیپلمات‌ها و متخصصین نظامی معروف و معتبری هرچه بیشتر مشغول جنگ طلبانه‌گان سفید را مورد انتقاد قرار میدهند و این امر فعالیت‌های ضد جنگ را مشخص‌تر و باصلاحیت‌تر می‌سازد. فعالیت‌های هواداران صلح دولت ریگان مجبور می‌سازد تا دست‌بها تیر بزند. امکانات او برای بی‌اعتنایی به اراده و خواست مردم بتدریج کاهش می‌یابد. این امکان را نمیتوان منتفی دانست که شرایطی میتواند بوجود آید که در آخرین تحلیل کاخ سفید را مجبور به تجدید نظر در مشی سیاست خارجی خود بکنند. در هر صورت تجارب تاریخی برامکان واقعیت یافتن این امر گواهی میدهد. حداقل میتوانیم این را بیاد آوریم که اوائل سال‌های ۷۰ ریچارد نیکسون ضد کمونیست و دآتش‌تحت فشار عوامل عینی مجبور به قبول ضرورت بسط و تکامل مناسبات با اتحاد شوروی بر پایه اصول همزیستی مساومت آمیز گردید و همچنین مجبور شد که با این کشور مجموعه‌ای از قراردادها در باره بفرنج ترپن و حاد ترپن مسائل امضا کند.

گ. کمیاتفسکی با پشتیبانی از این نظر تذکر داد اگر دولت ریگان پس از امتناع طولانی و مصرانه بالاخره مجبور شد در سال ۱۹۸۱ مذاکرات در باره موشک‌های میان برد و در سال ۱۹۸۲ مذاکرات در باره

محدود ساختن و کاهش سلاحهای استراتژیک را با اتحاد شوروی آغاز کند در این امر فشار از طرف جنبش صلح نقش کمی نداشته است. در مبارزه علیه خطر جنگ فقط در صورتی میتوان موفقیت های بیشتری بدست آورد که بتوان نیروهای تازه ای را بدین جلب کرد و تلاشهایی را که برای تفرقه انداختن در آن بعمل میآید خنثی کرد. در ضمن باید در نظر داشت که در جمهوری فدرال آلمان جنبش در راه صلح اینک از هر زمان دیگری ترکیب متنوع تری دارد. تقریباً نمایندگان تمام اقشار اجتماعی و افرادی با انواع نظریات سیاسی و ایدئولوژیک مختلف در آن شرکت میکنند.

دشمنان تشریفاتی سعی میکنند مقدم بر هر چیزی با تحریفات ضد کمونیستی در صفوف طرفداران صلح تفرقه ایجاد کنند. مثلاً میگویند که مبارزه علیه استقرار موشکهای با برد متوسط امریکائی در اراضی آلمان فدرال را گویا کمونیست ها " اداره میکنند " و در ضمن آنها هدفهایی را دنبال میکنند که با منافع جنبش صلح در تضاد است. ولی وقتی این قبیل خیالات واهی تأثیر مطلوب خود را نداد، از تجاع کوشید جنبش صلح را مجبور به دوری جستن از کمونیست ها بنماید تا بدین ترتیب " استقلال " و " حق قابل اعتماد بودن " خود را به " اثبات رساند ".

ما کمونیستها بصورانه برای تمام نیروهای صلح دوست کشور توضیح داده و روشن میکنیم که برای ما بمنزله یک حزب کارگری چیزی مهمتر از صلح وجود ندارد. جهانی عاری از سلاح یکی از آرمانهای والای سوسیالیسم است. تحقق آن با منافع تمام بشریت تطابق دارد.

ما حاضریم هر ابتکاری را که بتواند ما را به تحقق این هدف نزدیکتر سازد مورد پشتیبانی قرار بدهیم. از آنجا که حزب کمونیست آلمان با رشته های ناگسستگی با طبقه کارگر پیوند دارد میتواند سهم مهمی در جهت حل مسئله استراتژیک اساسی یعنی پیوستن جنبش صلح به جنبش کارگری ادانگد. هیچکس انحصار مبارزه در راه صلح را ندارد. بدین علت در صفوف نیروهای صلح دوست نسه دشمنان بلکه شرکا باید وجود داشته باشد. همکاری برابر حقوق آنها امکان میدهد بر " مواضع عدم اعتمادی " که هنوز وجود دارد ویرشک و تردید غلبه کرد.

ه. ی. کروزمانسکی در ادامه این سخن خاطر نشان ساخت که در تکامل جنبش صلح در جمهوری فدرال آلمان صحبت فقط بر سر یک جهش کمی نیست. میتوان این را گفت که کشور پروسه " علم و آگاهی ضد جنگ " را که توده های وسیع مردم را در بر گرفته میگذراند. اوگت در حال حاضر مهمترین تحول در آگاهی اجتماعی که در تمام دوران پس از جنگ سابقه نداشته مشاهده میگردد. فعال شدن نیروهای ضد موشک صحنه سیاسی را تغییر داده است.

اندیشه های صلح خواهانه هرچه عمیقتر در حزب سوسیال دمکرات نفوذ میکند. در این حزب جناح قوی طرفداران امتناع جمهوری فدرال آلمان از شرکت در استراتژی هسته ای - موشکی واشنگتن ایجاد

شده است. تقریباً ۴۰ درصد از اعضای حزب دمکرات آزاد آلمان فدرال مخالف تحقیق تصمیم نانو برای استقرار موشکهای میان برد آمریکایی در اراضی جمهوری میباشند. تشنه های پدیدار شده مکتفایش های صلح طلبانه چه در اتحاد دمکرات مسیحی و چه در شعبه باواریای آن، یعنی اتحاد سوسیال مسیحی، که محافظ کارتر است جوانه های نخستین را به بار آورده است. در ساختارهای خارج از احزاب نیز تغییرات قابل ملاحظه ای انجام میگردد. سندیکاها در اقدامات صلح طلبانه فعالانه شرکت میکنند، کلیساهای کاتولیک و پروتستان هرچه فعالتر بدفاع از صلح میپردازند.

ای. و. کلاهدی باتوجه به اوضاع فنلاند خاطر نشان ساخت همانطور که میدانیم برخلاف بسیاری از کشورهای اروپای غربی و شمالی، در فنلاند در سطح دولتی، اقدامات بسیاری در جهت تصمیم اصول همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای با نظامهای اجتماعی - اقتصادی متفاوت به عمل آمده است. اما علیه "مشی پآسیکوی - ککونن" چه در داخل و چه در خارج از کشور حملات بسیاری انجام میگردد. در این شرایط تشریح و توضیح صبورانه ماهیت خطر برای صلح و نشان دادن علل واقعی آن و راههای جلوگیری از خطر مهتر از هر زمان دیگری است. از این طریق میتوان جنبش ضد میلیتاریستی را که در فنلاند طیف وسیع نیروهای سیاسی را دربرگرفته است، فعالتر کرد.

ج. بنصون اظهار داشت کمیته صلح استرالیا، که چند سال پیش تأسیس شده است در ریاستهای ایالات یک سلسله اوشهرهای دیگر شعب خود را دایر کرده است. طوفان این سازمان را که طمس آن خواستار برچیدن تمام پایگاههای نظامی آمریکا از اراضی کشور شده است، هزاران نفر امضا کرده اند، زیرا دریافته اند که اگر پنتاگون درگیری بوجود آورد این پست های مقدم آمریکا میتوانند استرالیا را به هدف هسته ای مبدل سازند. اینکه صحبت بر سر آنست که جنبش ضد جنگ کشورمان را به یک جنبش توده ای تبدیل کنیم. یکی از راههای دست یابی به این هدف این است که نباید به فعالیت های صلح طلبانه اکتفا کرد، بلکه باید به مسائل دیگری که مورد نیاز و خواست مردم است پرداخت و بدین طریق شمار متحدین بالقوه را افزایش داد.

مالیک قید کرد که ویژگی جنبش صلح اسرائیل را مقدم بر هر چیز این واقعیت تعیین میکند که علیه سیاست تجاوزکارانه محافل حاکم کشور خود یعنی علیه سیاستی مبارزه میکند که تاکنون درگیریهای خونینی را باعث شده است. سرچشمه اوضاع انفجار آمیزی که چند دهه ساله است افکار عمومی صلح طلب در تمام نقاط کره ما را بحق نگران ساخته در این است که واشنگتن در راندیشه تبدیل اسرائیل به پایگاه سیاست سیطره جهانیه ایالات متحد و در منطقه خاور نزدیک است، اسرائیل به اشغال اراضی وسیع اعراب ادامه میدهد و قشر بالایی حاکم تل اویو تلاش میکند نیروهای مقاومت فلسطین را نابود سازد.

ولی برغم سلطه احوال و روحیه ناسیونالیستی و شوونیستی در کشور در این اواخر بطور محسوس شمار

بیشتری از مردم دارند و می‌بایند که مخالفت دولت با جستجوی راهبانی برای استقرار دانه و پایداری با خلقهای کشور های همسایه تاچه حدتیا میکند است . در حال حاضر مسئله عمدتاً جنبش ضد جنگ چگونگی دست‌یابی به اتحاد است .

کمونیست‌ها بر این عقیده می‌باشند که تأمین اتحاد ممکن است . اما به یک شرط و آن اینکه تمام هواداران صلح باید از تلاش بمنظور تحمیل نظریات خود بر متحدین خویش صرف‌نظر کنند . موضعگیری رهبران سازمان " صلح امروز " که فعالیت‌های مشترک را منوط به شرط قبول ایدئولوژی صهیونیستی از طرف بقیه شرکت‌کنندگان کرده‌اند ، نمونه‌ای از این قبیل تلاشهاست .

نیروهای مترقی چنین دعاوی را قاطعانه رد میکنند زیرا آنها عقیده دارند که این قبیل دعاوی کمونیستها و اعرابرا از جنبش ضد جنگ " خارج میکند " . ولی کمونیستها هیچ " شرط ایدئولوژیکی " را مطرح نمیکنند . موضع ما روشن است : مسئولیت تاریخی ما برای نجات کشور و تمام خاور نزدیک از خطر جنگ نیازمند اتحاد عمل تمام نیروهای صلح طلب علیرغم اختلاف نظرهای ایدئولوژیک و تعلقات ملی است .

ج . فیلیپس گفت به نظر حزب کمونیست کانادا موفقیت مبارزه در دفاع از صلح باین بستگی دارد که طرفداران آن موفق خواهند شد چنان نیروی بالقوه سیاسی بوجود آورند که امکان دهد از برگرداندن چرخ تاریخ به عقب توسط محافل ملیتاریستی ممانعت به عمل آید یا خیر . از این نقطه نظر پشتیبانی چشمگیری که از طومار کنگره دفاع از صلح کانادا خطاب بدولت بعمل آمد امیدوار کنند است . این خود نشانه‌بارزی است که سند یکی که تا این حد آشکارا ضد ملیتاریستی است در حزب دموکراتیک نپین (۱) در میان سوسیال دموکراتها و اعضای سندیکاها هر روز هواداران بیشتری پیدا میکند . باید توجه داشت که اوائل سالهای ۵۰ دیداران سوسیال دموکراتها و سندیکاها بیانیه استکهلم را تقبیح کردند و تبلیغاً بهتان آمیزی علیه تمام کسانی که از آن پشتیبانی میکردند براه‌انداختند .

ج . لموند تذکر داد که فعالیت‌های ضد جنگ در بریتانیا یکپیر به مرحله تازه‌ای اختلا یافته است . تظاهرات عظیم دفاع از صلح نمایندگان بسیاری از نیروهای سیاسی و اجتماعی را که تاکنون از فعالیت‌های جدی علیه خطر جنگ برکارمانده بودند بخود جلب کرد .

تغییرات تازه در احوال و روحیه محافل وسیعی از جامعه آنچنان زیاد است که در دموکرافت‌رنگدشته حزب کارگر خواسته شد که از استقرار موشکهای میان‌برد آمریکایی در اراضی بریتانیا صرف‌نظر شود . کنگرئس سال ۱۹۸۱ خواستار خلع سلاح یک‌جانبه بریتانیا یگیر شد . کنگرئس حزب لیبرال قطعاً راه تصویب کرد که در آن تصمیم دولت در ایبرمجهز ساختن زیر دریایی‌های بریتانیایی با راکت‌های

۱ - حزب دموکرات نود رسال ۱۹۶۱ برپایه فد راسیون جمعیت تعاونی سوسیال دموکرات و بخشی از سندیکاها ایجاد گردید ما ست . عضوانترناسیونالی سوسیالیستی است و پارلمان هم نمایند دارد . هیئت تحریریه

"ترایدنت" و استقرار موشکهای بالدار امریکائی در جزایر بریتانیا محکوم شده است. کفران منسوبتی اخیر تردیونیونهای بریتانیا نیز با شرکت کشور در استراتژی موشکی و اشنگتن مخالفت کرد.

ضمن آشکار ساختن ویژگیهای جنبش صلح معاصر که به عامل همواره مؤثرتری در جلوگیری از جنگ تبدیل میگردد، شرکت کنندگان در سمپوزیوم گرایشهای مثبت پیشرفت آنها را شرح زیر نام بردند:

— توده ای بودن جنبش و توسعه مرزهای حزبی و طبقاتی و ایدئولوژیک آن و فرارفتن آن از محدود و سازمانهای ملی و بین المللی، بین المللی شدن تظاهرات در سطح جهانی و منطقه ای؛

— پدید ایش خواستههای مشخص که با شرایط ویژه هر کشور جداگانه تطابق میکند، گسترش دایره این خواستهها با دیگر مسائلی که مورد توجه افکار عمومی است و همچنین افزایش درک ارتباط متقابل بین مبارزه برای صلح و امکانات رشد ترقی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی؛

— درک روشن تر مقیاس خطر جنگی که تهدید میکند و شناخته شدن تدوین مسببن واقعی آن و قبول نقش خلاق ابتکارات در سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی در عرصه خلع سلاح و تحکیم امنیت بین المللی؛

— احساس اعتماد به مؤثر بودن تظاهرات و اقدامات علیه نقشه های میلیتاریستی و

— آمادگی روزافزون برای درهم شکستن موانع سیاسی و ایدئولوژیک بخاطر همکاری برای جلوگیری از جنگ.

هدفها را باید تعیین کرد و اولویت هارا مشخص نمود

پیدایش ائتلاف پرتوان نیروهای ضد جنگ، اگرچه از لحاظ سازمانی هم رسمیت نیافته باشد، تعیین دقیق تر سمت های عمده فعالیت جنبشهای صلحدوست و اولویت های آن را در دستور روز قرار داد. جستجوی برنامه هائی که گرد آنها بتوان دایره وسیعی از گروهها و افراد جداگانه را بدون توجه به گوناگونی موضعگیری آنها متحد ساخت بیزان زیادی افزایش یافت. لذا مسئله برسر این است که عرصه های واجد آینده ای بهتر برای فعالیت یافته شود، نیروها در آنجا بکار گرفته شده و فعالیت روی آنها متمرکز گردد.

ای و وخالاهتی تأکید کرد که مسئله شعارهای درست نیازمند توجه خیلی بیشتری است. تجربیات مبارزه صلح طلبانه در فنلاند نشان میدهند که دیگر نباید به شعارهای کلی دعوت به صلح و یا خلع سلاح اکتفا کرد. باید تلاش کرد، مردم را برای انجام اقداماتی به منظور تحقق پیشنهاد های مشخص و مورد قبول اکثریت، از هر کس که باشند، بسیج کرد. مثلاً در فنلاند میتواند سخن از مبارزه برای تبدیل شمال اروپا به منطقه فاقد سلاح هسته ای باشد. سخنرانان، کشف منابع خطر تشنجات کنونی و نشان دادن مسببن واقعی آنها از بهترین وظایف بشمار آوردند. بطوریکه گفته شد این مسئله که

چه کسی مسبب دشواریهای است که در راه کاهش تشنج پدید آمد، چاره کسی سعی دارد "جنگ سرد دوم" را بوجود آورد و بالاخره چه کسی پایه و اساس برای سیاست از "موضع زور" را ایجاد میکند بهیچوجه مسئله ای آکادمیک نیست. پاسخ به این پرسش برای سمنگیری صحیح جنبش ضد جنگ فوق العاده مهم و ضروری است.

ج. لیونگ گفته که در پیوفیتهای نیروهای صلحدوست نمیتوان تردید داشت. در این مسئله نیز شکی وجود ندارد که درجه آگاهی توده ها از پیچیدگی و بغرنجی روند های بین المللی با سطح عالی فعالیت های ضد جنگ تطابق ندارد. از جمله بسیار زیاد گرایش های دیده میشود که در وخیم تر شدن اوضاع بین المللی ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی را بطور یکسان مقصر میدانند. همه مخالفین تدارکات جنگی خصلت عوامفریبانه ابتکارات "صلحدوستانه" و شننگن رانشخیص نمی دهند. همه آنها این را درک نمیکنند که مثلاً در روس "راه حل در حد صفر" کوشش کاخ سفید برای تغییر توازن نیروهای استراتژیک به زیان کشورهای عضو پیمان ورشو نهفته است.

و. با اثر یاد آور شده که یکی از راههای موثر برای روشن ساختن حقیقت این است که ماهیت نظریات سیاسی و شننگن را که در برابر جهانیان اعلام کرد گویا "چیزهایی مهتر از صلح وجود دارد" برای محافل گسترده سراسر جهان افشا کرد. دستگاه دولتی آمریکا از زمان پرزیدنت ریگان به تدارک "جنگ صلیبی" علیه نیروهای آزادی اجتماعی ملی فراخواند و هدف خود را "تابودی سوسیالیسم بمنزله یک سیستم جهانی" اعلام کرد. دکترین های پنتاگون مانند "ضربه اول هستهای" و "جنگ صلحدو هستهای" و "انفجار هسته ای هشدار دهند" و "جنگ هسته ای فرسایشی" نیز در واقع تابع این سیاستند. تلاشهایی نیز که برای اثبات "مجاز بودن" درگیری هسته ای و "امکان پیروزی" در آن به عمل میاید درست در خدمت به همین است. یکی از بی آمد های عملی این قبیل دکترین های میلیتاریستی رد پیشنهادات کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی برای خاتمه دادن بمسابقه تسلیحاتی و پس از آن خلع سلاح بر پایه اصل برابری و امنیت یکسان است.

برنامه دراز مدت "تکمیل تسلیحات" کشورهای عضو ناتو تصمیم به شروع تولید کامل بمب های نوترونی، نقشه های استقرار موشکهای "استراتژیک اروپائی" در اروپای غربی و تجهیز ارتش آمریکا با سلاح های شیمیائی همه مراحل بهم پیوسته آماده ساختن ماشین جنگی ایالات متحده آمریکا و

متحدین آن برای نیازهای سیاسی طبقات حاکمه کشورهای امپریالیستی است (۱) .

ر . والد سرووو یاد آور شد که با در نظر گرفتن اینکه بسیاری از شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ در عین حالیکه علیه مظاهر مشخص خطر جنگ مبارزه میکنند هنوز ریشه های عمیق آنها در رنیاخته اند و وظیفه کونیست ها این است که بطور سیستماتیک سمیت شدیداً طبقاتی تهاجم کنونی ارتجاع را افشا سازند .

تصادفی نیست که ارتجاع تلاشهای عمده خود را متوجه آن مناطقی از جهان کرد ماست که خلقها خواستار تحولات اجتماعی قاطعی میباشد . از جمله تقویت مواضع کوبای سوسیالیستی ، تحولات انقلابی در نیکاراگوئه جنبش میهن پرستانه در السالوادور و دیگر کشورهای آمریکای لاتین باعث خشم شدید کاخ سفید میگردد . در واشنگتن حتی برای پنهان کردن اینک آماد ه اند بمنظور جلوگیری از کاهش نفوذ امپریالیستی و نگاهداری رژیمهای ارتجاعی بر سر قدرت به هر ماجراجویی دست بزنند که کوچکترین کوششی هم نیکند .

شرکت کنندگان در سمپوزیوم اظهار عقیده کردند که ضمن تجزیه و تحلیل منشأ و خامت اوضاع بین المللی ، نباید جریان را ناشی از " بدطینتی " این یا آن دولت ، این یا آن سیاستمدار بورژوازی دانست . مسئله بر سر ماهیت امپریالیسم است که توسعه طلبی ، مبارزه برای بازار و منابع مواد خام و به اسارت در آوردن کشورهای و خلقها شرط لازم موجودیت و رشد آن است .

ج . روزرتو گفته ، مایاید نشان دهیم که تمایل به اشغال و تصرف همواره اساس جنگهای تجا و ز - کارانه بوده است . اکنون در پی کسب سود حد اکثر به میلیتاریزاسیون بی حد و حصر اقتصاد کشورهای امپریالیستی تکیه میشود . برخی از اقتصاد دانان بورژوازی آنها حتی وسیله آرزین بردن پدیده های بحرانی و عواقب اجتماعی آنها بشمار میآورند . اما زندگی ما را به بی پایه بودن این قبیل نظریات متقاعد میکند .

روند انباشت سلاح منطقی در رونی خود را دارد . ماشین جنگی که ایجاد شده میتواند ماجراجوترین مخالف امپریالیستی را بهسوزاند از آنکه آنرا بکار ببرند و یا حداقل آنرا برای ترساندن مخالفان خود مورد استفاده قرار دهند . در چنین شرایطی فاصله بین " جنگ سرد " و " جنگ گرم " تا حد اقل کاهش مییابد .

ه . ی . کریماتسکی گفت وقتی که جنبشهای صلح خواهان هدف خود را ضرورت کاهش نفوذ مجتمع نظامی - صنعتی ، بمثابه محرك مستقیم مسابقه تسلیحاتی قرار میدهند پس باید این تکمراهم در نظری بگیرند که تأثیر مجتمع نظامی - صنعتی فقط در عرصه تولید نیست . در درون این مجتمع که در کشورهای عمده امپریالیستی بیش از پیش بساد ستگاه و دولتی در هم میآمیزد ، گرایشهای عمده

۱ - درباره خصلت و دامنه تدارکات جنگی ایالات متحد ه آمریکا ، رجوع کنید به مقاله ج . اووست . فاکت های تازه : کی برای جنگ آماد میشود و کی در راه صلح کوشش میکند . مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " شماره ۴ سال ۱۹۸۲ . هیئت تحریریه .

سیاست خارجی و نظامی استراتژی شکل میگیرد .

بسیاری از شرکت کنندگان در سمپوزیوم به ضرورت قرار دادن شی پیگیر کشورهای سوسیالیستی در جهت تخمین اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای واجد سیستم های اجتماعی گوناگون در مناسبات بین المللی در مقابل سیاست میلیتاریستی امپریالیسم اشاره کردند . این اقدام به تکذیب و رد نظریه نادریست " سیاست بلوکها " یا " مسئولیت برابر " ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در امر افزایش خطر جنگ و غیره کدک خواهد کرد .

در ضمن بحث و مذاکره قید گردید که تشریح این واقعیت برای محافل گسترده و حائز اهمیت است که در شرایط سوسیالیسم برای طبقات ، قشرها یا گروه های اجتماعی که در مسابقه تسلیحاتی یا میلیتاریزه کردن اقتصاد و سیاست یا بطریق اولی در جنگ ها ذینفع باشند جایی وجود ندارد . و نیز گفته شد که برای کشورهای سوسیالیستی صلح شرط حتمی و قطعی تحقق برنامه های دراز مدت و پیشرفت اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و کدک انترناسیونالیستی به نیروهای انقلابی و جنبشهای آزاد بیخش نلی است . اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تمام هم خود را بکار می بندند تا اصول صلح خود را در ساختار قراردادها و موافقت نامه ها بگجانند و به سخن دیگر آنها خصلت بین المللی - حقوقی بدهند . جامعه کشورهای سوسیالیستی با تلیق قاطعیت در مسائل اصولی با آمادگی به گذشت های مورد قبول هر دو طرف و ضمن کوشش برای حل و فصل مسائل جهانی و خصوصی که راهگشای دست یافتن به هدف های نهائی است بخودی خود تکیه گاه قابل اطمینان نیروهای صلح است . سند نهائی کنفرانس هلسینکی درباره امنیت و همکاری در اروپا بیان فشرده و شمرخشان این کوششها است .

۱ . سلیم ه ضمن صحبت از ابتکارات کشورهای سوسیالیستی در سیاست خارجی یاد آور شد که تنها آشکار کردن جنبه واقعی آنها کافی نیست . صحبت باید برسر تجزیه و تحلیل تئوریک مضمون این پیشنهادها باشد . بطور مثال هنگام صحبت درباره برنامه صلح اتحاد شوروی برای سالهای ۸۰ نشان دادن ارتباط ارگانیک آن با میانی ایدئولوژیک و سیاسی جامعه نهین بسیار سودمند است . چنین برخوردی وابستگی دیالکتیکی آرمانهای کمونیستی و تمایل و کوشش برای حفظ صلح را واضحهتر میکند و به محافل گسترده جامعه امکان میدهد بدین نکته معتقد شوند که سمت گیری در جهت تحکیم امنیت بین المللی و خلع سلاح برای کشورهای سوسیالیستی نه مانوری تاکیکی ، بلکه شی استراتژیک است .

در برخی از اظهار نظرها این اندیشه وجود داشت که نشان دادن عمیق تر و روشن تر خطراتی که کانونهای تشنج و درگیری منطقه ای برای صلح جهانی در بر دارند ضروری است . م . حسینی خواست بدین منظور اصل غیرقابل تقسیم بودن صلح که مدت ها پیش از طرف دیپلماسی سوسیالیستی اعلام شد ، و گسترده تر تبلیغ شود ، در صورتیکه این اصل را به کاهش تشنج ارجحاط دهیم بدین معنی خواهد بود که

کاهش تشنج راهم باید روندی جهانی بشمار آورد .

تاگید بیش از حد بر احمیت کاهش تشنج در یک نقطه از جهان وبی توجهی به خطر در رگیری در نقطه دیگر بمعنی گمراه کردن در نیروهای صلحدوست است . مثلاً بعضی از شرکت کنندگان در رجنش های ضد جنگ در کشور های عربی گاهی به تأثیر کاهش تشنج بین المللی در حل مسائل منطقه خود کم بهسا میدهند . اما کاملاً معلوم است که در دست در وره کاهش تشنج بود که کوشش شد که با مساعی مشترک اتحاد شوروی و لایالات متحد ه راهی برای حل و فصل در رگیری خاور نزدیک از طرق سیاسی یافته شود .

س . میترا ، در تکمیل نظریات م . حسینى گفت ا همیت کاهش تشنج در اروپا به این محد ود نمیشود که برای خلقهای کشورهای سوسیالیستی و بخش سرمایه داری این قاره راهی واقعی برای برقراری روابط حسن همجواری گشو ده است . ابتکارات صلح طلبانه در اروپا ، افق کاهش تشنج جهانی و گسترش آن بر مناطق دیگر را نیز بازتر کرده است . کاهش تشنج به بسیاری از خلقها کمک کرد تا در مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی به پیروزیهایی نائل شوند .

ت . طاهروف تذکر داد که استدلال دیگری نیز وجود دارد که به خلقهای غیر اروپائی امکان میدهد خطر در رگیری های " محدود " را بهتر درک کنند . خود واقعیت رو در روی یکدیگر ایستادن نیروهای اصلی پیمانهای آتلانتیک شمالی و پیمان ورشو در اروپا امکان محدود کردن در رگیری را گنه در اینجا آغاز شود ، هر قدر هم که کوچک باشد ، بسیار دشوار میسازد ، هرگاه کشورهایی که در رگیری خواهند بود به این اتحاد های نظامی - سیاسی تعلق داشته باشند .

در سمپوزیوم به مسئله مبارزه علیه جنگ روانی هم که از طرف مراکز امپریالیستی دنبال میشود پرداخته شد . ک . روحی گفت تبلیغات بورژوائی در تلاش برای منحرف ساختن نیروهای اجتماعی در دو جهت اصلی عمل میکند ، از یک طرف میکوشد " حسن نیت " کشورهای امپریالیستی را با ثبات رساند ، و از طرف دیگر با تمام قوا ، احوال و روحیه ضد کمونیستی و از جمله ضد شوروی را اشاعه میدهد . اگر چه تأثیر در افکار عمومی بدین شکل چیز تازه ای نیست ، ولی بطور کاملاً جدی باید بدان برخورد شود . زیرا هنوز کسانی که ساده لوحانه اطلاعات و اخبار و وسایل تبلیغاتی بورژوائی را می پذیرند کم نیستند . این مسئله برای خلقهای حوضه کارائیب هم که سالها است سیل دروغهای مزورانه را بسوی آنها روانه میکنند صادق است .

ر . کوللوره ، تاگید کرد که ضمن افشای آنچه در باره " خطر شوروی " گفته میشود باید در عین حال در نظر داشته باشیم که بین کسانی که به افسانه های امپریالیستی باور دارند برادران طبقاتی ما هم هستند . ما باید به آنها کمک کنیم که از تورهای تبلیغاتی سرمایه نجات یافته و حقیقت را در باره ^{ست}سیا خارجی سوسیالیستی ، در باره ماهیت ایدئولوژیک آن بمثابه سیاست صلح و همکاری خلقها در یابند .

زمانیکه بورژوازی از شیوه های خدعه آمیز برای متحرف ساختن افکار عمومی استفاده میکند، نظریاتی گماهیتی عقب ماند، دارند میتوانند در بخش معینی از زحمتکشان موقتا "حاکم گردند" اما پیروزی استراتژیک پایدار در مجارزات ایدئولوژیک را میتواند تنها یک ایدئولوژی علمی و مترقی و انسانی کسب کند. * گیرگینف اظهار داشت ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم این چنین ایدئولوژی است. * بهمین سبب رویارویی بین المللی در عرصه ایدئولوژیک دیر یا زود به غلبه بر نظریات و احوال و روحیه ارتجاعی و پیدایش جو سالم ایدئولوژیک ختم خواهد شد. * البته این جریان به خودی خود پروژنمیکد و مستلزم تشدید مبارزه ایدئولوژیک علیه امپریالیسم، برای دفاع از کاهش تشنج و صلح است. * ادامه چنین مبارزهای به اتحاد تمام کسانی که نگران سرنوشت بشریت هستند کمک خواهد کرد. * هدف این مبارزه پیشبرد یگانه شیوه واقع بینانه و از لحاظ تاریخی درست برای حل مسائل بین المللی بوسیله دیالوگ مسالمت آمیز و سازنده میباشد.

بدین ترتیب جهات اصلی فعالیت نیروهای صلحد و ستکه در زیربمان خواهد شد، در جریان بحث و مذاکرات در مرکز توجه قرار داشتند:

— یافتن علل حقیقی تشدید تشنجات بین المللی، افشای مسببین مشخص افزایش خطر جنگ؛
 — نشان دادن امکانات عینی برای حفظ صلح و راههای واقعی آن؛
 — تبلیغ گسترده ابتکارات صلحد و ستانه ای که به پایان دادن مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح،
 تحکیم امنیت بین المللی و گسترش مناسبات با سود متقابل و برابر حقوق میان خلقها یاری رساند؛
 — سازمان دادن مبارزه توده ای برای اهداف مشخصی که دست یافتن به آنها به تحقق این پیشنهادات کمک میکند؛

— به شکست کشاندن تلاشهای محافل میلیتاریستی برای تضعیف جنبشهای صلحد و ستانه و جلوگیری از اتحاد عمل آنها با کشورهای سوسیالیستی و کمونیستها؛
 — افشای افسانه "خطر نظامی شوروی" و همچنین نظریه "ابر قدرتها" و "مسئولیت برابر" سوسیالیسم و امپریالیسم در تشدید تشنجات بین المللی.

ج. * لوند ریایان سخن تأکید کرد که تبادل افکار و عقاید در سمپوزیوم، درباره شرایط برقراری صلح پایدار و روند کاهش تشنج و همچنین بررسی بعضی از ویژگیهای جنبش ضد جنگ در مرحله کنونی به درک بهتر وظایف مهم جنبش یاری رساندند. * او گفت شرکت کنندگان در سمپوزیوم تنها نمایندند مناطق اساسی کره زمین بلکه نمایندند جریانات سیاسی و ایدئولوژیک گوناگون نیز بودند. * این ملاقات همفکران در مسئله ای بود که برای تمام ساکین سیاره ما اهمیت حیاتی دارد. * بحثهای صادقانه و بسا حسن نیتی که در جریان سمپوزیوم در گرفت بار دیگر نشان داد که تبادل نظر میان کمونیستها و سوسیالیستها

لیستها غیر حزبی ها و اعضای احزاب بورژوازی متدینین و آته نیست ها نمایندگان مجالس بود انهنندان
 شخصیت های سند یکائی و حزبی ه یعنی کاری که در واقع توفیق انجام آن در سمپوزیوم حاصل شد بخودی
 خود سودمند بود ه و میتواند برای فعالیت مشترک و مبارزه فعال در راه یک هدف شریف انگیزمای باشد .

* * *

سمپوزیوم در اوضاع بین المللی بسیار بفرنجی که میتواند خطراتی در پی داشته باشد برگزار شد .
 اوضاعی که خطوط اساسی آن در نیمه دوم سال ۱۹۸۲ خصلت تهدید آمیزتری یافته است . شرکت کنندگان
 در سمپوزیوم اینطور اظهار عقید نکردند که : وظیفه ای مهمتر از جلوگیری از درگیریهای سیاسی و نظامی
 که از سیاست کشورهای امپریالیستی ناشی میشود . وجود ندارد . تشدید بیشتر تشنجات میتواند بازگشت
 به کاهش تشنج را دشوارتر سازد و تا اندازه بیشتری مناسبات میان کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی
 را دشوار و پیچیده نماید .

صرفنظر از تعلقات حزبی و سمگیری ایدئولوژیک یا سیاسی شرکت کنندگان در سمپوزیوم یکانندیشه
 اصلی در اظهارات آنان وجود داشت و آن اینکه دست یافتن به چرخشی که دارای اهمیت حیاتی برای
 مستحکم ساختن امنیت بین المللی میباشد امکان پذیر است . راه رسیدن به حفظ کاهش تشنج عبارتست
 از حد اکثر فصالیت و اتحاد عمل تمام نیروهای ضد جنگ و از بین بردن موانع اجتماع سیاسی ایدئو-
 لوژیک بمصود مبارزه علیه خطر جنگ . انجام این وظیفه عظیم تکمیل مداوم برنامه مثبت عمل مشترکی را بهرژه
 الزام میکند که بر پایه آن گروههای بسیار مختلف مبارزان راه صلح بتوانند یا حفظ استقلال کامل خود
 در صف واحدی متحد گردند .

از شماره ۹ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

سال ۱۹۸۲

مبارزه برای علنی شدن حزب

آری دوس سانتوس

نماینده حزب کمونیست برزیل
در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

— وضع سیاسی کنونی در برزیل را شما چگونه ارزیابی میکنید و سمت های اساسی مبارزه حزب

کمونیست برای علنی شدن آن کدامند؟

— پس از موفقیت اپوزیسیون دموکراتیک در انتخابات سال ۱۹۷۸ گردانندگان دستگاه دولت در شرایط بحران اقتصادی تعمیق یابند و اختلالی جنبش توده ها، مجبور شدند به یک سلسله اصلاحات در سیاست داخلی و خارجی کشور دست بزنند (۱). اگرچه در برزیل فقط حقوق و آزادیهای محدودی احیا گردید و مانند گذشته دیکتاتوری نظامی بر اوضاع مسلط است، نیروهای خواستار دموکراسی و ترقی اجتماعی مواضعی را بدست آوردند که به آنها امکان میدهد مبارزه را حالا دیگر در شرایط مساعدتری ادامه دهند.

در عین حال کمونیست ها مانند گذشته با تبعیضاتی روبرو هستند و حق دارند فقط بطور انفرادی به امور سیاسی و فرهنگی بپردازند زیرا قانون مربوط به امنیت ملی از فعالیت آنها بنام حزب کمونیست و مانند یک سازمان سیاسی مناعت میکند. لذا کمونیست ها بطور انفرادی آشکارا مواضع خود را تشریح میکنند و مصاحبه مطبوعاتی بعمل میآورند، درباره مسائل مربوط به برزیل اظهار نظر میکنند و در انتخابات اشتراک ورزید و با سایر نامزد های انتخاباتی رقابت میکنند، ولی در همه حال بمنزله یک فرد و بر پایه اظهار نظر شخصی عمل میکنند. بهمین سبب ما بفعالیت گسترده ای بمقیاس سراسر کشور برای شناسائی حزب کمونیست برزیل و علنیت کامل آن پرداخته ایم.

هدف حزب در حال حاضر عبارت از این است که برسمیت شناخته شود، زیرا این امر بدان امکان میدهد بطور علنی فعالیت کند و محدودیتی نداشته باشد، یعنی روزنامه و کتاب و مجله انتشار دهد.

— رجوع کنید به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۳ سال ۱۹۸۲.

مراکز فعالیت آشکاری داشته باشد و در انتخابات مستقلاً شرکت نماید . با وجود اینکه قانونگذار در کشور خصلتی مهدود سازنده و ضد دموکراتیک دارد و کمونیست ها حاضرند تمام آنچه را که قانون برای ایجاد حزب سیاسی بطور رسمی طلب میکند ، انجام دهند . ما بر این عقیده هستیم که در زمانی علنی شدن حزب کمونیست برزیل پدیدار شده است ، اگرچه در قشر فوقانی نظامیانی که حکومت را در دست دارند هنوز هم پیشدوری های ضد کمونیستی قوی است و این ، بدون تردید ، حل مسئله را دشوار میسازد .

— کمونیست ها بطور مشخص چه اقداماتی بعمل میآورند ؟

— در مبارزه برای علنی شدن ما سیاست وحدت را رهنمود خود قرار داده ایم و میکوشیم تمام نیروهای اجتماعی را که در شکست این رژیم ذینفع میباشند و خواهان تشکیل دولت نیروهای ضد دیکتاتور هستند که قادر باشد بدموکراتیزه ساختن کامل جامعه برزیل جامه عمل بپوشاند متحد سازیم . بمنظور ایجاد جنبش توده ای در پشتیبانی از خواسته های کمونیست ها در سراسر کشور اقدامات گسترده آشکاری بعمل میآوریم که مردم علناً در آنها شرکت میکنند . بطور مثال ما تظاهرات برای بحث و مذاکره همگانی منتشر ساختیم که منعکس کننده عقیده حزب در باره جنبه های گوناگون واقمیت اوضاع برزیل و وضع بین المللی بود . این تظاهرات آشکارا در صفحات روزنامه ها و مجلات ، در دانشکده ها و دانشگاهها و در سازمانهای اجتماعی مورد بحث و مذاکره قرار میگیرد . ما اندیشه های تازه تکمیل و غنی میگرد و در برخی از مسائل هم از آنها انتقاد می شود و این نیز بدون تردید مضمون آنها را توسعه میدهد . ولی مواد اصلی سند مورد پشتیبانی اکثریت قریب باتفاق شرکت کنندگان در بحث و مذاکره قرار میگیرد . بمنظور اشاعه و انتشار اندیشه های حزب کمونیست میان مردم و افزایش ارتباط آن با توده ها ما از تدارکاتی که برای انتخابات همگانی کنگره ملّی و مجامع قانونگذاری ایالات ویا شهرداریها بعمل میآید استفاده میکنیم . برای نخستین بار پس از ۱۸ سال یعنی دورانی که اداره امور توأم باتبعیضاتی از طرف رژیم بود ، فرمانداران ۲۲ ایالت انتخاب خواهند شد . کمونیست ها از نامزد های انتخاباتی اپوزیسیون برای فرماندار آنها نمایندگی مجلس سنا در یک سلسله از شهرهای بزرگ پشتیبانی میکنند . در عین حال تعداد قابل توجهی از رفقای ما در انتخابات پارلمانی ایالات و شهرداریها در جرگه نامزد های نمایندگی سایر احزاب اپوزیسیون ثبت نام میکنند .

بمنظور خنثی کردن قانون انتخاباتی دگماتیک و سفسطه آمیز تحمیلی از طرف رژیم نظامی (۱) ما

۱— رژیم نظامی برای ایجاد مانع در راه پیروزی اپوزیسیون در انتخابات قانون ضد دموکراتیکی را به تصویب رساند که طبق آن احزاب باید تعداد معینی رأی در زمینی از ایالات بدست آورند تا بتوانند نامزد های انتخاباتی بانی خود موفق گردند . این قانون ایجاد ائتلافهای ماقبل انتخاباتی را قند غن کرده است و غیره .

شعار " رأی گیری دموکراتیک سودمند " را مطرح کردیم ، بدین معنی که ازانتخاب کنندگان خواستیم رأی خود را به آن نامزد انتخاباتی بگذاریم . این شعار ازطرف مردم بافهام هشتیبانی گسترده ای روبرو شد . دیدارهای دسته جمعی و بحث و مذاکره ای که با شرکت رهبران حزب کمونیست انجام میگردد یکی دیگر از سمت های مهم دیالوگ ما با اهالی است . بطور مثال در دانشگاه سان پاولو تبادل نظر گروهی میان جانبهای میان رفیق ژبوگند دیاس و دیگر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل و تعداد زیادی از دانشجویان در باره فعالیت آلیانس آزاد پیشخسملی (۱) و نقش کمونیست ها در مبارزات مسلحانه سال ۱۹۳۵ انجام یافت . چنین مسئله ایمرای نخستین بار بطور آشکار در دانشگاه برزیل با شرکت کمونیست ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت .

ماضین خواستار شدن علنی کردن حزب به مردم یاد آور میشویم که تاریخ حزب کمونیست برزیل با تمام جنبش های بزرگ دموکراتیک ، میهن پرستانه و شرقی که طی ۶۰ سال گذشته در کشور روی داده ارتباط ناگسستگی دارد . کمونیست ها هم از مهم ترین پر دامنه ترین اقدامات ملی در دفاع از صنعتی کردن برزیل ، ملی ساختن صنایع نفت و انواع دیگر مواد خام استرالیتریک ، انجام اصلاحات ارضی ، آزادی و استقلال سندیکاها و طرفداری از تصویب قانون کار ، تأمین اجتماعی عادلانه برای زحمتکشان روستاها ، غوغوسی زندانیان و دیگر کسانی هستند که بععلل سیاسی مورد تعقیب قرار گرفته بودند . خلاصه ما میگوئیم که بیش از این نمیتوان چنین حزب بزرگ ملی یعنی حزب کمونیست برزیل را ندیده گرفت . علنی شدن آن شرط لازم دموکراتیزه شدن زندگی جامعه است .

— برخورد و دوستی و مردم به خواست کمونیست ها چگونه است ؟

— بسیاری از شخصیت های دولتی و سیاسی از شناسائی رسمی حزب کمونیست طرفداری میکنند .

بجا است نظر وزیر نیروی هوایی ژنرال دیلیو ژاردین دی ماتتوس را یاد آور شهیم که گفت هیچ چیز غیر عادی روی نخواهد داد اگر حزب کمونیست برزیل فردا برصمیت شناخته شود ، این مسئله سیاسی در صلاحیت دولت است . این موضع وزیر در صفحات مطبوعات انعکاس گسترده ای یافت . علنی ساختن حزب پس از انتخابات سال ۱۹۸۲ را دیلیو فرانکو وزیر امور خارجه سابق و دکتر باربوزا لیما سورینیو (Sobrinju) پزیدنت اتحادیه مطبوعات برزیل ، تعدادی از ستاتورها و اعضای پارلمان ملی ، از جمله از حزب حاکم ، نمایندگان مجامع قانونگذاری ایالات و شهردارها ، شهردارها ، حقوقدانان ، صاحبان صنایع ، بازرگانان ، رهبران سندیکاها و ولیدرهای دیگر سازمانهای توده ای هم پیشنهاد میکنند .

۱ — جبهه متحد ضد فاشیست که در اواسط سالهای ۳۰ فعالیت میکرد .

روزی نیست که از گوشه و کنار کشور اخباری د ایر بر پشتیبانی از خواست ما از طرف مردم برزپیل نرسد . بطور مثال کفرانس ملی سراسری د اد ر سان که چند ی پیش د رایالت سانتا کاتارینا برگزار گردید خواستار تصویب قانون اساسی د موکراتیک و علنی ساختن تمام احزاب سیاسی و از جمله حزب کمونیست برزپیل گردید . مجمع قانونگذاری ایالت ریوگراندی د - و - سول به این نتیجه رسید که علنی ساختن حزب کمونیست برای د موکراتیزه کردن زندگی ملی ضروری است . د ر سان پاولو کتاب مهییز سر صیاس د رباره مبارزه کمونیستها د رساله های ۱۹۲۲ - ۱۹۲۴ برای ایجاد حزب توده ای انتشار یافت و د یکی از بزرگترین روزنامه های بورژوازی یعنی " زورنال د و برزپیل " ضمن نقدی که بر آن نوشته شد ه بود قید میگردد کمونیستها برای علنی شدن رسمی و شناخته شدن حزب توده ای از طرف جامعه مبارزه میکنند و این امر برای برقراری د موکراسی واقعی د ر کشور ضروری است . این نمونه ها بقرانی رسا گواه بر این است که تعداد هر چه بیشتری از اهالی برزپیل د رسمای حزب کمونیست برزپیل جزء جدائی ناپذیر زندگی سیاسی ملی را می بینند .

— د ر برخی از ارگان های مطبوعات بورژوازی اخبار و اطلاعاتی نمودار میگردد حاکی از این که حزب کمونیست برزپیل بخاطر علنی شدن گهگاه بگذشت های اصولی تن د رمید هد . شما د رباره این موضوع چه میتوانید بگوئید ؟

— حزب ما همواره به امر طبقه کارگر و خلق برزپیل خدمت کرده است ، میخوایم تأکید کم که حزب ما طی ۶۰ سال موجودیت خود رو سپهرفته فقط ۲ سال بطور علنی فعالیت کرد ماست . بقیه این سالها همه را د شرایط کار مخفی مبارزه میکنند و مرتباً مورد تعقیب پلیسی خشونت آمیز شدید ی است . هزارها کمونیست به زندان افکنده شد ه اند ه آنها را شکنجه کرده اند . ما هم مانند سایر احزاب از حق خود برای علنی بودن د فاع میکیم ولی هیچوقت بخاطر آن اصول مارکسیسم - لنینیسم را فدا نکرد ه ایم . حزب کمونیست برزپیل یا اتکا به شعوری مارکسیستی - لنینیستی سعی دارد استراتژی و تاکتیک انقلاب برزپیل را باتوجه به تغییراتی که روی مید هد تهیه و تنظیم نماید . حزب کمونیست برزپیل د رراه ترقی سیاسی ه اقتصادی و اجتماعی کشوره تأمین حقوق زحمتکشان و توده های مردم ه برقراری رژیم د موکراتیک و د ر راه سوسیالیسم مبارزه میکند . جامعه بدون طبقات و استثمار انسان از انسان این هدف ه کمونیستها است .

چه چیزی جوانان اسپانیا را نگران میسازد

خوسه پالانو

عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا
دبیرکل اتحاد جوانان حزب کمونیست اسپانیا

— به عقیده شما جهات اصلی فعالیت اجتماعی جوانان اسپانیا در آغاز سالهای ۸۰ کد است ؟
— این سالها برای کشور ما بطور کیفی از آغاز سالهای ۷۰ متمایز میگردد . در آن دوران وظیفهٔ عمدهٔ جنبش جوانان عبارت بود از اشتراک در مبارزه علیه رژیم فرانکو و در مبارزه برای احیای آزادبهنای حقوق دموکراتیک . ما به این هدف بطور کلی دست یافته ایم اگرچه هنوز هم خطر از دست رفتن دستاوردهای دموکراتیک بازگشت دوران گذشته وجود دارد . حالا جوانان مبارزه بخاطر تقویت پروسهٔ دگر سازی کشور ادامه میدهند و در عین حال علیه پی آمد های بحران اقتصادیک که در همه جا در جهان سرمایه داری محسوس است نیز مبارزه میکنند .

بحران به بدتر شدن شدید شرایط زندگی جوانان انجامید و برای آنها بیکاری و افزایش از خود بیگانگی بهمراه آورد و موجب نابودی آرزوها و بر باد رفتن امید ها گردید . راه های رشد تخصصی و حرفه ای و پیشرفت و تکامل شخصیت بروی بسیاری از پسران و دختران بسته شد . بهمین سبب وظیفهٔ مبارزه در راه توزیع عادلانه درآمد ها و تأمین آن حقوق اجتماعی که به جوانان امکان بدهد بطور شایسته و جدیدیت به کار و فعالیت اجتماعی بپردازند تا این خد حاد و مبرم است .

طبیعی است که نسل که نسل ما هم مانند تمام نسلهای گذشته خواستار صلح است چون به آیندهٔ خود علاقمند میباشد . حفظ و خامت اوضاع بین المللی و مسابقهٔ تسلیحاتی که بخودی خود برای جامعه بشری خطرناک است امکان حل و فصل مسئله بحران اقتصادی و توجه به منافع جوانان را سلب میکند .
میگهند اسلحه میکشد و حتی اگر هم بکار برد نشود . واقعاً هم مسابقهٔ تسلیحاتی میلیونها انسان را در دنیای سرمایه داری بهلاکت میرساند زیرا آنها را به بیکاری و گرسنگی محکوم میکند و امکان نمیدهد شرایط زندگی ه کار و تحصیل شایستهٔ انسان فراهم گردد . بدین ترتیب مبارزهٔ جوانان ما در راه صلح و خلع سلاح نه فقط بر اساس علاقهٔ شدید به جلوگیری از فاجعهٔ جهانی بلکه بر پایهٔ تمایل به بدست آوردن ترقی اجتماعی استوار است .

— کثیرالمله بودن کشور شما در هدفهای جوانان چه تأثیری دارد ؟

— در اسپانیا مناطق پیشرفته و عقب مانده وجود دارد . فراتیکس هرج و مرج رشد سرمایه

داری را به کشور تحویل کرد و در نتیجه عدم توازن و ناهماهنگی داخلی عظیمی پدید آمد. این عدم توازن در درجه اول نتیجه ناهماهنگی اقتصادی-اجتماعی است و نه اختلاف زبانی و فرهنگی. بهمین سبب مسائل همانند در نقاط مختلف به اشکال متفاوتی مطرح است. بطورمثال مسائل جوانان کاتالونی که سرزینسی بسیار پیشرفته از لحاظ صنعتی است و در شهرهای بزرگ آن بیکاری بیداد میکند با مسائل جوانان گالیسی که منطقه ای است کشاورزی و عقب مانده است و اهالی آنجا ناچار در جستجوی کار، خانه و زندگی خود را ترک میکنند تفاوت دارد.

در عین حال جنبش های جوانان در ایالات مختلف اسپانیا دارای ویژگیهای ملی هر یک از این خلقها است. این را باید در نظر داشت که در دوران فرانکو در این جهت کوشش بعمل میآید که ویژگیهای فرهنگی کاتالونتیستها، گالیسی ها و باسکها با جبر و فشار زده و گردد. بهمین سبب همزمان با پیروسیه آحیای دموکراسی در کشور فرهنگ های ملی هم با نیروی بسیار آغاز شکستن کردند. قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید که به ایالات مختلف اسپانیا خود مختاری میدهد.

ولی مایلیم تأکید کم که در مقابل تمام جوانان اسپانیا، صرفنظر از تعلقات ملی آنها وظایف مشترکی قرار دارد که با اقدامات پراکنده و جدا جدا و بدون داشتن پیوند با جنبش خلق و نیروهای دموکراتیک و مترقی نمیتوان انجام داد. رصداهای دوران اخیر بار دیگر این واقعیت را تأیید میکند. بطوریکه میدانیم ۲۳ فوریه در اسپانیا توطئه ای که برای انجام یک کودتای ارتجاعی تدارک شده بود خنثی گردید. مردم با تظاهرات عظیم در سراسر کشور به اقدامات شورشیان پاسخ دادند. فقط در مادرید در این تظاهرات یک میلیون و پانصد هزار نفر شرکت کردند. نمایندگان تمام قشرهای اهالی در کوچه های شهرها و شهرکها برآه پیمائی پرداختند و در ضمن جوانان فعالیت ویژه ای از خود نشان دادند.

نمونه دیگری بامبارزه مردم اسپانیا علیه پیوستن کشور به ناتو ارتباط دارد. در جریان اقدامات و تظاهرات گسترده اعتراض آمیز در سراسر کشور در همه جا میتینگها و جلسات مختلف تشکیل میشد. دیدارها و مذاکراتی بعمل میآمد و راه پیمائی هائی سازمان داده میشد. یکی از موثرترین آنها در مادرید برگزار شد و در آن چند صد هزار نفر که اکثر از جوانان بودند شرکت جستند.

بدین ترتیب تظاهرات عظیم اخیر مردم کمطور گسترده مورد پشتیبانی جوانان قرار گرفته و در جهت دفاع از آزادی و دموکراسی و ممانعت از ورود اسپانیا به ناتو بود. این دو وظیفه بشد عبا هم در آمیخته است. پیوستن کشور به ماشین جنگی با منافع اکثریت قاطع مردم در تضاد است. خطری پراسر تحکیم دموکراسی است و وخامت اوضاع را تشدید میکند. بهمین سبب مردم و از جمله جوانان بسیار زود خود ادامه میدهند و خواستار مراجعه به آراء عمومی درباره این مسئله میباشند.

— در سالهای اخیر در برخی از ارگانهای مطبوعاتی اسپانیا اخباری بچشم میخورد دایر بر اینکه

نفوذ کمونیست ها میان جوانان کاهش یافته است . درباره این موضوع شما چه می‌توانید بگوئید ؟

واقعاً هم در روابط کمونیست ها با جوانان مشکلاتی وجود دارد . فقدان دورنمای زندگی آینده ، بیکاری و سایر دشواریهای زندگی در شرایط بحران به پیرامون رفتن امید ها می انجامد و به فردگرایی میان جوانان دامن میزند . در بسیاری از آنها این اندیشه بوجود میآید که تغییر وضع موجود غیر ممکن است . برخی ها از اشکال جمعی و سازمان یافته مبارزه امتناع میکنند ، بعضی ها از واقعیات گریزان میشوند و تلاش میکنند برای خود تسکینی در استفاده از مواد مخدر بیابند و مانند اینها .

ولی وجود دشواری در ارتباط با جوانان دارای علت دیگری نیز هست . بنظر من کمونیست های کشور ما همیشه موفق نمیشدند بموقع و بطرز قناعت بخش در برابر خواسته های تازه نسل نو واکنش نشان دهند . نیا بموقع و سرعت سیاسی را تنظیم و پیشنهاد کنند که با این خواستها و تمایلات مطابقت کند . تصور میکنم جنبش در راه صلح و جنبشی که اینک بانیره و قدرتی ویژه ای آغاز گردیده بمکونیستها امکان میدهد بر پایه مبارزه علیه استقرار موشک های هستهای و مسابقه تسلیحاتی ارتباط خود را با جوانان استحکام بخشند . ما باید متوجه این باشیم که میان مبارزان در راه صلح و جنبش علیه ورود اسپانیا به ناتو جوانان و زن ثقل بیشتری دارند و هدفهای صلح و ستانه آنها با وظایف سیاسی کمونیست ها مطابقت میکند .

بقیه از صفحه ۵۰

موترواقع شدن مذاکرات اصرار ورزنده تا تدابیری اطمینان بخش در مورد مسائل بنیادی خلع سلاح
بواقعیت مبدل گردد . تردیدی نیست که با وجود مبارزه فعالانه کمونیست ها و تمام محافل اجتماعی دموکراتیک که خطر فاجعه هسته ای را که سیاره ما را تهدید میکند درک مینمایند و با وجود پشتیبانی جمعی خلقها و تحت فشار جنبه جهانی ضد جنگ دسترس به چنین هدفی امکان پذیر است . این امر ، امروز وظیفه عمده و حیاتی برای جامعه بشری و ضامن بقای تمدن است .

از اسناد و مدارك احزاب

ویتنام

توجه به تربیت و پرورش کادرها
برای رشته‌های نظری (تئوریک)

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام رهنمودی درباره تهیه کادر برای رشته های نظری در مدرس عالی حزبی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام به تصویرسانید . بطوریکه در این سند گفته میشود پیشرفت کشوری کشاورزی بسوی سوسیالیسم ، بدون طی کردن مرحله پیشرفت سرمایه داری مسائل بیشمار تئوریک و پراتیکی را پیش میآورد که باید آنها را همجانبه و منظم مورد بررسی قرار داد . تعمیم تجربه فراوانی که حزب کمونیست ویتنام طی نیم قرن فعالیت انقلابی گرد آورده و فراگرفتن موفقیت های تئوریک احزاب برادران را اهمیت است .

در این رهنمود وظائفي شرح زیر معین گردیده است : تحصیل در رشته های فوق لیسانس به سطح بالاتری ارتقاء داده شود و پذیرش دانشجو برای دوره فوق لیسانس منظم و هرساله انجام گیرد . مضمون برنامه های تهیه کادرها و شیوه تهیه کادر متناسب با آنها تعیین گردد .

در انتخاب افرادی که برای آموزش های تئوریک در نظر گرفته میشوند توجه جدی بعمل آید .

در این سند قید گردیده است که باید گروهی از استادان باتخصص عالی ایجاد گردد و وضع مالی و مادی پرورسه آموزش و پژوهش بهبود یابد .

فرانسه

در رنبرد در عرصه تولید و برای
اشتغال باید پیروزشد .

بوروی سیاسی حزب کمونیست فرانسه ، پس از بررسی همه جانبه وضع اقتصادی کشور به این نتیجه رسید که مبارزه در راه گسترش تولید ملی و افزایش اشتغال ، در ردیف بالا رفتن سطح مصرف مردم موائل قاطع بهبود وضع اجتماعی - اقتصادی فرانسه است . در اعلامیه ای که به تصویب بوروی سیاسی رسید ه گفته شده است کمونیست ها طی سالهای متعادی از ضرورت بسط

وتکامل تولید ملی ("جنس فرانسوی تولید کردن") دفاع کرده اند ، علیه انحلال موسسات و کارخانه ها ، علیه بیکاری مبارزه کرده اند و طرفدار نیروی از سیاست پر دامنه صنعتی بوده اند که متکی به امکانات بالقوه فرانسه باشد . بوری سیاسی تمام کونیست ها ، سازمانهای حزبی و نمایندگان راکه طبق فهرست حزب کونیست به ارگانهای مرکزی و محلی حاکمیت انتخاب شده اند ، فرامیخواند که انجام این وظائف کمرهت بپوشند .

در رسیدن یادآوری شده است که در همه جا و هر جا که ممکن است باید خواستار ایجاد محل برای مشاغل جدید و انعقاد پیمان هائی گردید که زمینه را برای گسترش اشتغال در عین کاهش طول زمان کار و تامین بالا بردن سطح تخصص ، فراهم میآورند ، باید طلب کرد تا وزارت آموزشهای تخصصی حل و فصل مشکلات جوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله را بعهده گیرد . حزب همچنین مبارزه با سوء استفاده از نوادگان و اعتبارات و هزینه های بیهوده و مبارزه در راه تضمین بهترین شکل استفاده از ذخایر دولتی و بانکی و گسترش اشتراک زحمتکشان در اداره امور تولیدی را حائز اهمیت میدانند .

در اعلامیه تاکید گردیده است که کونیست ها وظیفه دارند بطور مشخص با روحیه ای سازنده و با اتکا به مواضع واقع بینانه و دلیرانه این مسائل را با تمام زحمتکشان ، کارگران ، کارمندان ، تکنیسین ها ، مهندسان ، نمایندگان دستگاه دولتی و دیگر کارکنان علمی ، کشاورزان و بطور خلاصه با تمام کسانی که به لزوم انجام این اقدامات معتقدند مورد بحث و بررسی قرار دهند .

خبرهای کوتاه

بلیوی

در دولت نیروهای چپ که در بلیوی تشکیل یافت بمنمایندگان حزب کونیست بلیوی پست های وزارت کار ، وزارت امورسندیکا ها و وزارت معادن و صنایع فلزواگداگر گردید .

برزیل

دائرة انتشاراتی مترقی "نوس روموس" که در سان پاولو ، بزرگترین شهرکشور قرار دارد مجموعه ای حاوی مطالب و مند رجات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" را منتشر کرد . از این به بعد هر چهار ماه یکبار چنین مجموعه ای در برزیل انتشار خواهد یافت .

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۸۲ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 11 , 12 1982



انتشارات حزب توده ایران